

فصلنامه بهار

حسن مهدویان

تهیه: مؤسسه فرهنگی انتظار نور
وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم



بوشهر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۳۱۴

۲۲۹۵

اهل بیت ۹۶ (تاریخ: ۱۸۷)

- عمومی

- كودك و نوجوان (گروه سنی ه «دبیرستان»)

مهدویان، حسن، ۱۳۳۵ -

بهارى ترین فصل انسان / حسن مهدویان؛ تهیه مؤسسه فرهنگی انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۳، ۱۳۶ ص. - (بوستان کتاب قم؛ ۱۳۱۴، کتاب‌های مؤسسه فرهنگی انتظار نور/۱۲)
ISBN 964 - 371 - 604 - X - ریال: ۱۰۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Hasan Mahdaviyan. Bahārītarīn Faṣle Enṣān
[A glance at Imām Mahdī in Shiite belief]

پشت جلد به انگلیسی:

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت. ۲. آخرالزمان. ۳. انسان (اسلام). ۴. انسان (اسلام) - جنبه‌های قرآنی. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه فرهنگی انتظار نور. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. بوستان کتاب قم. ج. عنوان.

۲۹۷/۲۶۲

ب ۹ م / ۴ / ۲۲۲۴ BP

کتاب‌های مؤسسه فرهنگی انتظار نور/۱۲

بهاری‌ترین فصل انسان

حسن مهدویان

تهیه: مؤسسه فرهنگی انتظار نور

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم

پوشش کتب
۱۳۸۳

بوستان کتاب قم

بهاری ترین فصل انسان

● نویسنده: حسن مهدویان

● تهیه: مؤسسه فرهنگی انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

● ناشر: مؤسسه بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

● لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی ● نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳

● شمارگان: ۳۰۰۰ ● بها: ۱۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

- ✓ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (اصفاهیه) مؤسسه بوستان کتاب قم، ص ب ۹۱۷، تلفن: ۷۷۴۲۱۵۵، نمابر: ۷۷۴۲۱۵۴
 - ✓ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (محل عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری بیش از ۱۷۰ ناشر)، تلفن: ۷۷۴۳۴۲۶
 - ✓ فروشگاه شماره ۲: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، کوچه دوم (پشتن)، پلاک ۲۲/۳، تلفن: ۶۴۶۰۷۳۵
 - ✓ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، خ آزادی، مجتمع یاس (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲
 - ✓ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، خ حافظ، چهارراه کرمانی، گلستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان)، تلفن: ۲۲۲۰۲۷۰
- پست الکترونیک: E-mail:bustan@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی با آن در وب سایت:
<http://www.bustaneketab.com>

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

- ویراستار: زهره فاضل ○ کنترل ویرایش: بوذر دیلمی معزی و محمد تقویان ○ حروف‌نگار: محمد کتابی ○ اصلاحات حروف‌نگاری: حسین عبدیان و احمد آخلی ○ صفحه‌آرایی: احمد محمدی فرد و امیر حسین علیمردانی ○ نمونه‌خوانی: بیژن سهرابی، جلیل حبیبی و سید علی قائمی ○ کنترل نمونه‌خوانی: ولی قربانی ○ نظارت و کنترل: عبدالهادی اشرفی ○ طراحی جلد: حسن محمودی ○ مسؤول تولید: حسین محمدی ○ کنترل فنی صفحه‌آرایی و پی‌گیر چاپ: سید رضا محمدی

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	پیش‌گفتار
۱۳	انگیزه‌های شناخت عصر ظهور
۱۳	الف) شناساندن مسیر رو به تکامل دین در ساخت جامعه توحیدی ایده‌آل
۱۴	ب) ایجاد ضمانت برای بقای تعالیم آسمانی و استمرار رسالت و...
۱۴	ج) ایجاد پشتوانه برای حرکت اصلاحی همه اصلاح‌گران اجتماعی
۱۴	د) شوق‌آفرینی در توده‌های مستضعف برای مقاومت بیشتر
۱۵	ه) هشدار به همه منحرفان و... در مورد زوال نهایی و نابودی قطعی آنان
۱۵	و) ایجاد تلاش مضاعف در همه منتظران برای سازگار کردن خویشتن و...
۱۶	ز) نمایاندن افق روشن آینده و ایجاد امید در همه نسل‌هایی که...
۱۹	ظهور، انتهای سرگشتگی انسان
۲۵	انسان در تمدن معاصر، در مقایسه با انسان در عصر ظهور
۲۹	بردگی مدرن
۲۹	اضطراب همیشگی

۳۰	جاهلیت جدید (فضیحت‌آفرینی دانش)
۳۰	تحقیر انسانیت
۳۱	زوال عاطفه
۳۲	سرگردانی
۳۲	مظلومیت بی‌پایان
۳۳	تناقضات آشکار
۳۷	انسان عصر ظهور در آینه قرآن
۳۷	۱. انسان و تسلیم در برابر خدا
۳۹	۲. دوستان و دوستداران خدا
۴۰	۳. متواضعان در برابر مؤمنان
۴۱	۴. گردن‌فرازان در برابر کافران
۴۲	۵. جهادگران
۴۳	۶. نفوذناپذیران
۴۴	۷. تقوا پیشگان
۴۵	۸. هدایتگران به حق و عدالت‌پیشگان
۴۷	۹. توانمندان پولاددل
۴۸	۱۰. هدایت‌یافتگان
۴۹	۱۱. نمازگزاران
۵۱	۱۲. انفاق‌کنندگان
۵۲	۱۳. آمران به معروف و ناهیان از منکر
۵۳	۱۴. ایمان‌آورندگان شایسته کار

۵۵	۱۵. انسان در آرامش
۵۷	۱۶. انسان و عبادت مخلصانه
۵۸	۱۷. انسان و خلافت در زمین
۵۹	الف) جانشینی پیشینیان
۵۹	ب) نیابت از خداوند
۶۰	ج) تسلط و بهره‌وری
۶۱	۱۸. وارثان زمین
۶۲	۱۹. شایستگان مستضعف
۶۲	۲۰. بندگان بسیار نیرومند
۶۵	مرحله‌بندی‌ها در عرصه تکامل بشری
۶۵	مرحله اول: از زمان خلقت آدم <small>علیه السلام</small> تا زمان حضرت نوح <small>علیه السلام</small>
۶۶	مرحله دوم: از زمان حضرت نوح <small>علیه السلام</small> تا دوران حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>
۶۶	مرحله سوم: از زمان حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> تا سده‌هایی قبل از ظهور اسلام
۶۷	مرحله چهارم: دوران فترت
۶۸	مرحله پنجم: دوران ۲۳ ساله ظهور و حاکمیت اسلام
۶۸	مرحله ششم: دوران پس از رحلت پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> تا فوت یازدهمین امام معصوم <small>علیه السلام</small>
۶۹	مرحله هفتم: دوران غیبت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۹	مرحله هشتم: دوران ظهور
۷۰	مرحله نهم: دوران رجعت
۷۰	مرحله دهم: پایان دنیا و برقراری قیامت
۷۳	حاکمیت توحیدی، حقوق توده‌ها

۷۷	خدا محورى در همه ابعاد
۷۷	امام زمان <small>عج</small> و تجليات خداوند
۷۸	نام و ياد خدا در بدايت ظهور
۷۹	پرچم الهى
۸۰	پيمان الهى
۸۰	يارى‌هاى خدا
۸۱	گرفتن حق خدا
۸۱	اجراى حدود الهى
۸۲	خدا، تنها معبود
۸۲	نافرمانى خدا، هرگز!
۸۲	جلوه کامل نور خدا
۸۳	ابعاد خدا محورى
۸۵	قانون مدارى در جامعه توحيدى عصر ظهور
۸۵	تجديد حيات حكم خدا و حدود الهى
۸۶	اقتدار دين، اقتدار قانون
۸۷	ذلت و خوارى قانون شکنان
۸۸	نابودى سرکشان
۸۸	ریشه کن شدن عنادورزان
۸۹	خون خواهى
۹۰	دادخواهى مظلومان
۹۰	اجراى قانون در هر شرايط

فهرست □ ۹

۹۱	اجرای قانون برای همه
۹۲	مسئولیت کارگزاران حکومت در برابر قانون
۹۳	قاطعیت و عدم مسامحه
۹۴	ترس از قانون شکنی
۹۷	حقیقت حق مداری
۹۸	تأثیر ناپذیری از مخالف خوانی ها در اجرای قانون
۹۹	برچیده شدن بساط قانون گریزی
۱۰۱	اقتصاد اسلامی در دولت کریمه
۱۰۲	بهبود اقتصاد در سایه ایمان و تقوا
۱۰۵	اقتصاد تحت تأثیر معنویت
۱۰۷	اقتصاد در خدمت مردم
۱۰۸	جلوه های رشد اقتصادی در دولت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۰۸	۱. عمومیت یافتن بهبود وضعیت اقتصادی
۱۱۰	۲. آبادانی همه جای زمین
۱۱۴	۳. پایان رنج و مشقت در به دست آوردن روزی
۱۱۵	راهکارهای اقتصادی امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۱۶	۱. مساوات
۱۱۸	۲. تقسیم مساوی ثروت ها
۱۲۰	۳. مبارزه با باج خواهی ها
۱۲۱	۴. بخشش و عطا
۱۲۳	۵. سخت گیری نسبت به کارگزاران

۱۰ □ بهاری‌ترین فصل انسان

۶. تعهد گرفتن از نخبگان برای ساده زیستی..... ۱۲۵
۷. برقراری نظام تأمین حقوق سرانه و تقسیم منظم بیت‌المال..... ۱۲۷
۸. تقویت کشاورزی و دامداری..... ۱۲۹
۹. مجازات متخلفان اقتصادی..... ۱۳۰
۱۰. ایجاد امنیت..... ۱۳۲
۱۱. مبارزه با تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری..... ۱۳۲

مقدمه

دوست گرامی و خواننده جوان!

با اهدای سلام و آرزوی سرافرازی، امیدواریم که شوق سرشار و عشق شما به ساحت مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام زمینه شناخت هرچه بیشتر مهدویت را فراهم آورده باشد.

تردیدی نیست در این برهه از زمان که برداشت‌های سطحی و آمیخته با افراط و تفریط و ادعاهای کاذب و غرض‌ورزی جای درست‌اندیشی را گرفته، رسالت اندیشمندان متعهد سنگین‌تر شده و بر پژوهشگران و صاحب‌نظران در پدیده مهدویت و منجی‌گرایی است که در این عرصه تلاش وسیع‌تری انجام دهند تا با الهام از آیات نورانی و سخنان معصومین علیهم السلام تصویری روشن و ذهنیتی درست برای نسل امروز عرضه کنند.

این نوشته مختصر و ابعاد نو و متنوع آن، که از درک درست و جهت‌دار نویسنده و سایر همکاران تهیه این مجموعه حاصل آمده، افق‌های نویی را پیش روی شما قرار می‌دهد.

شایسته است در این جا از نویسنده محقق، حجة الاسلام حسین مهدویان و از تلاش سایر عزیزان، به ویژه مدیریت تدوین متون مؤسسه، آقای محمد قربانی، که در تهیه این اثر فعالیت مستمری داشته‌اند، تقدیر شود.

مؤسسه فرهنگی انتظار نور

وابسته به

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

پیش‌گفتار

انگیزه‌های شناخت عصر ظهور

تأکید بر شاخصه‌های اساسی عصر ظهور در قرآن کریم، و تکرار بسیاری از ویژگی‌های دوران پس از ظهور امام زمان علیه السلام در روایات معصومین علیهم السلام به چند انگیزه می‌تواند باشد:

الف) شناساندن مسیر رو به تکامل دین در ساخت جامعه توحیدی ایده‌آل پیدایش شرایط لازم برای بنای جامعه‌ای متکامل و آرمانی، جز بر پایه دین اسلام میسر نیست؛ از آن رو که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر، و اسلام آخرین دین، و قرآن آخرین آیین نامه سعادت نازل شده از سوی خداست.

با عنایت به این‌که تجربه‌های بشری، در طول تاریخ، همواره از ارائه نمونه عملی برای مدینه فاضله مطلوب ناتوان جلوه کرده‌اند، اکنون تنها دین اسلام و تنها ایده مهدویت است که به حق، متکفل تحقق این آرمان عظیم انسانی و الهی است.

ب) ایجاد ضمانت برای بقای تعالیم آسمانی و استمرار رسالت و ولایت حقّه الهی علی‌رغم همه توطئه‌ها و هجوم‌های همه‌جانبه برای نابودی آن با نگاهی گذرا به تاریخ می‌توان مطمئن بود که هیچ عصری از تلاش دین‌ستیزان برای نابودی اساس وحی و تعالیم آسمانی پیامبران علیهم‌السلام خالی نبوده است. در عصر حاضر نیز بیش‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها و پرحجم‌ترین هجوم‌ها برای ریشه‌کن ساختن ارزش‌های دینی و متلاشی نمودن ساختارهای مذهبی صورت می‌گیرد. در چنین اوضاعی، بی‌گمان بحث از مهدویت، بحث از پایداری و مانایی دین در جوامع بشری است. و باور داشت ظهور و حاکمیت دینی پس از ظهور، ایمان به عقیم ماندن همه توطئه‌های استکباری برای استقرار الحاد و سکولاریزم در دل نهادهای اداره‌کننده توده‌هاست.

ج) ایجاد پشتوانه برای حرکت اصلاحی همه اصلاح‌گران اجتماعی آنان که، به اصلاح جوامع می‌اندیشند، و برای ستیز با عوامل پیدای پنهان، فساد و تباهی برنامه‌ریزی می‌کنند، اگر مطمئن باشند که در نهایت چنین حرکتی، تمام جهان به زیر پرچم اصلاح‌طلبان خواهد رفت و با حاکمیت صالحان، فساد و فسق و فجور و فحشا ریشه‌کن خواهد شد، قدرتمندترین پشتوانه علمی را خواهند داشت.

د) شوق‌آفرینی در توده‌های مستضعف برای مقاومت بیش‌تر زمانی که توان انسان‌های ستم‌کشیده در زیر انبوهی از مشکلات و سختی‌ها رو به کاهش می‌گذارد و حجم فزاینده توطئه‌های مستکبران

می‌رود تا مقاومت مستضعفان را در هم شکنند، تنها باورداشت پیروزی قطعی و نهایی در حکومتی عادلانه همچون حکومت حضرت مهدی علیه السلام است که روحیه استقامت و پایداری را در جان‌های خسته آنان زنده نگه می‌دارد، و شوق ماندن و مبارزه کردن را در دل آنان بر می‌انگیزاند.

ها هشدار به همه منحرفان و دین‌ستیزان و ستم‌پیشگان در مورد زوال نهایی و نابودی قطعی آنان

آنان که، به راه ضلالت می‌روند و در اثر وساوس شیطان و هوای نفس با دین و دینداران می‌ستیزند، باز هم بندگان خدایند؛ باز هم خدای تبارک و تعالی به هر وسیله ممکن هشدارشان می‌دهد و به اصلاح خویشتن دعوتشان می‌کند. وعده حاکمیت حق و عدالت در دوران حکومت امام زمان علیه السلام وعده نابودی باطل و بیداد نیز هست؛ وعده‌ای که باطل‌گرایان و بیدادگران را به بیداری و حق‌مداری می‌خواند.

به راستی اگر دین‌ستیزان و مخالفان ولایت، باور می‌کردند که سرانجامی جز سقوط و نابودی ندارند و در پرتو ظهور خورشید عدالت و توحید، تمام منافع، مصالح و خواسته‌های آنان خاکستر خواهد شد، باز هم مبارزه با دین و حاکمیت دینی را ادامه می‌دادند؟

و ایجاد تلاش مضاعف در همه منتظران برای سازگار کردن خویشتن و ساختن جامعه براساس الگوی ارائه شده از انسان و جامعه عصر ظهور

سیمای ارائه شده در قرآن و روایات از وضعیت دوران پس از ظهور، الگویی کامل و عینی و عملی برای همه انسان‌های دوره غیبت است، که

ساختار زندگی فردی و اجتماعی خود را بر اساس آن سامان بخشند و علی‌رغم همه محدودیت‌ها، سمت و سوی حرکت اصلاحی خود و جامعه خود را معین سازند.

بی‌تردید الگوهای تاریخی توحید و نمونه‌های متکامل دینی در گذشته تاریخ انسان و اسلام، غنای لازم برای جواب‌گویی به نیاز انسان معاصر را نیز دارند، لکن وقتی نمونه الهی انسان عصر ظهور، تجسم بخش ویژگی‌های همان الگوها و نمونه‌ها با لحاظ همه شرایط نو پیدای عصر جدید و نسل آینده است، این غنا افزایش می‌یابد و قابلیت تطبیق، قطعیت پیدا می‌کند.

ز) نمایاندن افق روشن آینده و ایجاد امید در همه نسل‌هایی که با هجوم مکاتب الحادی و کشمکش‌های بی‌پایان عقیدتی، در کارآیی و سازندگی دین تردید می‌کنند دین اگر نتواند جواب‌گوی نیاز زمان باشد، ماندنی نیست. مبانی دین اگر با پیشرفت جوامع بشری و رشد علم و فن‌آوری، ناسازگاری داشته باشد، اداره‌کننده زندگی مردم در عصر تمدن‌های نو، نمی‌تواند باشد. این اعجاز قرآن و اسلام است که برای همه دوران‌ها، از صدر اسلام تا نهایت تاریخ بشری برنامه دارد و برای همه انسان‌ها، در همه مراحل تکامل و تمدن قابل تطبیق است.

ارائه چهره دوران پس از ظهور، ارائه کارآیی اسلام در عالی‌ترین شرایط و پیشرفته‌ترین دوران زندگی بشری است و به همین خاطر باور داشت آن، باورداشت جاودانگی اسلام و کارآمدی همیشگی آن برای اداره جوامع انسانی در همه دوران‌هاست.

آن‌چه پیش رو دارید حاصل تلاشی مختصر است، در جهت شناسایی «انسان در عصر ظهور» به عنوان الگویی روشن، برای همه انسان‌های عصر غیبت، از منظر قرآن و سنت.

نگاه ما به روایات و آیات مبحث مهدویت در این نوشتار، نه برای تحلیل همه جانبه آن‌ها، بلکه تنها از دیدگاهی خاص و برای به دست آوردن شاخص‌ها و مشخصه‌هایی بوده است که ترسیم‌کننده شخصیت انسان‌های پس از ظهور و نشان‌دهنده عوامل محیطی و شرایط اجتماعی آنان به شمار می‌روند و بدیهی است که کاستی‌های فراوان نیز دارد که یکی از دلایل آن، رعایت اختصار بوده است.

ظهور، انتهای سرگستگی انسان

دوره غیبت، از یک دیدگاه، دوره وانهادگی نسبی است، دوره حیرت و سرگردانی است. نه تنها شیعیان و مسلمانان، بلکه همه انسان‌ها به گونه‌ای متأثر از نهانی بودن حجت زنده پروردگارند. مردم، بی آنکه خود بدانند، محتاج هدایت ولی خدا هستند و در نهانی نور او به ظلمت و ضلالت گرفتار می‌گردند.

عبدالله بن سنان گوید: من و پدرم بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم، ایشان فرمود:

چگونه خواهید بود آن زمان که اوضاعی برایتان پیش آید که در آن نه امامی یافت شود که هدایت‌گرتان باشد و نه پرچمی دیده شود [که راه را به شما بنمایاند] و از آن حیرت و سرگردانی نجات نیابد مگر کسی که بر خواندن دعای مخصوص غریق مداومت ورزد.^۱

۱. عن عبدالله بن سنان، قال: دخلت أنا و أبي علي أبي عبدالله عليه السلام فقال عليه السلام: «كيف أنتم إذا جرتُم في حالٍ لا يكون فيها إمام هدىً و لا علماً يُرى، فلا ينجو من تلك الحيرة إلا من دعا بدعاء الغريق؟». غیبت نعمانی، ص ۸۱.

به راستی آیا جز این است که همهٔ آفریدگان خدا برای آن‌که به آن‌چه خواست اوست هدایت شوند، محتاج وسیله و واسطه‌ای هستند که جلوه‌گاه نور خدا باشد و کلام و پیام او را به آنان برساند و در لغزشگاه‌های شبهه و فتنهٔ روزگار، برایشان ریسمان استوار حق و دست یاریگر الهی باشد؟

امام علی علیه السلام بر منبر کوفه می‌فرمود: خدایا! به ناچار بر روی زمین از ناحیهٔ تو حجت‌ها و پیشوایانی باید وجود داشته باشند که هر یک پس از دیگری بر آفریدگان تو امامت و آنان را به دین تو هدایت کنند و معارف تو را به آنان بیاموزند، تا پیروان اولیا و پیامبرانت پراکنده نشوند. حال این حجت، یا ظاهر است و مورد اطاعت قرار نمی‌گیرد، یا نهان است و مورد انتظار.^۱

حال اگر به سبب ناسپاسی‌های مردم و کفران نعمت ولایت، خداوند بر آنان غضب نمود و حجت خویش را از مجاورت آنان دریغ نمود و از دسترس آنان دور نگه داشت، چه سرنوشتی جز سرگشتگی و سرگردانی در انتظار آنان خواهد بود؟

امام باقر علیه السلام در نامه‌ای خطاب به یکی از اصحابش نوشت: آن‌گاه که خداوند تبارک و تعالی بر بندگان خویش غضب نماید، ما را از دسترس آنان دور خواهد کرد.^۲

۱. الإمام علی علیه السلام على منبر الكوفة: «اللهم! إنه لا بد لك من حجج في أرضك حجة بعد حجة على خلقك يهدونهم إلى دينك، و يعلمونهم علمك كيلا يتفرق أتباع أوليائك، ظاهر غير مطاع أو مكنتم يترقب». کافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲. محمد بن الفرّج، قال كتب إلي أبو جعفر علیه السلام: «إذا غضب الله تبارك و تعالی على خلقه، نحانا عن جوارهم». همان، ص ۳۴۳.

و امام صادق علیه السلام فرمود: به زودی دورانی شبیهه آفرین برایتان فرا خواهد رسید که بدون نشان و بدون امام می‌مانید؛ نشانه‌ای که دیده شود و امامی که به حق هدایت نماید.^۱

این است که منتظران دل سوخته امام زمان علیه السلام در دعای همواره خویش، سخن از عظمت بلا و شدت ابتلا به میان می‌آورند و از سختی روزگار غیبت به خدا شکوه می‌برند.

خدایا! بلای بزرگ به ما روی آورده، شاید پنهان روزگار رخ نموده، پرده از روی کار بر افتاده، امیدمان منقطع گشته، زمین با همه وسعتش بر ما تنگ گردیده، و رحمت آسمان از ما منع شده است و ما از این همه سختی به تو شکایت می‌آوریم و تنها از تو یاری می‌جوییم و در هر چه بر سر ما آید از سختی و آسانی، تنها بر تو توکل می‌کنیم.^۲ خدایا! ما از فقدان پیامبرمان - که صلوات تو بر او و خاندانش باد - و از غیبت و نهانی مولایمان به تو شکایت می‌کنیم، ما از زیادی دشمنان و کمی تعدادمان و سختی فتنه‌ها و قهر و غلبه روزگار بر ما به سویت شکوه داریم.^۳

۱. قال أبو عبد الله علیه السلام: «ستصیبکم شیة فتبقون بلا علم یری، و لا إمام هدی».

کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۱، باب ۲۳، حدیث ۵۰.

۲. «إلهی! عظم البلاء و برح الخفاء، و انكشف الغطاء، و انقطع الرجاء، و ضاقت الأرض و

منعت السماء، و أنت المستعان، و إليك المشتکی، و عليك المعول في الشدة و الرخاء».

مفاتیح الجنان، به نقل از: کفعمی، بلدالامین.

۳. «اللهم إنا نشکو إليك فقد نبینا صلواتك علیه و آله، و غیبة ولینا، و كثرة عدونا، و قلّة

عددنا، و شدّة الفتن بنا، و تظاهر الزّمان علينا». همان، دعای افتتاح.

اما ظهور امام زمان علیه السلام نقطه پایانی بر همه این نابسامانی‌ها و مشکلات و دشواری‌هاست، ظهور او آغاز بازسازی دین است، زندگی بخش آیات و قرآن است و آشکار سازنده احکام تغییر یافته الهی است.^۱

ظهور او، اعاده کننده طراوت و تازگی و خلوص دین خداست، شک و شبهه‌ها را از دین می‌زداید و ریشه باطل‌گرایی و بدعت‌آفرینی در دین را می‌خشکاند.^۲

ظهور او ظلمت و تاریکی‌ها را از بین می‌برد، هر بدعتی را در هم می‌شکند و هر نوع گمراهی را نابود می‌کند.^۳

به امام زمان و ظهور اوست که، پریشانی امت پایان می‌پذیرد، پراکندگی امور انسان‌ها اصلاح می‌گردد، تفرقه بین مسلمانان به اتحاد بدل می‌شود، کمبود جمعیت آنان به فزونی می‌گراید و ذلت آنان به عزت تبدیل می‌گردد.^۴

به امام زمان و ظهور اوست که سران ضلالت و گمراهی و بدعت‌آفرینان و میرانندگان سنت و تقویت‌کنندگان باطل در هم می‌شکنند، جباران و

۱. «اللَّهُمَّ! جَدِّدْ بِه مَا امْتَحِي مِنْ دِينِكَ، وَأَخِي بِه مَا يُدَلُّ مِنْ كِتَابِكَ، وَأَظْهَرْ بِه مَا عُيِّرَ مِنْ حَكْمِكَ». همان، دعای ابوالحسن ضراب اصفهانی.

۲. «حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِه، وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا، جَدِيدًا، خَالِصًا، مُخْلِصًا لِأَشْكَ فِيهِ، وَلَا شَبْهَةَ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ». همان.

۳. «اللَّهُمَّ! نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَ هَدِّمْ بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ، وَ أَهْدِمْ بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ». همان.

۴. بخشی از دعای افتتاح: «اللَّهُمَّ الْمُمُّ بِه شَعْنُنَا، وَ اشْعَبْ بِه صَدْعُنَا، وَ ارْتُقْ بِه فَتْقُنَا، وَ كَثِّرْ بِه قَلْتُنَا، وَ أَعْزِزْ بِه ذِلْتُنَا». همان.

ظهور، انتهای سرگشتگی انسان □ ۲۳

مستکبران به خاک مذلت می نشینند و کفر ورزان و الحادپیشگان در همه جای زمین ریشه کن می شوند.^۱

۱. «وَأَقْصِمَ بِهٖ رُؤْسَ الضَّالَّةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُؤِمَّةَ السَّنَةِ، وَمَقْوِيَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلَّلَ بِهٖ الْجَبَّارِينَ، وَأَبْرَ بِهٖ الْكَافِرِينَ، وَجَمِيعَ الْمَلْحَدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا». همان، بعد از دعای عهد، با عنایت به بخشی از دعای امام زمان علیه السلام منقول از امام رضا علیه السلام.

انسان در تمدن معاصر، در مقایسه با انسان در عصر ظهور

- تحقیقات پیمایشی از بزه‌دیدگان جرایم در سال ۱۹۹۵ در آمریکا، حاکی از آن است که هر سال تقریباً ۴۰ میلیون فقره جرم، اتفاق می‌افتد که ۱۰ میلیون آن، جرایم علیه اشخاص و ۳۰ میلیون دیگر جرایم علیه اموال است.
- گزارش دفتر بازرسی فدرال آمریکا نشان می‌دهد که به طور متوسط در هر ۲۶ دقیقه یک قتل، در هر ۶ دقیقه یک تجاوز به عنف، در هر ۶۰ ثانیه یک سرقت و در هر ۳۷ ثانیه یک نزاع شدید رخ داده است.
- طبق آمارهای مؤسسه گالوپ، ۱۳٪ آمریکاییان از ترس کشته شدن یا سرقت، حتی روزها نیز برای خارج شدن از منزل وحشت دارند.
- سالانه در غرب ۲۵۰/۱۰۰۰ نفر بر اثر مصرف مواد مخدر، جان خود را از دست می‌دهند.
- در ایالات متحده، ۵ میلیون معتاد به مواد مخدر وجود دارد که نیم میلیون آن‌ها معتاد به کوکائین هستند.
- در ایتالیا اکثر معتادان به مواد مخدر جوانانند.

- درآمد قاچاقچیان بولیوی از محل فروش کوکائین به آمریکا، رقمی نزدیک به ۳ میلیارد دلار است.

- در فرانسه ۵/۰۰۰/۰۰۰ الکلی وجود دارد.

- در آلمان هر سال ۴۱ میلیارد مارک، صرف خرید مشروبات الکلی می‌شود.

- آمارها نشان می‌دهد که ۵/۵ میلیون نفر از معلولان آلمانی، قربانی الکلی بودن پدر و مادر خود بوده‌اند. تحقیقات نشان داده که سالانه معادل شش برابر بودجه آموزش و پرورش در این کشور، صرف درمان عوارض مصرف بی‌رویه الکل یا ترک اعتیاد آن می‌شود.

- بخش عمده‌ای از ۱۰ میلیون الکلی آمریکا را جوانان تشکیل می‌دهند.

- در آلمان، هر دو ساعت و نیم، یک کودک، قربانی تجاوز جنسی می‌شود.

- یک بررسی که درباره ۱۳۲۶ زن در لندن صورت گرفت، آشکار ساخت

که از هر ۶ زن، یک نفر مورد تجاوز به عنف قرار گرفته، از میان ۵ نفر بقیه نیز یک تن توانسته با مبارزه خود، مانع انجام این جرم شود.

- فحشا، بزرگ‌ترین رقم صادرات غیر صنعتی فرانسه است.

- طبق ارقام ارائه شده در برخی تحقیقات، میزان درآمد سالانه از فحشای

کودکان، بالغ بر دو میلیارد دلار است. فحشای کودکان، بخشی از صنعت

توریسم جنسی، در برخی مناطق جهان مانند تایلند و فیلیپین است.

- در کشور انگلستان سالانه، یک میلیون نفر به خودکشی دست می‌زنند که

بیشتر آنان جوانان هستند. وزارت بهداشت آمریکا اعلام کرد که میزان

انسان در تمدن معاصر، در مقایسه با انسان در عصر ظهور □ ۲۷

خودکشی‌ها در میان جوانان ۱۵-۲۴ ساله در ظرف ده سال، ۴۰٪ افزایش یافته است.

- ۱۳۶۵ نفر قربانی اعتیاد در آلمان طی سال ۱۹۹۰.

- آمار روزافزون طلاق در فرانسه به گونه‌ای است که طی سال جاری ۱۰۵ هزار طلاق صورت گرفته؛ یعنی از هر سه ازدواج یکی به طلاق منجر شده است.

- مرگ دو هزار کودک عراقی در اثر کمبود مواد غذایی و دارو طی سال ۱۹۹۰.

- مرگ ۳۵ هزار نفر از ساکنان مادرید اسپانیا در اثر مصرف سیگار طی یک سال.

- فروش دختر به خاطر هروئین و برنج در بنگلادش، در برابر ۳۵ تاکا (حدود یک دلار).

- درآمد فحشا بالاتر از کل بودجه فرهنگ در شوروی (بین ۲۳-۲۷ میلیارد دلار در سال).

- هشت میلیون کودک مکزیکی در خیابان‌ها زندگی می‌کنند، چهارصد هزار دختر زیر چهارده ساله مکزیکی برای امرار معاش خود فروشی می‌کنند.
- شصت درصد کودکان مکزیکی تا یک سالگی می‌میرند.

- یک سوم جمعیت ۳۳ میلیونی آرژانتین در فقر به سر می‌برند و هر روز ۵۸ کودک در اثر سوء تغذیه می‌میرند.

قصه نگارنده، کاوش و تحقیق در مورد آمار تکان دهنده جرم، جنایت،

فساد و فحشا در دنیا نبوده و جمع‌آوری اطلاعات و اخبار درباره نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انسان امروز را با همه اهمیتی که دارد، خارج از حوصله و مجال این بحث مختصر می‌شمارد، از این رو تنها به ذکر اخبار و عناوینی برگزیده از چهار صفحه (۲۹-۳۲) کتاب جامعه‌شناسی کجروی^۱ (۱۶ مورد اول) و دو صفحه (۱۷ و ۱۸) مجله اطلاعات هفتگی، شماره ۲۵۱۳-۹ مورد بعدی - اکتفا نموده است، تا به عنوان مثنی نمونه صدها خروار، به عمق فجایی که بشر امروز را در معرض نابودی قرار داده است، اشاره‌ای داشته باشد و ضرورت بررسی همه جانبه زندگی انسان‌های عصر تمدن‌های توخالی، اما پرزرق و برق امروزی را خاطر نشان سازد.

به راستی اگر سلطه «صهیونیسم» و استکبار بر رسانه‌های عمده بین‌المللی و سانسورهای خبری آنان نمی‌بود، اگر واقعیت‌های وحشتناک جوامع بشری به طور کامل انعکاس می‌یافت و آمار حقیقی قتل‌ها، جنایت‌ها و تجاوزات گوناگون منتشر می‌شد، اگر فاصله‌های عمیق طبقاتی و تبعیضات تکان‌دهنده بین مردم دنیا به درستی بررسی و تبیین می‌شد و فقر فزاینده، فساد غیر قابل کنترل و خشونت بی‌پایان در همه جای جهان بی‌پرده بیان می‌گشت، چهره تمدن معاصر و سردمداران و مدافعان آن چقدر زشت و غیر قابل تحمل جلوه می‌کرد! ویژگی‌های انسان در تمدن کنونی، تحت چندین عنوان اساسی قابل دقت و بررسی است:

۱. این کتاب را آقایان: علی سلیمی و محمد داوری از گروه علوم اجتماعی پژوهشکده حوزه و دانشگاه تألیف کرده‌اند.

بردگی مدرن

رشد سرمایه‌داری در سایه استعمار انسان‌ها، خرید و فروش انسان به ویژه کودکان و بیگاری کشیدن از آنان به عناوین مختلف تنها نمونه‌هایی از بردگی و بندگی انسان برای انسان است. امروزه تبلیغات به ویژه در دنیای غرب به ابزاری تبدیل شده است که بآبهره‌گیری از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، فکر، اندیشه و قدرت تصمیم‌گیری مردم را تخدیر نماید و توانایی‌ها، استعدادها و امکانات اقتصادی آنان را به استخدام صاحبان قدرت در آورد. امروزه نه تنها فرد فرد انسان‌ها، بلکه ملت‌ها، به اسارت کشیده می‌شوند و امت‌ها به بردگی ابرقدرت‌ها تن در می‌دهند. بردگی مدرن امروزی، بردگی شهرت و شهوت است.

اضطراب همیشگی

امروزه، دستگاه‌های اطلاعاتی تا درون خانه‌ها نفوذ کرده‌اند و آرامش را حتی، از انسان آرمیده بر بستر نیز سلب نموده‌اند. تجهیزات کنترل‌کننده حکومت‌های به ظاهر مردمی اما در باطن پلیسی، حریم شخصی برای شهروندان قائل نیستند و شب و روز نمی‌شناسند!

امروزه باندهای خطر ساز پنهان و آشکار و عصیان‌گری‌های جوانان قانون‌گریز و ماجراجو، مجال آسایش را بر بسیاری از مردم دنیا تنگ نموده‌اند.

امروزه هراس از جنگ، بیم ابتلا به بیماری‌های کشنده و غیر قابل علاج، سوراخ شدن لایه اوزن، و ده‌ها عوامل تنش‌آفرین دیگر، شیرینی زندگانی را

در کام بسیاری از انسان‌ها تلخ نموده‌اند. آمار ناراحتی‌های روانی، و میزان سرسام‌آور مصرف داروهای آرامش‌بخش، رشد چشمگیر تولید و مصرف سیگار، مشروبات الکلی و مواد مخدر همگی گویای اضطراب و ناآرامی بشر امروزی است.

جاهلیت جدید (فضیحت‌آفرینی دانش)

مسابقه تسلیحاتی در میان قدرت‌های برتر دنیا و جریان آن در کشورهای عقب افتاده و بازی خورده استعمار، تولید و آزمایش بی‌وقفه بمب‌های اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی، تجهیز و تقویت ابزارهای جنگی و ادوات کشتار جمعی، پیش‌تازی در عرصه جاسوسی و ماهواره‌ای کردن سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی، همگی نشان رویکرد ضد بشری دانش امروزی است. در تمدن امروزمین، همه شاخه‌های علوم و همه پیشرفت‌های تکنولوژیکی، به گونه‌ای در خدمت تراست‌ها و کارتل‌های هیولاگونه شرق و غرب قرار می‌گیرند و به قیمت سقوط انسانیت و فنای ارزش‌های انسانی و اخلاقی، تأمین‌کننده منافع حاکمان زر و زور در گوشه و کنار دنیايند.

تحقیر انسانیت

تبدیل شدن انسان به کالا و رشد چشمگیر صادرات زنان روسپی در بسیاری از کشورها، نگاه ابزاری به زنان در تبلیغات اجناس تجاری، ارزش نهادن به حیوانات و تأسیس صدها مؤسسه و بیمارستان مخصوص حیوانات

انسان در تمدن معاصر، در مقایسه با انسان در عصر ظهور □ ۳۱

در برابر نادیده گرفتن حقوق اولیه صدها میلیون انسان در کشورهای مختلف جهان، تنها جلوه‌هایی از، حقارت و ذلت انسان امروز به شمار می‌روند. جای تعجب نیست این‌که، در کشوری مانند آمریکا، که ماهانه صدها «دلار» خرج غذا و تفریحات سگ بسیاری از خانواده‌ها می‌شود، صدها هزار نفر در تونل‌های زیر زمینی فاضلاب می‌خوابند و از انبوه موش‌های این تونل‌ها، یا مانده غذا و میوه به دست آمده در زباله‌ها تغذیه می‌کنند.

جای شگفتی نیست این‌که در برخی کشورهای اروپایی و به اصطلاح متمدن، سگ‌ها در بهره‌وری از قانون مدنی بر انسان‌ها اولویت دارند.

به راستی وقتی در فیلم‌ها و سریال‌های غربی یا تولید شده توسط غرب باوران، وحشیگری و درنده‌خویی و قتل عام انبوه انسان‌ها، جلوه قهرمانی دارد و ارزش به شمار می‌آید، نباید بر تحقیر انسانیت گریست؟ وقتی به قیمت تفنن و خوش‌گذرانی عده‌ای سرمایه‌دار بی‌درد، هر روزه جان صدها، بلکه هزاران انسان بدبخت به طمع قهرمان شدن و تصاحب جوایز میلیونی در ده‌ها مسابقه «مرگزای» اتومبیل‌رانی و موتورسواری و ... در معرض نابودی قرار می‌گیرد، نباید به ماتم انسانیت نشست؟

زوال عاطفه

خانواده‌گریزی، رشد تکان‌دهنده طلاق، افزایش چشمگیر آمار فرزندان بی‌سرپرست، عمومیت یافتن بیگانگی و جدایی، حتی بین خویشاوندان، بی‌اعتنایی به سرنوشت هموعان و بی‌خیالی به کشت و کشتارها و قربانیان

فقر و فلاکت، عاطفه بشری را تهدید به نابودی می‌کند. سرگرمی‌های کاذب، دل‌مشغولی‌های همیشگی و ماشینی شدن زندگی‌ها، فرصت مهرورزی را از انسان‌ها گرفته و حتی محبت‌های انسانی را به کام‌جویی‌های حیوانی بدل ساخته است.

سرگردانی

بن بست تئوری‌های جامعه‌شناسی غربی، رشد روزافزون آمار مکاتب فلسفی و ظهور نحله‌ها و مذاهب فکری و معنوی، تکیه افراطی بر عقل‌گرایی، ابتلا به پوچ‌گرایی و هیچ‌انگاری واقعیت‌ها و افزایش خیره‌کننده شبهات عقیدتی، حکایت سرگشتگی و سرگردانی انسان معاصر است.

مظلومیت بی‌پایان

اگر قلدرمآبی و زورگویی و غارتگری و سرکوب معترضان و فریب‌توده‌ها به عنوان راز ابر قدرت شدن در دنیای امروز پذیرفته شده باشد، که هست، قطعاً به تناسب قدرت ابر قدرتان باید مظلومیت بی‌حد و حصر ملت‌های عقب‌مانده و مستضعف نیز مورد پذیرش باشد!

باید پذیرفت که مردم کشورهای جهان سوم بر اثر فقر اقتصادی و در هجوم فحشا و فساد اجتماعی فرصت اندیشیدن و قدرت اعتراض کردن را نباید داشته باشند! باید پذیرفت که معادن و منابع و ذخایر ارزی کشورشان حق سرمایه‌داران خارجی است و آنان جز کارگری و زحمت استخراج حقی

انسان در تمدن معاصر، در مقایسه با انسان در عصر ظهور □ ۳۳

ندارند! باید پذیرفت که حق تعیین سرنوشت سیاسی و نصب حاکمان و دولت مردان از آنان سلب شده و در مقابل اعتراض به مزدوران ابرقدرت‌ها، سزایی جز مرگ و شکنجه در انتظارشان نیست!

تناقضات آشکار

- مسلم گرفتن تساوی حقوق ملت‌ها و ادعای حقوق بشر با حفظ حق و تو.
- شعار حفظ صلح و امنیت و راه‌اندازی مجامع بین‌المللی پاسدار صلح و برادری با قتل عام‌ها و آتش‌افروزی‌های گوناگون و بازاریابی برای فروش تسلیحات و جنگ‌افزارهای انبوه.

- مبارزه ظاهری با تبعیض نژادی، با حمایت از وحشیگری‌های صهیونیست‌ها و نژادپرستان سفیدپوست.

- ادعای مبارزه با تروریسم در عین تأیید تروریسم دولتی و صحنه گذاردن بر ترورهای رسمی این‌ها و ده‌ها عنوان و صدها مثال دیگر افزون بر آنچه گذشت و ویژگی‌های نسل حاضر در عصر کنونی است که اگر بخواهیم آن‌ها را با ویژگی‌های انسان عصر ظهور مقایسه کنیم سخن بسیار به درازا خواهد کشید. آنچه تنها به عنوان اشاره‌ای گذرا بر چنین مقایسه‌ای قابل ذکر است این‌که در آن دوران به جای همه بردگی‌ها و بندگی‌ها، تنها بندگی خدا، اصلی‌ترین آرمان پیامبران، تحقق می‌یابد. ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۱

به جای همه اضطراب و پریشانی‌ها، تنها امنیت و آرامش است که در همه جای زمین استقرار می‌یابد. ﴿وَلْيَبْذُلْنَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾.^۱

به جای این همه فضیحت و رسوایی، که دستاورد علم و تکنولوژی است، تنها فضیلت محوری است که، اساس و شاکله علوم و فنون و مهارت‌ها خواهد بود. ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾.^۲

به جای تحقیر انسانیت، مقام عظیم خلافت الهی است که نصیب انسان می‌شود و وراثت زمین است که به شایستگان زمان اعطا می‌شود ﴿لَيْسَتْ خَلْفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أَتَّخَلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾.^۳

در عوض زوال محبت و بی‌رنگی عاطفه‌ها، یک‌رنگی و صفا و محبت است که ارمغان حاکمیت مهرورزان بر مؤمنان به شمار می‌آید. ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾.^۴

به جای سرگردانی و سرگشتگی بشر، هدایت و رهیافتگی است که نصیب همگان می‌شود و حقیقت دین و قرآن است که به عنوان یگانه قانون مورد پسند خداوند، در همه جوامع بشری تمکن و استقرار می‌یابد. ﴿وَلْيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي أَرْضَىٰ لَهُمْ﴾.^۵

۱. همان.

۲. حج، آیه ۴۱.

۳. نور، آیه ۵۵.

۴. مائده، آیه ۵۴.

۵. نور، آیه ۵۵.

انسان در تمدن معاصر، در مقایسه با انسان در عصر ظهور □ ۳۵

در آن دوران شکوهمند، بشر از مظلومیت بی‌انتهای خود رهایی می‌یابد و با نابودی کاخ‌های ستم و بیداد، تنها عدالت و مساوات است که، همه جای زمین را آکنده می‌سازد. «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»^۱

در آن زمان، به جای مردم‌فریبی، مردم‌گرایی و به جای دغل‌بازی و نیرنگ، صفا و صداقت و به جای تناقضات آشکار و تبعیض‌آمیز، تنها یگانگی و برابری است که، در همه جای زمین رواج خواهد داشت.

۱. لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۲۸، به نقل از: علی بن احمد خزاز قمی، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر.

انسان عصر ظهور در آینه قرآن

از میان ده‌ها آیه شریفه قرآن کریم که به شهادت «کتب روایی»^۱ سخن از ابعاد گوناگون مهدویت، انتظار و ظهور به میان آورده‌اند، تنها به ده آیه کریمه که به ویژگی‌ها و شایستگی‌های انسان عصر ظهور اشارت دارند، یا از جایگاه و مکان او سخن می‌گویند، می‌پردازیم.

نگاهی گذرا به عناوین این بحث، می‌تواند رهگشای تحقیقات گسترده‌تر و اصولی‌تر در این زمینه باشد:

۱. انسان و تسلیم در برابر خدا^۲

تاریخ بشر پر از سرکشی‌ها، گردن‌فرازی‌ها و نافرمانی‌های انسان در برابر

۱. آنچه در این مبحث می‌آید، همگی با استناد به روایاتی است که در کتاب شریف المحجة فیما نزل فی القائم الحجة تألیف محدث جلیل القدر سیدهاشم بحرانی، در مورد شأن نزول آیات مهدویت نقل گردیده است، طالبین می‌توانند برای تحقیق بیشتر، آیه مورد بحث را در این کتاب بیابند و روایات ذکر شده در ذیل آن را مورد دقت قرار دهند.

۲. با استفاده از آیه ۸۳، آل عمران: ﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾. ر.ک: همان، ص ۵۰.

خداست. ده‌ها هزار پیامبر الهی، که همگی برای دعوت انسان‌ها به بندگی و عبودیت مبعوث گشته بودند، یا کشته شدند، یا در نهایت مظلومیت و محرومیت مورد استهزای قوم خویش قرار گرفتند^۱ و تنها به معدودی ایمان آوردگان بسنده کردند.

همیشه، ایمان آوردگان و شاکران و صالحان و تقوایپیشگان در اقلیت بوده‌اند،^۲ حتی آخرین پیامبر خدا، که دینش اسلام و آیینش تسلیم شدن در برابر خدا بود، با آن همه خون دل‌ها که خورد، و آن همه آزار و اذیت‌ها که دید، وقتی که، از بین امت رفت، تنها قلیلی، که بنا به برخی روایات تعدادشان از انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کرد، بر سر پیمان‌ش ماندند و به اسلام و تسلیم محض حق بودن، وفاداری نشان دادند.^۳

آن‌چه در آیه ۸۳ سوره آل عمران در مورد حقانیت دین اسلام و پذیرش همگانی آن آمده است بیانگر رویکردی جدید در تاریخ انسان‌هاست که تسلیم بودن در برابر پروردگار را عمومی شمرده، گردن‌گزاری به حکم خدا را شامل همه آسمانیان و زمینیان دانسته، و حتی آن را در دایره اختیار انسان‌ها محصور ندانسته است. و چنین بیانی از آیه شریفه تنها به مدد روایاتی که آن را ناظر به دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته‌اند،

۱. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ». انعام، آیه ۱۱۲؛ «وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ، وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ». زخرف، آیه‌های ۶-۷؛ «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ». بقره، آیه ۶۱.

۲. ر.ک: به آیات ۴۰ هود، ۱۳ سبأ، ۲۴ ص، ۱۴ واقعه، ۶۲ اسراء.

۳. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۶.

میسر و قابل قبول تلقی می شود.^۱

۲. دوستان و دوستان خدا^۲

آن زمان که، انسان در سایه رشد فکری و انتخاب و اختیار خویش راه بندگی خدا را در پیش می گیرد و شایستگی آن را می یابد که خدا دوستش داشته باشد، بی تردید این دوستی قلبش را به آتش عشق و محبت خدا شعله ور خواهد ساخت و شیفتگی و مهرورزی به خدا را در درونش جایگزین خواهد نمود. زمینه ساز محبت انسان به خدا، محبت خدا به انسان است؛^۳ تا او بنده ای را نپسندد و محبتی ویژه - فراتر از محبتی که به همه آفریدگانش دارد - به او ابراز نفرماید، بنده توان و سعادت دوستدار خدا شدن را نخواهد داشت. آنچه قابل تأمل و تحقیق است، این که باید دید قوم برگزیده خدا در سایه چه اعمال و رفتاری به چنین مقامی دست یافته اند. آیا همین مقدار که در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام به یاری او فراخوانده شده اند کفایت می کند؟ یا پیش زمینه ای طولانی در راه مبارزه با هوای نفس و تقویت روحیه ایمان و تقوا می طلبد و مجاهدت ها و اخلاص ورزیدن های فراوان می خواهد؟^۴

۱. اگر این روایات نمی بودند، بایسته بود که تسلیم بودن انسان و غیر انسان در برابر خدا، به گونه ای دیگر تفسیر گردد و بیش تر ناظر به امور تکوینی باشد.

۲. مانده، آیه ۵۴: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدْكُمْ مِنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾. المحجة فيما نزل في القائم الحجة، ص ۶۴.

۳. از تقدم «يحبهم» بر «يحبونه» استفاده می شود و دلایل متعدد روایی و کلامی دارد.

۴. به آیات شریفه ای همچون: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾. بقره، آیه ۲۲۲؛

بدون شک آن‌چه در قرآن در مورد ویژگی‌های انسان‌های مورد محبت خدا ذکر شده است، الگویی روشن از بایستگی‌هایی است که ابتدا باید حاصل شوند تا زمینه را برای تعلق محبت خاص خدا در انسان فراهم آورند، توبه از گناهان، پیراستن دل و جان از رذایل اخلاقی، پرهیزگاری، نیکوکاری، صبر و استقامت در راه خدا، عدالت‌پیشگی، جهاد و تلاش در راه حاکمیت دین نمونه‌هایی از این قبیل است، هم‌چنان که در طرف مقابل، پرهیز از فساد^۱ و تجاوز^۲، دوری از اسراف^۳، خیانت^۴، گریز از ستم^۵ و استکبار^۶ نیز برای دستیابی به چنین مقامی ضرورت دارد.

۳. متواضعان در برابر مؤمنان^۷

انسان اگر وانهاده شود، خود را برترین می‌داند و به سادگی تن به تواضع در برابر دیگران نمی‌دهد؛ اما آن‌جا که قید ایمان می‌آید، احساس برابری و

→ ﴿فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾. آل عمران، آیه ۷۶؛ ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾. آل عمران، آیه ۱۳۴؛ ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾. آل عمران، آیه ۱۴۶؛ ﴿وَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ صَفَاءً﴾. صف، آیه ۴ مراجعه شود.

۱. ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُسْدِينَ﴾. مائده، آیه ۶۴.
۲. ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾. اعراف، آیه ۵۵.
۳. ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾. انعام، آیه ۱۴۱.
۴. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾. انفال، آیه ۵۸.
۵. ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾. آل عمران، آیه ۱۴۰.
۶. ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ﴾. نحل، آیه ۲۳.
۷. ﴿... أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾. مائده، آیه ۵۴.

برادری در وجود انسان شکل دیگری می‌گیرد.^۱ انسان وقتی جبروت و قدرت بی‌انتهای خداوند را باور کرد، خضوع و خشوع می‌یابد و به هر میزان که ایمانش به خدا افزایش یافت، خودبینی و خودستایی‌اش کاهش می‌پذیرد. این جاست که ارزش‌های دیگران و به ویژه ارزش ایمان و تقوای آنان را حس می‌کند و خود را در برابر آنان کوچک می‌شمارد.

با چنین تحلیلی است که، می‌توان فهمید تواضع و خاکساری نه به هر نیت و با هر معیار،^۲ و نه برای همه کس، بلکه به نیت صدق، و با معیار ایمان، تنها در برابر مؤمنان است که، ارزش ویژه به حساب می‌آید، و از ویژگی‌های بارز یاران حضرت مهدی علیه السلام شمرده می‌شود.

۴. گردن‌فرازان در برابر کافران^۳

تاریخ انسان در هیچ دوره‌ای خالی از ستیز کافران علیه مؤمنان و صالحان نبوده و نیست. در این تاریخ پر فراز و فرود، هر زمان که، مؤمنان، به عافیت‌طلبی و منفعت‌گرایی رو کرده‌اند، کافران قدرت یافته و سلطه خود را بر جامعه تحمیل کرده‌اند، و هر زمان که مؤمنان در راه مبارزه، و احقاق حقوق خویش قدم برداشته‌اند، کافران ناکام مانده‌اند.

در حقیقت قلت ایمان و کمبود اعتقاد به خدا و قیامت است که، خوف از دشمن را در دل می‌نشانند و روحیه شرافت و عزت را در ضمیر انسان

۱. ﴿اتّما المؤمنون إخوة﴾. حجرات، آیه ۱۰.

۲. آفة التواضع

۳. ﴿... أعزة على الكافرين﴾. مائده، آیه ۵۴.

نابود می‌کند، و عزم مقاومت را از بین می‌برد.

ایمان کسه قوی می‌شود، روح و روان انسان نیرو می‌گیرد، پوچی قدرت‌های طاغوتی را عیان می‌بیند، و ذلت و ناتوانی کافران را لمس می‌کند. یاران و همراهان حضرت مهدی علیه السلام چون در اوج ایمان و اعتقاد به سر می‌برند، عزت‌مندانه و مقتدرانه در برابر کافران می‌ایستند و نه تنها به سازش و تسلیم تن در نمی‌دهند، بلکه ریشه و بنیان آنان را می‌سوزانند^۱ و سلطه کفر را در همه جای زمین از بین می‌برند.^۲

۵. جهادگران^۳

جهاد رمز اقتدار جامعه اسلامی است. عزت، شرافت، کرامت و اعتبار جامعه اسلامی وابسته به جهاد مجاهدان پاکبخته‌ای است که مال و جان خویش را بر سر پیمان با خدا و برای بقای دین خدا و برقراری حاکمیت دینی ایثار می‌کنند. فضیلت و برتری از آن مجاهدان است،^۴ هم‌چنان که فضیلت و برتری مسلمانان بر غیر مسلمانان نیز از طریق آنان حاصل می‌آید.

در هر دوران، - چه زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و چه زمان امامان معصوم علیهم السلام، چه پیش از غیبت و چه پس از غیبت امام زمان علیه السلام، - اگر جهاد به عنوان دری از درهای بهشت بر روی ویژگیان الهی گشوده بوده است؛^۵ سربلندی و پویایی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸.

۲. همان.

۳. ﴿... يجاهدون في سبيل الله﴾. مائده، آیه ۵۴.

۴. ﴿فضل الله المجاهدين على القاعدین اجرا عظيماً﴾. نساء، آیه ۹۵.

۵. «إنَّ الجهاد باب من أبواب الجنة فتحه الله لخاصة أوليائه». نهج البلاغه، ص ۶۷.

نصیب مسلمانان می شده است و اگر بی تفاوتی، عزلت‌گزینی و خاموشی در برابر هجوم دشمن متداول بوده است؛ خواری، خفت، اسارت و حقارت قرین زندگانی آنان می‌گشته است.^۱

دوران پس از ظهور نیز از این قاعده مستثنا نیست، در آن زمان نیز اگر مسلمانان را کرامت و عزتی عالم‌گیر هست؛ در پرتو جهاد و جانبازی پیکارگران راه خداست؛ پیکارگرانی که ماه‌ها سلاح از دوش نمی‌نهند،^۲ و برای کسب پیروزی در برابر کفر و استکبار، شب و روز می‌جنگند.

۶. نفوذناپذیران^۳

صلابت و پایداری در راه خدا، شرط اصلی پیروزی خداپرستان است. آنان که ایمانشان ریشه‌دار، عزمشان پایدار، و گامهایشان استوار است، در برابر سختی‌ها متزلزل نمی‌شوند و در مقابل توطئه‌ها نمی‌لغزند و در گرماگرم حوادث، میدان را خالی نمی‌کنند. هر چه فشار بلاها و سختی کارزار بیش‌تر باشد، بر شدت ایمانشان افزوده می‌شود؛^۴ و هر چه ملامت کج‌اندیشان و وسوسه مصلحت‌طلبان افزون گردد، میزان شجاعت و استقامتشان فزونی می‌گیرد.

۱. همان.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. ﴿... و لا یخافون لومة لائم﴾. مانده، آیه ۵۴.

۴. ﴿الَّذین قال لهم الناس إنَّ الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم، فزادهم ایماناً﴾. آل عمران، آیه ۱۷۳.

به یقین در همهٔ زمان‌ها، حتی زمان پس از ظهور، کسانی هستند که به ظاهر از سر خیرخواهی و دل‌سوزی مدافعان حریم عقیده و ایمان و نقش‌آفرینان صحنهٔ جهاد و شهادت را به ملامت می‌گیرند و به بیان‌هایی گوناگون سرزنش می‌کنند که، چرا تو بجنگی و دیگران در آسایش به سر برند؟ چرا تو مال بدهی و دیگران مقام بگیرند؟ چرا تو جان بدهی دیگران بر مسند نشینند؟ چرا تو فداشوی تا آسودگان مقام طلب مسندنشین بمانند؟

طبیعی است که در هر زمان - حتی زمان پس از ظهور - اگر وسوسهٔ خناسان کارگر افتد، و نیت‌های صادقانه و خداجویانه تحت تأثیر واکنش‌های این و آن خدشه دار شود، و معامله با خدا، جایش را به معامله بر سر دنیا دهد، و تکلیف‌گرایی در هجوم مصلحت‌اندیشی نابود گردد، سرنوشت شوم شکست و ذلت و زبونی و نابودی، سرانجامی محتوم خواهد بود. و چنین است که در زمان ظهور - زمان پیروزی همیشگی خدا باوران - یاوران خدا، عزمی پایدار، اندیشه‌ای نفوذناپذیر، و قلبی مقاوم و پولادین دارند.^۱

۷. تقوا پیشگان^۲

«شکیبایی پیشه کنید، زمین از آن خداست، وراثت آن را نصیب هر که بخواهد می‌سازد، و عاقبت از آن تقواپیشگان است.»^۳

۱. «کأنهم بنیان مرصوص». صف، آیهٔ ۴؛ «قلوبهم اشد من زبر الحديد». شیخ صدوق،

کمال‌الدین، ص ۶۵۳.

۲. «واصبروا إن الأرض لله، یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین». اعراف،

آیهٔ ۱۲۸؛ ر.ک: المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّه، ص ۷۳.

۳. همان.

این اراده تخلف‌ناپذیر خدا و وعده حتمی حق است که تنها تقوای پیشگان میراث‌بران نهایی زمین خواهند بود.

اگر پذیرفته‌ایم که معیار کرامت در اسلام، تنها پرهیزگاری است،^۱ و درجات کرامت انسان در نزد خدا، تنها وابسته به مراتب تقوای اوست، باید بپذیریم که امت برگزیده حق، در زمان حضرت مهدی علیه السلام که برتر از همه انسان‌ها در همه عصرها شمرده شده‌اند،^۲ این برتری و برگزیدگی را جز در سایه پرهیزگاری^۳ و ترک گناه به دست نیاورده‌اند.^۴

۸. هدایتگران به حق و عدالت‌پیشگان^۵

انسان‌های خود ساخته، هرگز در حصار خود خواهی محصور نمی‌مانند، دیگر دوستی و دغدغه هدایت دیگران داشتن، لازمه تعالی نفس است. آنان که

۱. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ».

۲. اگر یاران پیغمبر صلی الله علیه و آله بنا به آیه قرآن «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» بهترین انسان‌ها شمرده شده‌اند، اصحاب مهدی علیه السلام بهترین بهترین‌ها هستند، چون هم یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و هم برادران او به حساب می‌آیند.

۳. «أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى؟ كَجَاسْتِ أَنْ يَشْوَابِي كَهْمِ الْهَمَّانِ رَابِعًا تَقْوَاهُ وَحَدَّثَ كَلِمَةً وَ يَكَانُ كَيْفَ كَشَانَدًا؟»، دعای ندبه.

۴. «وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ فِي أَرْضِهِ»؛ و دیگر در دوران او مردم، خدا را در زمینش نافرمانی نمی‌کنند. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۵. «أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ». اعراف، آیه ۱۵۹؛ با عنایت به المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّه، ص ۷۶.

روح متعالی دارند، تنها به نجات خویش نمی‌اندیشند، بلکه دربارهٔ ضلالت و گمراهی هم‌نوعان خویش نیز احساس مسئولیت می‌کنند، و گاهی تا آن‌جا پیش می‌روند که خویشتن را به مشقت می‌اندازند و جان خویش را در معرض خطر نابودی قرار می‌دهند.

در این زمینه، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برترین و کامل‌ترین آفریدهٔ خدا، عالی‌ترین درجهٔ حساسیت گمراهی دیگران و والاترین اشتیاق و تلاش برای هدایت و نجات آنان را از خود بروز داده است. تا آن‌جا که خداوند رحمان او را تسلی می‌بخشد و مهربانانه می‌فرماید:

ای پیامبر! ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم که، این قدر به مشقت و رنج دچار شوی.^۱

شاید تو از این‌که مردم ایمان نمی‌آورند، جان خود را تباه کنی.^۲

آنان که شیرینی حق را چشیده‌اند و شکوه عدالت را دریافته‌اند، مُصْرَّانِه برای هدایت دیگران به سوی حقیقت می‌کوشند، و صادقانه با اتکای به حق، در رعایت عدالت تلاش می‌کنند.

آنان‌که، خود حق را یافته‌اند، تشنهٔ رهیابی دیگران به حق هستند، و آنان‌که عدالت را در درون خویش تثبیت کرده‌اند، به تحکیم آن در متن جامعه می‌اندیشند.

۱. ﴿طَهٌ ۖ مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾. طه، آیه ۱-۲.

۲. ﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾. شعراء، آیه ۳.

۹. توانمندان پولاد دل^۱

وقتی که انسان جان و دلش را در اختیار خدا قرار می‌دهد، و اندیشه و فکرش را به خدا می‌سپارد،^۲ قدرت بی‌انتهای خدا را پشتیبان خویش می‌یابد و احساس عزت و اقتدار و شکست‌ناپذیری می‌کند. تمام دنیا در مقابلش قد علم کنند، نمی‌هراسد و تمامی قدرت‌ها تهدیدش نمایند، احساس تزلزل نمی‌کند، کوه‌ها می‌لغزند و او نمی‌لغزد. دریاها بر می‌آشوبند و او بر نمی‌آشوبد؛ محکم و استوار، توانمند و خستگی‌ناپذیر می‌ماند و مقدمات جهانی شدن توحید را فراهم می‌آورد.

شدت پایداری انسان‌های عصر ظهور تا آن‌جاست که پیامبری هم‌چون حضرت «لوط» علیه السلام در گرماگرم حادثه، پناه جستن به آنان را برای رهایی از جنگ طغیانگران و فساد انگیزان، آرزو می‌کند.^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

این‌که حضرت لوط علیه السلام به قوم خویش گفت: «کاش برای مقابله با شما،

۱. با بهره‌گیری از آیه شریفه «أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ»؛ ای کاش می‌توانستم به پشتوانه‌ای استوار پناه جویم. هود، آیه ۸۰ (این آیه از قول حضرت لوط علیه السلام نقل شده و به استناد روایات موجود در کتاب المحجة فیما نزل فی القائم الحجته، ص ۱۰۶ به حضرت مهدی علیه السلام و یاران با وفای او تأویل گردیده است).

۲. به قول امیرالمؤمنین علیه السلام که خطاب به فرزندشان محمد بن حنفیه سفارش می‌فرمود: «أَعْرِ اللَّهَ جُمُوعَتَكَ؛ جمجمه‌ات (تمام اندیشه‌ات) را به خدا عاریت بده». نهج البلاغه، خطبه ۱۱.

۳. ر.ک: المحجة فیما نزل فی القائم الحجته، ص ۱۰۶.

قدرتی داشتم تا به تکیه گاهی استوار پناه می‌جستم»^۱ مرادش از قدرت، تنها آرزوی قدرت قائم ما و مرادش از تکیه‌گاه استوار، تنها یادکردی از توانمندی یاران او بود زیرا هر یک از آنان برابر چهل نفر نیرو دارد و دلش از پاره‌های آهن و فولاد محکم‌تر است.^۲

۱۰. هدایت یافتگان^۳

دوران پس از ظهور، دوران هدایت‌یافتگی همه بشر است، پرچم هدایت در همه جای زمین، برافراشته خواهد بود،^۴ و مهدی علیه السلام که هدایت‌یافته از جانب پروردگار است، نشانه‌های هدایت را برای همه انسان‌ها به ارمغان خواهد آورد.

ناگفته پیداست که هدایت مراتب گوناگون دارد. عالی‌ترین مرتبه آن که در اختیار معصومین علیهم السلام است، در زمان ظهور در وجود شریف امام‌زمان علیه السلام متجلی می‌گردد و در مراتب بعدی یاران خاص او هستند که از نعمت هدایت ویژه پروردگار بهره می‌برند و به اطاعت و فرمانبری او راهبری می‌شوند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مراد از راه مستقیم، حضرت قائم علیه السلام، و مراد از هدایت، راه یافتن و

۱. هود، آیه ۸۰.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳.

۳. با بهره‌گیری از آیه شریفه «فَسَتَعْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى»؛ به زودی خواهید دانست که اهل راه مستقیم و هدایت‌یافتگان کیانند. طه، آیه ۱۳۵؛ با استناد به کتاب المحبّة فیما نزل فی القائم الحجّه، ص ۱۳۷.

۴. «این ناشر رأیه الهدی؛ کجاست برافرازنده پرچم هدایت». مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

هدایت شدن به اطاعت اوست.^۱

یاران حضرت مهدی علیه السلام، یاران ولایتند، و ولایت راه مستقیم خداست، و جز از راه مستقیم نمی توان به حقیقت قرب الهی هدایت گشت.

۱۱. نمازگزاران^۲

نماز، والاترین جلوه بندگی خدا، باشکوه ترین معراج عابدان پروردگار، ارجمندترین فصل کتاب عرفان و ایمان است. آنان که به کتاب الهی باور دارند، و آن را در همه مراحل زندگی راهنمای خود می گیرند، با برپایی نماز است که شایستگی اصلاح گری پیدا می کنند و در کلام خدا «مصلح» شمرده می شوند:

کسانی که به کتاب خدا تمسک می جویند و برپادارنده نماز هستند، (بدانند که در زمره مصلحان هستند) و ما هرگز اجر مصلحان را از بین نمی بریم.^۳

اصلاح گران عصر موعود نیز چنانند که به محض قدرت یافتن در زمین، به فکر برپایی نماز می افتند، و یکی از اولین برنامه های دولت کریمه خویش را گسترش فرهنگ نماز و زمینه سازی برای اقامه همگانی آن قرار می دهند.

۱. المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، ص ۱۳۷ به نقل از: تأویل الآیات الظاهرة.

۲. با بهره گیری از آیه شریفه ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾؛ کسانی که چون در زمین به آنان توانایی بخشیم، نماز به پا می دارند. حج، آیه ۴۱؛ و با استناد به المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، ص ۱۴۳.

۳. ﴿وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾. اعراف، آیه ۱۷۰.

به راستی، اگر قرار است در دوران حاکمیت اسلام، ریشه فساد و تباهی بخشکد و منکرات و کردارهای ناروا در جامعه محکوم و ممنوع شود، چه عاملی قوی‌تر از نماز می‌تواند در دستورکار متصدیان امور و برنامه‌ریزان فرهنگی جامعه قرار گیرد؟ نمازی که خداوند آن را بازدارنده از فساد و فحشا و منکر به شمار آورده است:

نماز به پادار، که همانا نماز از کار زشت و ناپسند و نکوهیده باز می‌دارد.^۱

امام باقر علیه السلام درباره کسانی که حکومت و قدرت را در راه برپایی نماز به خدمت می‌گیرند، فرمود:

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ...﴾؛^۲ این آیه درباره

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب اوست که خداوند آنان را به حکومت و سلطنت بر همه شرق و غرب زمین می‌رساند و دین را به وسیله آنان پیروز می‌گرداند و به دست او و اصحابش، بدعت‌ها و باطل‌ها را می‌میراند.^۳

از همین فرمایش امام باقر علیه السلام نیز می‌توان استفاده کرد که برپایی نماز، انفاق، امر به معروف و نهی از منکر که در آیه شریفه مورد تأکید قرار گرفته‌اند، راز پیروزی دین و راه از بین بردن بدعت‌ها و باطل‌ها در هر جامعه‌ای به ویژه در جامعه پس از ظهور خواهد بود.

۱. ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ، إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾. عنکبوت، آیه ۴۵.

۲. حج، آیه ۴۱.

۳. «هَذِهِ لآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابِهِ، يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ الدِّينَ وَ يُمِيتُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ». المحجّة فیما نزل فی

القائم الحجّه، ص ۱۴۳ به نقل از: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۱۲. انفاق کنندگان^۱

یکی از اسرار عظمت انفاق و بخشش صدقات، و پرداختن زکات در اسلام، در گذشتن از تعلقات مادی در راه اعتلای معنوی فرد و جامعه است. با بخشش اموال در راه خدا، انسان از وابستگی به مادیات رهایی می‌یابد و مسیر تطهیر و تزکیه جان و روان خویش را هموار می‌سازد.^۲

راز دیگر انفاق و زکات دهی، دغدغه هموعان داشتن و در برابر تنگدستی دیگران بی تفاوت نماندن است. پرداخت زکات نشان دیگر دوستی و همدلی و همدردی با دیگر اعضای جامعه اسلامی است.

علاوه بر این‌ها، انسان مسلمان با دادن زکات و پرداختن صدقات است که همیاری خود را در امر حکومت به اثبات می‌رساند و با اعطای بخشی از دارایی‌های خویش، در قوام و قدرت اقتصادی جامعه سهیم می‌گردد.

این‌گریز از تعلقات زمینی و اقبال به تزکیه روان، این همدلی با تنگدستان و تلاش در رفع نیاز دیگران، این همیاری با حکومت و مشارکت در سامان‌دهی با اقتصاد جامعه اسلامی؛ همگی از ویژگی‌های انسان‌های اصلاح‌گر در دوران حکومت عادلانه حضرت مهدی علیه السلام است.^۳

۱. با بهره‌گیری از بخش دیگر آیه ۴۱ سوره حج: ﴿... وَآتُوا الزَّكَاةَ...﴾، زکات می‌پردازند.

۲. ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾؛ (ای پیامبر!) از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا با آن پاکشان‌سازی و روحشان را تزکیه نمایی. توبه، آیه ۱۰۳.

۳. ر.ک: المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّه، ص ۱۴۳.

۱۳. آمران به معروف و ناهیان از منکر^۱

عظمت و ارزش بی‌بدیل امر به معروف و نهی از منکر آن‌قدر است که، خدای تعالی خود را نیز امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر می‌شمارد و با تعبیری ویژه و تأکیدآمیز در قرآن کریم، ویژگی امر به معروف و نهی از منکر را صفت مستمر و مداوم خویش ذکر می‌کند.

همانا، خداوند به عدالت و نیکوکاری و رسیدگی مالی به خویشاوندان فرمان می‌دهد، و از کار زشت و ناپسند و ستمگری باز می‌دارد، به شما اندرز می‌دهد، باشد که متذکر شوید.^۲

ذکر عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان به عنوان مصادیق «معروف» و ذکر فحشا و ستمگری در کنار «منکر» آن‌چنان دامنه گسترده‌ای به امر به معروف و نهی از منکر الهی می‌بخشد که، می‌تواند در تبیین کلی مبانی ارزشی و ضد ارزشی جامعه اسلامی مؤثر باشد.

از طرفی چون سخن از صفات نامتناهی پروردگار است، هر بنده‌ای به هر میزان که در مسیر چنین امر به معروف و نهی از منکر تلاش و پیگیری داشته باشد، می‌تواند درجه‌ای از درجات بی‌پایان تخلق به اخلاق الله را کسب نماید. در حقیقت راز خداگونگی انسان‌های عصر ظهور در همین ویژگی‌های آنان نهفته است. آنان که رستگارانند و بهترین امت‌های تاریخ بشری به شمار

۱. با استفاده از بخش دیگر آیه ۴۱ حج: ﴿... وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوُا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾.

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَاتِّبَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ، يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾. نحل، آیه ۹۰.

می آیند، برای همین امر به معروف و نهی از منکر است که چون تأسی به خدای تعالی است، در قرآن کریم رمز رستگاری شمرده شده و دلیل برتری و شرافت امت پیامبر ﷺ به شمار آمده است.

و باید از میان شما، گروهی باشند که دیگران را به نیکی دعوت کنند و

امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان همان رستگارانند.^۱

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید، (از آن رو) که

امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و ایمان به خدا دارید.^۲

به فرمایش رسول اکرم ﷺ راز خلافت الهی انسان‌های دوران پس از

ظهور نیز در همین امر به معروف و نهی از منکر است.^۳

۱۴. ایمان آورندگان شایسته کار^۴

ایمان به منزله «اوج معنویت انسان» وقتی با عمل صالح که «اوج ارزش

رفتاری انسان» است، عجین می‌شود آمیزه‌ای شگفت‌انگیز پدید می‌آورد که

۱. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ، تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ». آل عمران، آیه ۱۱۰.

۳. «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ». مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۵۸؛ کنز العمال، حدیث ۵۵۶۴.

۴. با بهره‌گیری از آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین به خلافت رساند. نور، آیه ۵۵.

هم‌چون اکسیری آسمانی، هر چه را که خواستنی و دوست‌داشتنی است، در دسترس فرد و جامعه قرار می‌دهد:

آن کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند، نه خوفی خواهند داشت و نه محزون خواهند گشت.^۱

کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و عمل شایسته انجام دهند، پاداششان نزد خداست.^۲

زن یا مردی که با داشتن ایمان، کار شایسته نیز انجام دهد، به زندگانی پاک و ستودنی دست خواهد یافت.^۳

و هر مرد و زن مؤمنی که کار شایسته‌ای انجام دهد، به بهشت وارد می‌گردد، و در بهشت بدون حساب از رزق و نعمت الهی برخوردار خواهد بود.^۴

با ایمان و عمل شایسته است که می‌توان به مغفرت و اجر بی‌پایان الهی دست یافت.^۵

با ایمان و عمل شایسته است که می‌توان به توفیق هدایت و خاص پروردگار عالمیان موفق گشت.^۶

۱. ﴿فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾. انعام، آیه ۴۸.

۲. ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾. بقره، آیه ۶۲.

۳. ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً﴾. نحل، آیه ۹۷.

۴. ﴿وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْرَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾. غافر (مؤمن)، آیه ۴۰.

۵. مضمون آیه شریفه ۹ از مائده: ﴿... لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾.

۶. مضمون آیه شریفه ۹ از یونس: ﴿... يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ﴾.

با ایمان و عمل شایسته است که می توان محبوب دل ها گشت.^۱
با ایمان و عمل شایسته است که می توان در زمره صالحان در آمد.^۲
با ایمان و عمل شایسته است که می توان از بهترین انسان ها شمرده شد.^۳
با ایمان و عمل شایسته است که می توان سعادت خلیفه خدا شدن در زمین
را پیدا کرد.^۴

و چه زیباست به هم پیوستگی این همه آثار، در نشان دادن چهره انسان
دوران ظهور! انسان عصر حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام، با همین ایمان و عمل
شایسته اش به مقامی خواهد رسید که گناهانش را می آمرزند، به راه های کمال
رهنمونش می شوند، محبت او را در دل ها می نشانند، در شمار صالحان
قرارش می دهند، از برگزیدگان و امت نمونه اش به حساب می آورند و مقام
منیع خلافت الهی را به او عنایت می فرمایند.

۱۵. انسان در آرامش^۵

با حاکمیت توحیدی در عصر پر شکوه حضرت مهدی علیه السلام، دیگر
تمام نگرانی ها پایان می یابند، ترس و خوف ها از جامعه رخت برمی بندند،

-
۱. مضمون آیه شریفه ۹۶ از مریم: ﴿... سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾.
 ۲. مضمون آیه شریفه ۹ از عنکبوت: ﴿... لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ﴾.
 ۳. مضمون آیه شریفه ۷ از بینه: ﴿... أُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾.
 ۴. مضمون آیه شریفه ۵۵ از نور: ﴿... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾.
 ۵. با بهره گیری از آیه شریفه ۵۵ نور: ﴿... وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...﴾؛ و ترس آنان
را به امنیت و آرامش تبدیل می نماید. با استناد به المحجة فیما نزل فی القائم الحجة،
ص ۱۴۸-۱۵۱.

اضطرابات و فشارهای روحی جای خود را به آرامش و آسایش می‌دهند، دیگر نه دشمنان دین خدا قدرتی دارند تا ایمان آورندگان را در هراس و وحشت قرار دهند، نه زوال نعمت‌ها و حوادث بنیان‌سوز خطری برای آینده اهل زمین ایجاد می‌کنند، و نه ضعف و بیماری و تنگدستی، موجبات رنج و بیچارگی انسان‌ها را پدید می‌آورند. و این‌ها اگر چه همگی در اساس به اراده خاص و عنایت ویژه خداوند بستگی دارد، لکن عوامل سه‌گانه ذیل نیز تأثیرگذاری غیر قابل‌انکاری دارند:

- الف) سازگاری عوامل طبیعی، چنان که در آن روزگاران زمین و آسمان و موجودات زنده و حتی جمادات بستر ساز آرامش و امنیتند.^۱
- ب) مدیریت و حکمت اعجاب‌انگیز حضرت مهدی علیه السلام و به کارگیری سیستم‌های پیچیده امنیتی برای کنترل جامعه و سخت‌گیری در مورد عوامل فتنه‌انگیز.^۲
- ج) آرامش‌آفرینی یاد خدا^۳، در آن زمان که همه اهل زمین گوینده

۱. این سازگاری تا حدی است که، اگر کافر یا مشرکی در دل صخره‌ای مخفی شده باشد، آن صخره به سخن خواهد آمد و خطاب به یاری از یاران حضرت مهدی علیه السلام می‌گوید: ای مؤمن! او را بکش.

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ، وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ؛ در زمان او تعدی‌گری از بین می‌رود و راه‌ها امنیت می‌یابند». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸؛ و امام باقر علیه السلام فرمودند: «حَتَّى أَنْ أَحَدَكُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ؛ کار به آن جا می‌رسد که اگر کسی در خانه‌اش سخن بگوید، می‌ترسد که دیوار خانه‌اش به تخلف او شهادت دهد». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۳. ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾؛ بدانید که به یاد خداست که دل‌ها آرامش می‌گیرد. رعد، آیه ۲۸.

«لا اله الا الله» هستند، پرچم یاد خدا در همه جای زمین و در دل‌های همه مؤمنان، هر صبح و شام برافراشته است، نماز که بالاترین جلوه گاه یاد خداست، در همه جا و به بهترین و با شکوه‌ترین وجه ممکن اقامه می‌شود، و مردم همگی در سایه یاد خدا از معصیت و نافرمانی او در امانند، بدیهی است که نه تنها از ترس و اضطراب، بلکه از هر بدی بازداشته می‌شوند.^۱

۱۶. انسان و عبادت مخلصانه^۲

همه انسان‌ها از جانب خدا مأمورند که تنها او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند.^۳ سرّ این‌که اصلی‌ترین شعار آغازین و بنیادین اسلام، شعار «لا اله الا الله» در نفی هر معبودی جز خدای یگانه بوده است، و هر مسلمانی در هر نماز واجب موظف به تکرار زیباترین شعار پرستندگی یعنی آیه شریفه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ شده است، همین لزوم عبادت مخلصانه و دور از شرک به خداوند می‌باشد که چکیده همه معارف دینی و خلاصه همه

۱. پیامبر اکرم ﷺ: «لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَلَا أَنْجَى لِعَبْدٍ مِنْ كُلِّ سَيِّئَةٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ». کنز العمال، خبر ۳۹۳۱.

۲. با بهره‌گیری از بخش دیگری از آیه شریفه ۵۵ از سوره مبارکه نور: ﴿... يَغْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛ تنها مرا عبادت می‌کنند و هیچ چیز را شریک من قرار نمی‌دهند؛ و با استناد به المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّه، ص ۱۴۸ - ۱۵۱.

۳. ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾؛ خدا را بپرستید و چیزی را شریک او مگیرید. نساء، آیه ۳۶.

او امر الهی به حساب می‌آید.^۱

چنین است که انسان عصر ظهور با بهره‌گیری از همه ابزارهای حکومتی و غیر حکومتی، توفیق می‌یابد که تنها خدا را پرستد و هیچ چیز دیگر را شریک او قرار ندهد.

با چنین نگاهی به عصر ظهور است که می‌توان فهمید چرا خداوند تبارک و تعالی این قدر به مسئله ظهور حضرت مهدی علیه السلام اهمیت می‌دهد. در حقیقت همین ویژگی انسان‌های آن دوران است که تحقق بخش حکمت آفرینش انسان‌هاست، آن‌جا که فرمود: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾.^۲

۱۷. انسان و خلافت در زمین^۳

خداوند به مؤمنان و شایستگان وعده داده است که آنان را به خلافت در زمین برساند؛ خلافتی که به گواهی کتب لغت و تفسیر به سه معنای مختلف در قرآن کریم آمده است و هر سه معنای آن در مورد انسان عصر ظهور صادق است:

۱. ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾؛ به چیزی جز عبادت مخلصانه خدا مأمور نشدند. بینه، آیه ۵.

۲. من جنّ و انسان را جز برای عبادت خود نیافریدم. ذاریات، آیه ۵۶.

۳. با بهره‌گیری از آیه شریفه ۶۲ نمل: ﴿... وَ يَسْجَعَلْكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾؛ و با استناد به المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّه، ص ۱۶۶-۱۶۹؛ و نیز آیه شریفه ۵۵ از سوره مبارکه نور: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾؛ و با استناد به المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّه، ص ۱۴۸.

الف) جانشینی پیشینیان^۱

در دوران حضرت مهدی علیه السلام آنان که در گذشته تاریخ زمین را در سیطره قدرت و حاکمیت و مالکیت خود داشتند و جای جای زمین را - که مسجد خداوند است - محل کفر و عناد و ظلم و معصیت خویش قرار داده بودند، دیگر همگی از میان رفته‌اند و زمین از آن کسانی است که یار دین بوده‌اند و زندگی را تنها در سایه حاکمیت الهی پسندیده‌اند، و زمین را عبادتگاه خدا، و حکومت و سلطه بر زمین را ابزاری برای اجرای اراده و حکم خدا تلقی کرده‌اند.

ب) نیابت از خداوند^۲

خلافت، نیابت از غیر است به یکی از چهار وجه ذیل:
به جهت غیبت آن کس که نیابت از او صورت می‌گیرد، یا به جهت مرگ او، یا به جهت ناتوانی او، یا به جهت تکریم و شرافت بخشیدن به نایب از طرف کسی که، او را به نیابت برمی‌گزیند.^۳
خلافت الهی که نیابت انسان از خدای تعالی در اجرای احکام و انجام دادن

۱. جَعَلَهُمْ خَلَفًا مِنَ الَّذِينَ لَمْ يَكُونُوا عَلَي خَالِهِمْ. معجم الفاظ القرآن الکریم؛ مجمع اللغة العربیة، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲. فَسَرَتْ بِأَنَّهُ يُنُوبُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى فِي إِجْرَاءِ أَحْكَامِهِ، وَ تَنْفِيذِ إِزَادَتِهِ فِي عِمَارَةِ الْكُونِ وَسِيَاسَتِهِ. معجم الفاظ القرآن الکریم، ص ۳۵۱.

۳. مفردات راغب، ص ۱۵۶.

اراده او در آبادانی زمین و تدبیر امور زمانه است،^۱ از چهارمین وجه شمرده می‌شود که نشان دهنده شرف و کرامت انسان است.

ج) تسلط و بهره‌وری^۲

«خلافت^۳ انسان در زمین، بدون این که جانشینی و نیابت از کسی مطرح باشد، بیانگر تسلط انسان بر زمین و بهره‌گیری گسترده وی از نعمت‌های آن است و این نشان دهنده تدبیری الهی درباره امور گیتی و لطفی ویژه از خدا درباره انسان است. جعل خلافت توسط خداوند برای یادآوری این واقعیت است که اگر شما انسان‌ها بر گرده زمین سوارید، و از آن سود می‌جوید، امری اتفاقی نیست، بلکه در آن رموز و مناسبات زیادی به کار رفته که همه وابسته به تدبیر خداوند است و بر این اساس است که قادر به تصرف در زمین و تسلط بر آن هستید.»^۴

مقام بزرگ خلافت الهی برای انسان که مصداق کامل آن در مورد امامان معصوم علیهم‌السلام و به ویژه امام عصر حضرت مهدی علیه‌السلام تحقق می‌یابد، در مرتبه‌ای پایین‌تر در مورد انسان‌های صالح و مصلحی که کارگزاران و متصدیان حکومت توحیدی آن بزرگوار هستند نیز قابل تطبیق است.

۱. معجم الفاظ القرآن الکریم، ص ۳۵۱.

۲. مفردات راغب، ص ۱۵۶.

۳. خلافت به این معنا، نه از جهت اصطلاح لغت شناسان، بلکه به جهت ثمره آن است یا به لحاظ وجه مشترک دو معنای قبلی.

۴. تفسیر راهنما، ج ۱۳، ص ۳۶۸ (با اندکی تغییر در عبارت).

۱۸. وارثان زمین^۱

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

وراثت زمین از آن بندگان شایسته خداوند است، که همان یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخر زمانند.^۲

دارایی‌های زمین در آن زمان، میراث بی‌پایان پیشینیانی است که خود نه مقدار آن را دانستند و نه قدر آن را شناختند و نه آن را در قدردانی از معبود به خدمت گرفتند.

زمین و هر چه در آن است، هدیه با ارزش خدای زمین آفرین است به همه کسانی که در دوران‌های سخت پیش از ظهور اگر چه به سختی‌ها و مرارت‌های فراوان گرفتار گردیدند، هرگز دست از ایمان خود برنداشتند، و بر بندگی خدا پا فشاری کردند. میراث‌بران زمین، ضعیف‌شمردگانی هستند که در سخت‌ترین شرایط، قدرتمندانه ایستادند و ایمان و تقوای پاسبان داشتند و با اعمال شایسته خویش در زمره صالحان درآمدند.^۳

۱. با استفاده از آیه ۱۰۵ انبیاء: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ و با استناد به المحجة فیما نزل فی القائم الحجته، ص ۱۴۱؛ و با بهره‌گیری از آیه ۵ قصص: ﴿وَجَعَلَهُمْ اُمَّةً وَجَعَلَهُم الْوَارِثِينَ﴾؛ و نیز آیه ۱۲۸ اعراف: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾؛ زمین از آن خداست، آن را به هر کس از بندگان که بخواهد به ارث می‌رساند؛ و با استناد به المحجة فیما نزل فی القائم الحجته، ص ۷۳ و ۱۷۰.

۲. «هُم أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ علیه السلام فِي آخِرِ الزَّمَانِ»، المحجة فیما نزل فی القائم الحجته، ص ۱۴۱ به نقل از: تأویل الآیات الظاهره؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶.

۳. با بهره‌گیری از آیات شریفه ۱۲۸ اعراف، ۵ قصص و ۱۰۵ انبیاء که در پاورقی‌های قبلی ذکر گردیدند.

۱۹. شایستگان مستضعف^۱

امامان و پیشوایان زمین در عصر حاکمیت ایمان، مؤمنان مستضعفی هستند که طی سال‌های سال مزه [تلخ] استضعاف را چشیده و زنجیرهای گران استکبار را برگرده‌های خویش احساس کرده و توانایی‌های فراوانشان در زیر چتر سنگین حاکمیت طاغوت، کتمان گردیده است.

آنان که این قدر کیاست و تدبیر دارند که بتوانند خلیفه‌های خدا در زمین باشند و این اندازه لیاقت و توانایی دارند که شایستگی امامت و پیشوایی در زمین را دارا باشند، همان‌ها هستند که حاکمان دوره بیداد، روح و جسمشان را به انواع شکنجه‌ها می‌آزردند، و از ترس این‌که مبادا مصدر قوت و قدرت گردند، همواره فضایل و خوبی‌های ایشان را منکر می‌شدند، از ورودشان به عرصه‌های تصمیم‌ساز و تأثیرگذار بر جامعه جلوگیری می‌نمودند و فشارهای باز دارنده اقتصادی و اجتماعی را برای به زانو در آوردن آنان عملی می‌ساختند.

۲۰. بندگان بسیار نیرومند^۲

امام باقر علیه السلام آیات شریفه سوره «اسراء» در مورد ریشه کن شدن یهودیان

۱. با بهره‌گیری از آیه شریفه ۵ سوره مبارکه قصص: ﴿وَأُتْرِدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً﴾؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان زمین سازیم.

۲. با بهره‌گیری از آیه شریفه ۶ اسراء: ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾؛ بندگانمان از خود را که بسیار نیرومندند بر شما می‌گماریم؛ و با استناد به المحجة فیما نزل فی القائم الحجته، ص ۱۲۳ به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱.

به دست بندگان نیرومند خدا را که قرائت می نمود، می فرمود:

«هُوَ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ»، مراد آیه شریفه، قائم

آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یاران او هستند که، بسیار قدرتمند و سخت گیر بر

کافرانند.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تبیین میزان قدرت جسمی یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام که

نمونه های برتر انسان های عصر ظهورند، آنان را به شیران روز و در بیان

اندازه قدرت معنوی ایشان، آنان را به راهبان شب تشبیه می کنند:

لَيْوُثٌ بِالنَّهَارِ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ؛ یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

شیران روز و پارسایان شبند، گویا قلب های آنان پاره های آهن است.^۲

به هر یک از اصحاب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به اندازه چهل نفر توانایی

داده می شود و دلش قوی تر و مستحکم تر از پاره های آهن است.^۳

توانایی های انسان عصر ظهور، تنها در قدرت جسمی و معنوی او

خلاصه نمی شود، بلکه از جهت علمی و تخصصی نیز توانمندی بسیاری

دارد:

در زمان حکومت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، به همه مردم علم و حکمت

آموخته می شود.^۴

۱. همان.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۳. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام: «فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَإِنَّ قَلْبَهُ لِأَشَدُّ مِنْ زُبْرِ

الحديد». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۴. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام: «تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ». بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۵۲.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

زمانی که قائم ما علیه السلام قیام نماید، خداوند آن‌چنان شنوایی و بینایی آنان را تقویت می‌فرماید که دیگر میان آن‌ها و حضرت مهدی علیه السلام نیازی به نامه‌نگاری نیست، با آن‌ها سخن می‌گوید و آنان هم صدایش را می‌شنوند و هم چهره‌اش را می‌بینند، در حالی که او در همان مکان خویش است (و آنان در هر کجای زمین می‌توانند مستقر باشند).^۱

زمانی که، قائم ما علیه السلام قیام کند، دست عنایت بر سر بندگان خدا نهد و عقل و اندیشه آنان را تمرکز بخشد و ادراکات آنان را به کمال رساند.^۲

۱. منتخب الأثر، ص ۴۸۳.

۲. امام باقر علیه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ». بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

مرحله بندی ها در عرصه تکامل بشری^۱

از آن زمان که خدای تبارک و تعالی آدم علیه السلام را آفرید، او را به عنوان «خلیفه الله» مسجود فرشتگانش قرار داد، تا نشان دهد که زندگی انسان بر این کره خاکی، عرصه ای برای رشد و تکامل او به سوی قرب خدا و خدایی شدن و خلیفه حق در زمین بودن است. رشد انسان ها زمانی که فراتر از رشد اشخاص و اقوام، در حیطه کل جامعه بشری، از دیدگاه ارتباط با وحی در عصور مختلف مورد نظر قرار گیرد، مراحلی دارد:

مرحله اول: از زمان خلقت آدم علیه السلام تا زمان حضرت نوح علیه السلام

خلقت آدم علیه السلام اولین انسان و اولین حجّت در چارچوبه تکالیفی مختصر

۱. در این مختصر چون سخن از تکامل حقیقی انسان است، به ادوار مختلف اجتماعی در تاریخ بشر که از منظر تاریخ و علوم اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد، یا به تقسیمات تاریخی دوران های زندگی بشر که در زیست شناسی مورد نظر است، پرداخته نمی شود. این جا تنها سخن از مراحلی است که از دیدگاه اعتقادی اسلام بر زندگی بشر گذشته و می گذرد.

و مسئولیت‌هایی اندک، که پس از پدید آمدن فرزندان و افزایش تدریجی آنان طی نسل‌های بعدی، با گسترش نسبی تکالیف الهی همراه بود. در این مرحله انسان‌ها بیش‌تر با هدایت‌های غریزی و بهره‌گیری محدود از نظام وحی زندگی کرده‌اند. نظام تک پیامبری در هر دوران به جهت محدودیت گستره جغرافیایی زندگی بشر از ویژگی‌های این مرحله است.

مرحله دوم: از زمان حضرت نوح علیه السلام تا دوران حضرت ابراهیم علیه السلام

این مرحله که با نجات پیروان حضرت نوح علیه السلام از طوفان آغاز می‌شود و تا مدتی بسیار طولانی، یعنی ظهور حضرت ابراهیم علیه السلام ادامه می‌یابد، از آن جهت که حضرت نوح علیه السلام از پیامبران اولوالعزم و صاحب کتاب و شریعت به شمار می‌آمد، رسالتش با رسالت پیامبران پیشین تفاوت می‌کرد، ولی به جهت وضعیت خاص پس از طوفان و پراکندگی محدود انسان‌ها، تا پایان عمر طولانی او همان نظام تک پیامبرانه ادامه یافت؛ اما پس از فوت او که زندگی انسان‌ها در گستره جغرافیایی وسیعی در جریان بود، هر کدام از فرزندان او جداگانه نبوت یافتند، و برای دعوت انسان‌ها به سوی خدا در حیطه خاصی از زمین به پیامبری مبعوث گردیدند و این سیر پیامبران متعدد در هر دوران، هم‌چنان ادامه یافت.

مرحله سوم: از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام تا سده‌هایی قبل از ظهور اسلام

ویژگی این مرحله، یگانگی آیین الهی در همه سرزمین‌هاست. یک کتاب، یک شریعت که با بعثت یک پیامبر از پیامبران اولوالعزم علیهم السلام در هر دوران،

آیین اصلی الهی بود و پیامبرانی از طرف خدا مأمور تبلیغ همان آیین می‌شدند. در این دوران که نوعی آمیختگی بین نظام تک پیامبرانه (مرحله اول) و نظام پیامبران متعدد (مرحله دوم) وجود داشت، همه مردم عصر حضرت ابراهیم علیه السلام باید تنها بر آیین او می‌بودند و شریعت و کتاب او را قانون زندگی فردی و اجتماعی خود قرار می‌دادند. پیامبران دیگر که برخی هم دوران با او و برخی در پی فوت او به پیامبری مبعوث می‌گشتند، آیین مستقلی نداشتند و تنها همان آیین ابراهیم علیه السلام را برای مردم سرزمین‌های خود تبلیغ می‌کردند.

مرحله چهارم: دوران فترت^۱

دوران - حدود - ششصد ساله^۲ بین عصر حضرت عیسی علیه السلام تا ظهور اسلام را از آن رو دوران «فترت» نامیده‌اند که خداوند طی این مدت طولانی هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود.^۳

در این دوران نسبتاً طولانی، اگر چه رسالت مستمر پیامبران منقطع شده بود، اما زمین خدا هرگز از حجت الهی خالی نمانده و آیین حضرت عیسی علیه السلام به دست حواریون که جانشینان غیر معصوم آن پیامبر بزرگ الهی بودند، تبلیغ

۱. فترت، به معنای سکون و انقطاع است.

۲. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۴۴.

۳. ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ﴾؛ ای اهل کتاب! همانا پیامبر ما پس از دوران انقطاع بعثت پیامبران به سوی شما آمد تا عذر نیاورید که بشارت دهنده و انذار کننده‌ای برای ما نیامد. مائده، آیه ۱۹.

می‌گشت. از آثار تربیتی این دوره، شوق و انتظار طولانی مردم برای ظهور اسلام با بعثت آخرین پیامبر الهی، حضرت محمد ﷺ بود.

مرحله پنجم: دوران ۲۳ ساله ظهور و حاکمیت اسلام

آخرین رسالت، آخرین دین، آخرین کتاب الهی، آخرین پیامبر آسمانی، طی همین دوران کوتاه که درخشان‌ترین برگ‌های تاریخ هدایت الهی انسان‌ها ورق می‌خورد، بروز و ظهور پیدا کردند.

تنها یک پیامبر، نه فقط برای عصر خودش، بلکه برای همه اعصار! بدون هیچ پیامبر یا امامی معاصر! تنها خود او مأمور دریافت وحی، ابلاغ وحی، تفسیر وحی؛ مأمور دعوت مردم، هدایت مردم، تربیت مردم؛ مأمور تشکیل حکومت، اداره حکومت، دفاع از حکومت؛ مأمور قضاوت و رفع اختلافات، رهبری فکری و فرهنگی جامعه، طراحي و فرماندهی جنگ‌ها و مسئولیت‌های فراوان دیگر بود.

در این مرحله نه فقط شبه جزیره عربستان، بلکه همه قاره‌های گسترش یافته دنیا، در حیطه مأموریت و مسئولیت پیامبر گرامی اسلام قرار دارند.

مرحله ششم: دوران پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ تا فوت یازدهمین امام معصوم علیّه

این مرحله، که خود مشتمل بر تقسیماتی جزئی‌تر نیز هست، با شاخص حضور و بروز امام معصوم علیّه در بین انسان‌های اعصار مختلف، از مراحل قبل و بعد خود تمایز می‌یابد. پیشوایان معصوم اسلام علیّه، به عنوان جانشینان برگزیده پیامبر اکرم ﷺ یکی پس از دیگری عهده دار امر رهبری

مرحله بندی‌ها در عرصه تکامل بشری □ ۶۹

الهی جامعه بودند، اگر چه غالباً در اثر انحراف اولیه خط خلافت پیامبر و جدایی آن از خط مستقیم ولایت و امامت، در دوران عمر شریف خویش همواره جدا از حکومت ظاهری به سر برده، و بر اثر سیطره امویان و عباسیان، مظلومانه تحت فشار و اختناق زیسته‌اند.

مرحله هفتم: دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام

این دوران که از ابتدای امامت آن بزرگوار در ۲۶۰ هجری قمری آغاز گردیده و پس از طی دوره ۶۹ ساله غیبت صغرا، در قالب غیبت کبرا و نهانی تقریباً کامل آن آخرین امام معصوم علیه السلام تاکنون ادامه یافته است و تا زمانی که خداوند اراده فرماید، استمرار خواهد داشت، مشکل‌ترین، رنج‌آورترین و پیچیده‌ترین دوران زندگی انسان‌هاست.

مرحله هشتم: دوران ظهور

دوران پر شکوه ظهور و حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام شکوه‌مندترین فصل تاریخ بشری، مورد انتظار همه پیامبران الهی و اولیا و صالحان بوده و آیات شریفه قرآن کریم دلالت بر آن دارند که اصل رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که خود حاصل رسالت صدها هزار پیامبر پیشین است، برای تحقق این دوران بوده است.^۱

۱. ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾؛ و خداست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا عاقبت آن را بر همه ادیان غلبه بخشد. توبه، آیه ۲۳؛ فتح، آیه ۲۸؛ صف، آیه ۹.

دوران حاکمیت توحید و عدالت در سراسر گیتی، دوران گسترش ایمان و تقوا به همه جای زمین و دوران بروز همه استعدادهای نهفته بشر در تحقق بخشیدن به مقام خلافت پروردگار که حکمت و علت خلقت آدم علیه السلام و بنی آدم شمرده شد.^۱

مرحله نهم: دوران رجعت

دورانی که با شهادت حضرت مهدی علیه السلام آغاز می‌گردد و با بازگشت امام حسین علیه السلام و پس از ایشان با بازگشت امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا ادامه می‌یابد. این که رجعت دقیقاً به چه کیفیتی است و آیا در مورد سایر ائمه معصوم علیهم السلام و یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز تحقق دارد یا خیر، و این که چند سال می‌کشد و وضعیت دنیا در طی رجعت چگونه است، ابهاماتی است که، در روایات اهل بیت علیهم السلام جواب‌های گوناگون و توضیحات متفاوتی برای آن‌ها می‌توان یافت.

مرحله دهم: پایان دنیا و برقراری قیامت

به شهادت قرآن کریم دوبار در صور دمیده می‌شود. با اولین دمیدن در صور همه موجودات زنده می‌میرند و دنیا به پایان می‌رسد، و با دومین دمیدن

۱. ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾؛ زمانی که، پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین خلیفه قرار می‌دهم. گفتند: آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی که در آن فساد کند و خون‌ریزی نماید؟ در حالی که ما خود تسبیح‌گوی و تقدیس‌کننده تو می‌باشیم! فرمود: من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. بقره، آیه ۳۰.

همه انسان‌ها زنده می‌شوند و قیامت آغاز می‌گردد.^۱

مقصود از بر شماری مراحل مختلف در عرصه تکامل بشری، مروری گذرا بر سیر رو به رشد انسان‌ها در دریافت هدایت‌های الهی بود، به این انگیزه که باب تحقیق درباره حکمت اختلاف این مراحل گشوده گردد و جایگاه عصر ظهور و تناسب آن با عصر پر مخاطره غیبت در کیفیت آماده گشتن بشر برای طی آخرین مرحله کمال انسانی به اجمال مورد توجه قرار گیرد.^۲

۱. «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»؛ و در صور دمیده می‌شود، پس همه کسانی که، در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند، سپس بار دیگر، در آن دمیده می‌شود پس به ناگاه همگی آنان به پای می‌خیزند و منتظر فرمان مالک آن روز می‌مانند، در آن روز، زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد. زمر، آیات ۶۸-۶۹.

۲. این مبحث که نقش مؤثری در درک شرایط حاضر و آماده گشتن برای درک دوران نورانی ظهور امام زمان علیه السلام دارد، به یاری خداوند طی تحقیقی مفصل به طور جداگانه عرضه خواهد شد.

حاکمیت توحیدی، حقوق توده‌ها

یکی از چشمگیرترین ارکان حکومت توحیدی -، که در قرآن و حدیث مورد تأکید قرار گرفته است، و وجه مشترک بسیاری از دستورهای دینی و حکومتی به شمار می‌رود، - رعایت حقوق توده مردم است. اصولاً اجرای کامل قوانین اجتماعی اسلام و تحقق حکومت عادلانه اسلامی، جز با رعایت کامل حقوق مردم جامعه میسر نیست. خداوند حرمت انسان مسلمان را بر همه حرمت‌ها برتری بخشیده و رعایت حقوق مسلمانان را در همه موارد آن، با رعایت اخلاص و توحید پیوند داده است.^۱

درباره رعایت حقوق بندگان خدا و سرزمین‌های او تقوا پیشه کنید. از آن رو که شما حتی درباره تکه زمین‌ها و حیوانات نیز مسئولیت دارید.^۲

۱. «فَضَّلَ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحَرَمِ كُلِّهَا، وَ شَدَّ بِالْإِخْلَاصِ وَ التَّوْحِيدِ حَقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَاقِدِهَا». نهج البلاغه، خ ۱۶۷.

۲. «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادَةِ وَبِلَادِهِ؛ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ». همان، خ ۱۶۷.

در یک جامعه اسلامی و جوب رعایت حقوق توده‌های مردم، یکی از مهم‌ترین حقوق و واجبات الهی شمرده می‌شود و این آمیختگی حقوق الهی با حقوق مردم، یکی از ویژگی‌های بارز دین اسلام به شمار می‌آید، که در میان تمام ادیان بیش‌ترین اهتمام را به پیوندهای اجتماعی و تشکیل حکومت عادلانه دارد.

قسمتی از حقوق الهی، حقوق اجتماعی متقابل است که رعایتش را بر هرکس در برابر کسان دیگر واجب فرموده است ... و بالاترین و ارزشمندترین آن حقوق، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است، که حقی واجب از ناحیه خداوند بر هر کدام از آنان است، و خداوند آن را موجب سازمان یافتن الفت و پیوند حکومت و مردم، و مایه عزت و سرافرازی دینشان قرار داده است.^۱

بخشی از حقوق خداوند بر بندگان آن است که هرکس در جامعه به میزانی که توان دارد در خیر خواهی دیگران بکوشد و برای برپایی حق در بین آنان (و ادای حقوق آنان) همیاری داشته باشد.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه مشهور خود به مالک اشتر، که سرشار از حکمت‌ها و آکنده از تعالیم زندگی ساز اجتماعی است، پس از بر شمردن

۱. «ثم جعل من حقوقه حقوقاً افترضها لبعض الناس على بعض ... و أعظم ما افترض سبحانه من تلك الحقوق، حقّ الوالي على الرعية و حق الرعية على الوالي، فريضة فرضها الله سبحانه لكلّ على كلّ، فجعلها نظاماً لألفتهم و عزّاً لدينهم». همان، خ ۲۱۶.
 ۲. «ولكن من واجب حقوق الله على عباده النصيحة بمبلغ جهدهم، و التعاون على إقامة الحقّ بينهم». همان.

طبقات مردم و سهمی که از ناحیه خداوند برای حقوق آنان مقرر گردیده، می‌فرماید:

... وَلِكُلِّ عَلَى الْوَالِي حَقٌّ بِقَدْرِ مَا يُصْلِحُهُ^۱؛

و همه این گروه‌های اجتماعی تا آنجا که امورشان سامان پذیرد، برگردن زمامدار جامعه، حق دارند.

در همین راستاست که حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور نورانی خویش، در همان مکه مکرمه عهدنامه‌ای را که بیانگر حقوق متقابل بین ایشان و یاران با وفایشان می‌باشد، به عنوان «منشور حکومت خویش» مقرر می‌فرمایند. در آن عهدنامه، که متضمن دو بُعد مهم: «تعهدات یاران» و «تعهدات امام علیه السلام» است، حضرت پس از بر شمردن وظایف متعدد یاران در زمینه‌های «فقهی»، «اخلاقی»، «اقتصادی» و «اجتماعی» به تعهدات خویش در برابر مردم اشاره می‌فرمایند که پنج محور اساسی دارد:

- همراهی با یاران؛

- قناعت به کم (همراهی و همدردی با مستضعف‌ترین مردم)؛

- تلاش در گسترش عدالت اجتماعی؛

- بندگی خدا (رعایت وظایف الهی در تأمین حقوق مردم)؛

- همزیستی با مردم.^۲

او که می‌آید آن‌چنان در برآوردن حقوق توده‌ها می‌کوشد که دیگر هیچ

۱. همان، نامه ۵۳ خطاب به مالک‌اشتر.

۲. منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

صاحب حقی نماند مگر آن‌که حق او به او بازگردانده شود.^۱

حکومت توحیدی امام زمان علیه السلام، حکومت مردمی است. حکومتی دلخواه مردم، در خدمت مردم و برای مردم است. حکومتی است که نیازمندی‌های مردم را در نظر می‌گیرد و با برنامه‌ای جامع و حساب شده، در رفع مشکلات مردم می‌کوشد:

پس از پایان دادن به فتنه سفیانی، رو به کوفه می‌نهد و محل استقرار خویش را در آن شهر قرار می‌دهد، هیچ بنده مسلمانانی را که به خدمت اغیار در آمده باشد و انمی‌نهد مگر این‌که او را می‌خرد و آزاد می‌سازد. هیچ مدیونی را ترک نمی‌کند مگر این‌که دیون او را می‌پردازد. هیچ بنده‌ای را در مبارزه‌ای نمی‌کشد، مگر این‌که خون بهایش را به خانواده مقتول می‌پردازد.

و هیچ یک از مردم کشته نمی‌شود، مگر این‌که اگر دینی بر عهده دارد می‌پردازد و خانواده‌اش را تحت پوشش عنایت و عطای خود قرار می‌دهد.^۲

۱. «وَرُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَىٰ أَهْلِهِ». شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
 ۲. «ثُمَّ يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا، فَلَا يَتْرُكُ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَأَعْتَقَهُ، وَلَا غَارِمًا إِلَّا قَضَىٰ دَيْنَهُ، وَلَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا، وَلَا يَقْتُلُ مِنْهُمْ عَبْدًا إِلَّا أَدَّىٰ عَنْهُ دِيَّةً مُسَلِّمَةً إِلَىٰ أَهْلِهَا، وَلَا يَقْتُلُ قَتِيلًا إِلَّا قَضَىٰ عَنْهُ دَيْنَهُ وَالْحَقَّ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ». تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵؛ المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، ص ۲۵.

خدا محورى در همه ابعاد

روح انقلاب جهانى حضرت مهدي عليه السلام «خدا محورى» است هم چنان كه روح همه اديان آسمانى و به ويژه اسلام ناب «توحيد» است. آن چه زمين و زمان و همه هستى را در دوران ظهور آخرين حجّت پروردگار درخشندي مى بخشد، نور خداست. در اين مجال مختصر، به چندين محور از اين اساسى ترين اصل دوران ظهور مى پردازيم:

امام زمان عليه السلام و تجليات خداوند

امام زمان عليه السلام حجّت خدا، وليّ خدا در زمين، خليفه خدا در ميان بندگان اوست.^۱

آن زمان كه بايد تمام زمين را به نور پروردگارش روشن مى سازد.^۲

۱. «سلام الله على حجّة الله و وليّه في أرضه و بلاده، و خليفته على خلقه». مفاتيح الجنان

به نقل از: كلم الطيب، استغاثه به امام زمان عليه السلام.

۲. ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾. زمر، آيه ۶۹.

همه زمینیان را به سوی خدا دعوت می‌کند و ایمان به خدا را در همه دل‌ها می‌نشانند.

او دروازه شهر خداست.^۱ او ذخیره باقی خدا در زمین است، او پیمان مستحکم خداست، او وعده تخلف‌ناپذیر خداست^۲، او حافظ اسرار خداست،^۳ او راه روشن خداست،^۴ او نور خاموشی‌ناپذیر خداست،^۵ او نمای خدا، نماینده خدا، وجه خداست،^۶ او یک‌پارچه فانی در خداست، سکوتش، قیامش، دعوتش، جهادش و حکومتش همه برای خداست.

نام و یاد خدا در بدایت ظهور

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَخَالَهَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ؛^۷

به یقین ظهور امام زمان عجل الله فرجه به وقوع خواهد پیوست؛ امامی که به نام خدا و به برکت‌های خدا قیام خواهد نمود.

او ظهورش را از مکه آغاز می‌کند، که محل نزول وحی الهی است. از کنار

۱. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ». مفاتيح الجنان، زیارت آل یس.

۲. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمَّنَهُ». همان.

۳. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». همان، زیارت امام زمان عجل الله فرجه.

۴. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مِنْ سَلَكِ غَيْرِهِ هَلَكٌ». همان.

۵. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ». همان.

۶. «أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ». همان، دعای ندبه.

۷. بخشی از شعر دعبل خزاعی در نزد امام رضا عجل الله فرجه که آن حضرت با شنیدن آن به سختی گریستند و برای دعبل دعا فرمودند.

کعبه ظاهر می‌گردد که خانه خداوند است. پس از نماز عشا دعوت خود را ابراز می‌کند که قیامش را با استعانت از نماز^۱ - که معراج مؤمنان به سوی خداست^۲ - آغاز کرده باشد. دعوت خود را با به یاد انداختن خدا در دل و جان انسان‌ها شروع می‌نماید.^۳

پرچم الهی

پرچم هر قیام، نشان‌دهنده چهره آن قیام است. پرچم، ترجمان اهداف و آرمان‌ها، بیانگر اسرار و حکمت‌ها، تبیین‌کننده سمت و سوی قیام به شمار می‌رود.

آن زمان که حضرت مهدی علیه السلام پرچم قیام خود را در کنار رکن و مقام بر می‌افرازد، نوشته آن همگان را به بیعت با خدا فرا می‌خواند «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»^۴ بیعت تنها از آن خداست. اگر کسی به یاری صاحب این پرچم بر می‌خیزد، و در کشاکش جنگ و پیکار، دست از همراهی او بر نمی‌دارد، و از نثار مال و جانش دریغ نمی‌ورزد، در حقیقت با خدا معامله کرده، دست بیعت به سوی خدا دراز نموده، و با خدا پیمان یاری بسته است.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». بقره، آیه ۱۵۳.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «الصلاة معراج المؤمن». بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۰۳.

۳. «يُظْهِرُ الْمَهْدِيَّ عِنْدَ الْعِشَاءِ ... فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: أَذْكَرُكُمْ لِلَّهِ».

الملاحم والفتن، باب ۱۲۹.

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «رَايَةَ الْمَهْدِيِّ عليه السلام فِيهَا مَكْتُوبٌ: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ». ينابيع المودة، ص ۴۳۵.

پیمان الهی

بیعت با امام زمان علیه السلام که همان بیعت با خداست، پس از سخنان شورانگیز آن بزرگوار در کنار خانه کعبه صورت می‌گیرد. او در همان آغاز، یک یک بندهای عهدنامه خویش را بر می‌شمارد و با یکایک یاران خود بر رعایت آن‌ها پیمان می‌بندد.

خدایی اندیشیدن و خدایی عمل کردن در پیمان اولیة امام علیه السلام مورد تأکید قرار می‌گیرد، آن‌جا که در عهدنامه آمده است:

یاران از انواع معصیت‌ها بپرهیزند و در راه خدا کوشش کنند و او خود نیز تنها خدا را بندگی کند.^۱

یاری‌های خدا

وقتی که در ظهور حضرت مهدی علیه السلام هر جلوه‌ای جز جلوه ایمان و عشق و فداکاری در راه خدا رنگ می‌بازد، وقتی که در همه زوایای قیام آن حضرت، نصرت و یاری خدا جلوه‌گر است، به یقین، یاری‌های خدا بی‌دریغ همه قیام‌کنندگان را فرا می‌گیرد:

جهان را از خاور و باختر به تسخیرشان در آورم، بادها را مسخرشان گردانم، ایشان را با لشکریانم یاری کنم، و به وسیله همه فرشتگانم مدد نمایم، تا این‌که دولت حق مرا بر پا سازند.^۲

۱. منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

۲. المهدی - حدیث قدسی -، ص ۲۳۷.

گرفتن حق خدا

مهدی علیه السلام و یارانش با استمداد از عنایت و یاری حق. همه حقوق پایمال شده خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را از دشمنان دین و ولایت باز می گیرند و آنان را که حق خدا و خاندان وحی را نادیده گرفتند، به هلاکت و عقوبت سخت گرفتار می سازند.

مهدی قائم علیه السلام هموست که حق خدا را باز پس می گیرد و نیز هر حقی را که ما اهل بیت علیهم السلام داریم.^۱

اجرای حدود الهی

اجرای تنها یکی از حدود اسلام، بنا به تصریح روایات شریفه، - خیر و برکتی افزون تر از چهل شبانه روز باریدن باران دارد.^۲
در جامعه‌ای که حدود الهی به فراموشی سپرده شد، خیر و برکت از آن جامعه رخت می بندد، عزت و کرامت مردم به خطر می افتد و سلامت و سعادت مردم تهدید می شود.

امام زمان علیه السلام در همان اولین گام‌های حرکت نورانی خویش، حدود تعطیل شده الهی را احیا می کند و با راهکارهایی که خود بهتر از هر کس می شناسد، جامعه را برای اجرای حدود و احکام الهی آماده می سازد.^۳

۱. «القائم المهدي عليه السلام الذي يأخذ بحق الله و بكل حق مؤلنا أهل البيت». منتخب الأثر، ص ۱۶۵، ح ۷۲.

۲. «إقامة حد خير من نزول المطر أربعين صباحاً». کافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

۳. «و يقام حدود الله في خلقه». بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

خدا، تنها معبود

امام زمان علیه السلام از همان آغاز حرکت، بت‌شکنی و طاغوت‌زدایی را سرلوحه حرکت و قیام خویش قرار می‌دهد، و هر کجا به بتی بر می‌خورد، بی‌هیچ درنگی آتش در آن می‌افکند و کاری می‌کند که در همه جای زمین، تنها معبود حقیقی مردم، خدای تعالی باشد.^۱

نافرمانی خدا، هرگز!

آن زمان که اندیشه‌ها تکامل یابند، خرده‌ها بارور شوند، ایمان‌ها اوج گیرند و مهر خدا همه جان‌ها را آکنده سازد، دیگر چه جایی برای نافرمانی خدا می‌ماند؟ اندیشه و عقل و ایمان و محبت، دست‌مایه اصلی در اطاعت محض خدا و سرسپردگی مطلق به اوست.^۲

جلوه کامل نور خدا

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

خداوند نور خود را با ولایت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله کامل می‌نماید.^۳
نور خدا همان نوری است که طی قرون متمادی پس از رحلت

۱. «فلا يبقى في الأرض معبودٌ دونَ الله عزَّوجلَّ من صنمٍ (ووثنٍ) و غيره إلا وقعت فيه النارُ فاحترقت». همان، ص ۱۹۱؛ معجم احادیث المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۷۵.
۲. قال الإمام الصادق علیه السلام: «ولا يُعصى الله في أرضه». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.
۳. کافی، ج ۱، ص ۴۳۲.

پيامبر اکرم ﷺ و به ویژه زمان غيبت حضرت مهدى ﷺ دشمنان دين خدا و کفر پيشگان و نفاق ورزان را به حساسيت کشانده و آنان را با همه ابزارهاى ممکن به خاموش کردن آن تشويق نموده است.

اما اين وعده خداست که فرمود: خداوند نور خود را کامل مى کند، اگرچه کافران را ناخوشايند باشد.^۱

قرآن نور است، حضرت مهدى ﷺ خود نور است، و قيام نورانى او تکميل کننده نور است.

ابعاد خدا محورى

در فرمايشى که از بيان شريف امام صادق ﷺ در دعا براى امام زمان ﷺ نقل شده است، ابعاد مختلف خدا محورى او و قيام و پيامش، مورد تاکيد قرار گرفته است. با دقت در تعابير نورانى اين دعا که تنها بخشى کوچک از دعاهاى فراوان معصومين ﷺ براى حضرت مهدى ﷺ است، مى توان دريافت که چگونه آن بزرگواران نيز سعى در برجسته نمودن اين اصلى ترين چهره انقلاب جهانى امام زمان ﷺ داشته اند:

۱. ولايت الهى «وأنجز لوليتك»؛

۲. دعوت کنندگى به سوى خدا «الداعي إليك»؛

۳. دعوت و حرکت بااذن و اجازه خداوند «الداعي إليك بإذنك»؛

۴. امام زمان، امين خدا «وأمينك»؛

۱. «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». صف، آيه ۸.

۵. مردم، خلق خدا، بنده خدا «فی خلقک، فی عبادک»؛
۶. نگهبانی از مرزهای دین خدا «و عینک فی خلقک»؛
۷. حجت خدا بر خلق خدا «و حجّتک علی خلقک»؛
۸. داشتن شایستگی صلوات و برکات خدا «علیه صلواتک و برکاتک»؛
۹. قیام با تأییدات غیبی «و أنجز ... و عده، اللهم أیده بنصرک»؛
۱۰. قیام تنها با یاری خدا «و انصر عبدک»؛
۱۱. توان بخشی یاران خدا «و قوّ أصحابک»؛
۱۲. صبر پیشگی در راه خدا «و صبرهم، و افتح لهم من لدنک سلطاناً نصیراً»؛
۱۳. مبارزه با دشمنان خدا «و أمکنه من أعدائک».^۱

۱. منتخب‌الأثر، پاورقی ص ۴۹۴ به نقل از: ابن طاووس، فلاح السائل.

قانون مداری در جامعه توحیدی عصر ظهور

استقرار و استمرار نظام توحیدی در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام جز بر پایه قانون و رعایت همگانی آن تحقق نمی یابد. قانون مداری در همه ابعاد اجتماعی عصر ظهور، اصلی ترین رکنی است که گسترش عدالت در همه جای زمین را تضمین می کند.

تجدید حیات حکم خدا و حدود الهی

قرآن کتاب قانون است، کتاب حکم و قضاوت و آیین نامه حکومت توحیدی است. خداوند فرمود:

ای پیامبر صلی الله علیه و آله! ما قرآن را به حقیقت بر تو نازل کردیم تا با آن چه خدا به تو می نمایاند، در میان مردم داوری و قضاوت نمایی.^۱

با آن چه خدا نازل فرموده است، بین مردم حکم نما و هرگز از خواسته های آنان پیروی منما و از این که مبدا اغیار تو را با فتنه انگیزی

۱. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ﴾. نساء، آیه ۱۰۵.

از برخی احکام نازل شده الهی روی‌گردان نمایند، بر حذر باش.^۱
 آن زمان که پیامبر اکرم ﷺ عهده‌دار حاکمیت بر مسلمانان بود، قرآن
 قانون اساسی حکومت او بود.

و زمانی که سلاله پاک او حضرت مهدی علیه السلام بیاید، باز هم قرآن،
 اصلی‌ترین و اساسی‌ترین کتاب قانون جامعه و حکومت عادلانه او خواهد
 بود. او که می‌آید قرآن را دوباره در جامعه جان می‌بخشد، آن را به متن جامعه
 باز می‌گرداند و حدود الهی آن را دیگر باره زنده می‌سازد.

أَيْنَ الْمُؤْمَلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ؛^۲

کجاست مورد آرزو برای زنده ساختن قرآن و احکام آن؟
 کجاست موعودی که امید همگان برای احیای مجدد قرآن و حدود
 الهی آن به اوست؟

اقتدار دین، اقتدار قانون

دین مورد رضای خداوند، دین همراه با ولایت است؛^۳ دین همراه با ولایت،
 دین اداره‌کننده جامعه است؛ و دین اداره‌کننده جامعه، تبیین‌کننده اساسنامه و

۱. ﴿وَأَنَّ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَآخِذْهُمْ أَنْ يَفْتُوكَ عَنْ بَعْضِ
 مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾. مائده، آیه ۴۹.

۲. مفاتیح الجنان، بخشی از دعای شریف ندبه.

۳. ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾؛ امروز
 (با نصب علی علیه السلام در منصب وصایت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله) دینتان را برایتان کامل
 نمودم و نعمت هدایت‌م را تمام ساختم و اسلام را به عنوان آیین زندگی شما مورد
 رضایت خویش قرار دادم. مائده، آیه ۳.

مراعات حکومت است. آن‌جا که دین خدا مستقر و پابرجاست، همه شئون حکومت از زاویه نگاه شریعت تبیین می‌شوند. آن‌جا که دین ولایی، مقتدرانه در جامعه حاکم باشد، قانون الهی با اقتدار در صحنه اجتماع پیاده می‌شود. خداوند در توصیف عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

﴿... وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...﴾^۱

... و دینی را که مورد رضای اوست، در جامعه استقرار و اقتدار می‌بخشد....

حضرت مهدی علیه السلام که می‌آید، جز بر اساس دین حکم نمی‌کند، و حکومتش را جز بر پایه قانون خدا شکل نمی‌بخشد.

ذلت و خواری قانون‌شکنان

آن زمان که قانون در جامعه اقتدار می‌یابد، اساس عزت و اعتبار شهروندان آن جامعه، رعایت قانون است. در چنین جامعه‌ای آنان که به قانون احترام می‌نهند، و در نهان و آشکار، قانون را پاس می‌دارند، گرامی و محترم، و آنان که تعدی‌گران به حقوق دیگران و تجاوزکنندگان از حدود قانونند، ذلیل و بی‌حرمتند.

وقتی جامعه توحیدی امام زمان علیه السلام شکل می‌گیرد، اراده و خواست خدا تعیین‌کننده مسیر انسان‌ها خواهد بود؛ خدایی که تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.^۲ و چنین است که امام زمان علیه السلام به عنوان رهبر جامعه، موظف به

۱. نور، آیه ۵۵.

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾. مائده، آیه ۸۷.

برخورد قاطع با قانون‌شکنان است، به گونه‌ای که شوکت آنان را درهم شکند و ذلت و خواری را نصیبشان سازد.

أَيْنَ قَاصِمٍ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ؟^۱

کجاست آن حاکم قدرتمندی که شوکت و عزت تجاوزگران و قانون‌شکنان را درهم می‌شکند؟

نابودی سرکشان

کجاست نابودکنندهٔ جباران و سرکشان؟^۲ کجاست آن قهرمان شکست‌ناپذیری که انسان‌های جبار و استکبار پیشه و طغیان‌کنندگان علیه حاکمیت توحید را از بین می‌برد؟ بی‌شک اگر در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، در نابودی سرکشان علیه قانون و طاغیان علیه حکومت، تردیدی روا داشته شود، پایه‌های حکومت متزلزل خواهد گشت، و توطئه‌های پنهان و پیدای آنان، آرامش و استقرار را از جامعه خواهد گرفت.

ریشه‌کن شدن عنادورزان

عنادورزی در برابر حکومت، بی‌حرمتی به قانون را سبب می‌شود، و بی‌حرمتی به قانون، اقتدار قانون را متزلزل می‌سازد، و تزلزل قانون، حکومت را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد.

و از این روست که می‌بینیم حضرت مهدی علیه السلام در دعای ندبه به عنوان

۱. مفاتیح الجنان، بخشی از دعای شریف ندبه.

۲. «أَيْنَ مُبِيدِ الْعَتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ». همان.

ریشه کن کننده اهل عناد و گمراهی و انحراف یاد می شود و مورد جست و جو قرار می گیرد.^۱

خون خواهی

آنان که به ناحق کشته می شوند، افرادی که به جرم حقیقت خواهی مورد ظلم و شکنجه و قتل واقع می شوند، به یقین در دولت حضرت مهدی علیه السلام خونشان پایمال نمی شود. او منتقم خون همه مظلومان تاریخ است. او انتقام گیرنده خون به ناحق ریخته پیامبران علیهم السلام و امامان علیهم السلام و فرزندان آنان است.^۲ او خواهان خون شهیدان کربلاست.^۳

از آن رو که قیام و حکومت خود را ثمره تلاش های آنان می داند و پایه های نظام عادلانه اسلامی را بنا شده بر خون های مطهر آنان می شمارد. خون خواهی خون های به ناحق ریخته شده، به ویژه خون آنان که در جهت استقرار حکومت الهی کوشیدند، در دوران حضرت مهدی علیه السلام تکلیفی شرعی و قانونی و ضرورتی حکومتی حساب می شود، زیرا آنان که بدون موفقیت در برقراری حکومت اسلامی به شهادت رسیدند بخشی از پاداش نیکویشان همین وراثت و حکومت صالحان در زمین است،^۴ و انتقام از

۱. «أین مستأصل أهل العناد والتضلیل و الإلحاد؟». همان.

۲. «أین الطالب بذحول الأنبياء و أبناء الأنبياء؟ أین الطالب بدم المقتول بکربلاء». همان.

۳. همان.

۴. «فَقُتِلَ مَنْ قَتِلَ وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَأَقْصِيَ وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يَرْجَى لَهُ حَسَنَ الْمَثُوبَةِ؛

إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». همان.

قاتلان‌شان نوعی قدرشناسی از آنان به حساب می‌آید.

دادخواهی مظلومان

از ویژگی‌های دوران حضرت مهدی علیه السلام آن است که عدالت در جامعه ظهور و غلبه پیدا می‌کند، راه‌ها و جاده‌ها امنیت کامل می‌یابند، و مظلوم داد خویش را از هر کس که به او ستم نموده است، می‌ستاند.^۱

قانون حق، آن است که بتواند جلو ظالمان را بگیرد و زمینه را برای دادخواهی مظلومان هموار سازد. اگر در جامعه‌ای - حتی اگر نام اسلامی بر خود نهند - ظالمان و ستمگران امنیت داشته باشند، و مظلومان و ستمدیدگان توان شوریدن بر آنان و گرفتن حق خویش را نداشته باشند، خداوند آن جامعه را به عذاب و فنا تهدید می‌فرماید.

اجرای قانون در هر شرایط

قانون‌مداری در حکومت عدل مهدوی در حدی است که تحت هیچ شرایطی اجرای قانون تعطیل بردار نیست و در سخت‌ترین و پیچیده‌ترین اوضاع نیز حاکمیت قانون حفظ می‌شود.

حضرت مهدی علیه السلام که بیاید، ستم ستمگران را به خودشان بر می‌گرداند و حقوق ستمدیدگان را به هر قیمتی که باشد، از ستم پیشگان می‌گیرد و به صاحبان حق باز پس می‌دهد.

۱. امام صادق علیه السلام: «سُبْحَانَ اللَّهِ، أَمَا تَحِبُّ أَنْ يَظْهَرَ الْعَدْلُ وَ يَأْمَنَ السُّبُلُ وَ يُنْصَفَ الْمَظْلُومُ». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۴.

او مظلوم عباد را می‌پردازد، تا آن‌جا که اگر - از باب مثال -، مالی

زیر دندان ظالمی باشد، آن را می‌کند تا به صاحبش برگرداند.^۱

تا سخت‌گیری در اجرای قانون نباشد و تا قانون‌شکنان و ا همه از شکستن قانون نداشته باشند، جامعه قانونمند نمی‌شود. تا بر متجاوزان به حقوق دیگران، با صلابت و قدرت برخورد نشود و تا حق مظلومان با قاطعیت و شدت از آنان باز ستانده نشود، جامعه امنیت نمی‌یابد. دولت مهدی علیه السلام که دولت عدالت پایدار است نه در طرفداری از مظلومان و ضعیفان جامعه، به شعار بسنده می‌کند و نه در ستیزه با ظالمان و زورمداران با تعارف و مدارا برخورد می‌کند.

اجرای قانون برای همه

همه آحاد جامعه در برابر قانون مساوی‌اند. این اصلی پذیرفته شده است. در هر کجای تاریخ و در هر گوشه دنیا آنان که داعیه حکومت داشته‌اند، ادعای رعایت برابری همگان در برابر قانون را نیز داشته‌اند، حتی آنان که به تبعیض در اجرای قانون رو می‌کنند، باز هم در شعارهایشان برابری همه افراد جامعه در جواب‌گویی به مسئولیت‌های قانونی را مورد تأکید قرار می‌دهند، تا چه رسد به رهبر و پیشوایی که داعیه حکومت اسلامی داشته باشد. بدیهی است که امامی معصوم هم چون حضرت مهدی علیه السلام، که خود تجلی قانون و نماد

۱. «يَنْلُغُ مِنْ رَدِّ الْمَهْدِيِّ عليه السلام الْمَظَالِمَ حَتَّى لَوْ كَانَ تَحْتَ ضَرْسِ إِنْسَانٍ شَيْءٌ أَنْتَزَعَهُ حَتَّى يَرُدَّهُ». مهدی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۵۲۱.

حقیقی قانون‌مداری است، زمانی که پرچم حکومت جهانی توحید و عدل را بر می‌افرازد، هر کس را در هر کجای مملکت اسلام و در هر پست و مقام و موقعیتی که باشد و هر اندیشه و مرامی که داشته باشد مجبور به اطاعت از قانون می‌کند و قانون عدالت را درباره همگان یکسان می‌شمارد. چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمودند:

مهدی ما ... در میان همه آفریدگان خدا عدالت را اجرا می‌کند، چه انسان‌هایی نیکو کار باشند و چه افرادی بدکار.^۱

مسئولیت کارگزاران حکومت در برابر قانون

حضرت مهدی علیه السلام از همان ابتدای ظهور، زمانی که یاران اولیه، که سرداران سپاه و کارگزاران نظام توحیدی او هستند، گرداگرد او را در مسجدالحرام فرا گرفته‌اند، در عهدنامه خویش آنان را به رعایت قانون فرامی‌خواند. اگر قرار است در جامعه پس از ظهور، عدالت و قانون حاکم باشد، خود این پیش‌گامان بیش‌تر و بیش‌تر از هر کس، موظف به رعایت قانون می‌باشند.

این‌که خونی را به ناحق نریزند، زنا نکنند، سرقت نکنند، احتکار نکنند، مال یتیم نخورند، به منزلی هجوم نبرند، حریمی را هتک نکنند، کسی را جز به اجرای حدود نزنند، مسیری را ناامن نکنند و ...^۲

۱. «... يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ، الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ». بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

۲. منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

قانون مداری در جامعه توحیدی عصر ظهور □ ۹۳

پیمان بستن با امام زمان علیه السلام برای رعایت این احکام، در اولین ساعات ظهور، حکایت از عزم استوار آنان بر استقرار قانون و گردن‌گذاری به حکم قانون است.

علی علیه السلام که خود بیش‌ترین دغدغه را برای بازخواست کارگزاران خاطی حکومت داشت، در توصیف امام زمان علیه السلام بر همین ویژگی تأکید می‌ورزد: آگاه باشید در فردایی که به زودی با دستاوردهایی ناشناخته فراخواهد رسید، والی و حاکمی - متفاوت با دیگر والیان و حاکمان - کارگزاران دولت خود را درمورد عملکردهای بد و نادرستشان مورد بازخواست قرار خواهد داد.^۱

قاطعیت و عدم مسامحه

تردید در تطبیق حکم خدا و تزلزل در اجرای حدود الهی، بزرگ‌ترین آفت برای اقتدار قانون در جامعه است.

اگر سازشکاری در تطبیق یا اجرای قانون راه پیدا کرد، قدرتمندان اقتصادی مجال را برای فرار از قانون گسترده خواهند یافت. اگر احساس ضعف و زبونی در صادرکنندگان یا اجراکنندگان احکام قانونی ایجاد گشت، زورمداران در بی‌اعتنایی به قانون جرأت پیدا خواهند کرد. اگر هواپرستی و دنیاخواهی و طمع‌ورزی دل و دین حاکمان، قاضیان، کارگزاران دولت،

۱. «أَلَا وَفِي غَدِّ - وَسِيَّاتِي غَدُّ بِمَالَا تَعْرِفُونَ - يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَّالَهَا عَلِيٌّ مَسَاوِي أَعْمَالِهَا». نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

مجریان و پاسداران قانون را تحت تأثیر قرار داد، بی‌ثباتی قانون و بی‌بهایبی احکام قطعی خواهد بود.

از این روست که حضرت علی علیه السلام در جمله‌ای شگفت و کوتاه، سازش‌ناپذیری، ذلت‌ناپذیری، و نفی طمع‌ورزی را شرط اقامه حکم الهی و اجرای فرمان خدا می‌شمارد:

لا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ، وَلَا يُضَارِعُ، وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ؛^۱

تنها کسانی می‌توانند امر خدا را به پای دارند که سازشکار نباشند، به روش اهل باطل عمل نکنند (یا ذلت ترس از قانون‌ستیزان را نپذیرند) و پیرو طمع‌های خود و دیگران نباشند.

قاطعیت امام زمان علیه السلام در برخورد با متخلفان و قانون‌شکنان در حدی است که دیگر راه توبه و اظهار ندامت را می‌بندد. از خائنان عذر، و از منافقان پشیمانی و توبه را نمی‌پذیرد. در دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام حریم قانون آن قدر مقدس است که همان شکستن حرمت قانون کافی است تا مجازات و مکافات در حق متخلفان عملی گردد، اگر چه امید به پشیمانی آنان نیز وجود داشته باشد.

ترس از قانون‌شکنی

اجرای قاطعانه قانون، در مورد هرکس که در هر کجای زمین، حرمت قانون را نادیده گرفته، یا به حقوق دیگران تجاوز نموده است، چنان بیم و

۱. همان: کلمات قصار، شماره ۱۱۰.

خوفی در دل قانون‌گريزان ايجاد مي‌کند که حتی از سایه‌هايشان مي‌ترسند. شگردهای ویژه حضرت مهدي عليه السلام در کیفیت مجازات متخلفان نیز نقش مهمی در ايجاد رعب و وحشت در دل آنان دارد.

بی‌ترديد نقش رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی پیشرفته ارتباطات و تبلیغات نیز در انعکاس خبرهای مربوط به اجرای قاطعانه قانون، و ايجاد ترس و هراس در بین کسانی که سر سازگاری با قوانین دولت حضرت مهدي عليه السلام را ندارند، نقشی انکارناپذیر است.

در حدیثی از امام صادق عليه السلام تصویری گویا از کیفیت برخورد امام زمان عليه السلام با یکی از چهره‌های سرشناس طاغی و یاغی علیه حکومت نقل گردیده که از چند جهت قابل تأمل است:

هنگامی که آن مرد در نقطه‌ای مسلط بر سر مبارک حضرت مهدي عليه السلام ایستاده و به امر و نهی پرداخته است، ناگهان حضرت با اشاره‌ای، یارانش را به زدن گردن او فرمان می‌دهد. پس - با مشاهده چنین منظره‌ای - دیگر هیچ‌کس در شرق و غرب عالم نمی‌ماند، مگر این‌که از او هراسان می‌شود.^۱

اولاً، دیدار چهره‌ای مخالف با امام زمان عليه السلام بی‌مقدمه چینی و بدون پردازشی حساب شده صورت نمی‌گیرد. این‌که امام زمان عليه السلام چهره به چهره با انسانی معاند و مفسد و واجب‌القتل روبه‌رو می‌شوند؛ بر طبق نقشه‌ای از

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۴۰.

پیش تعیین شده است، که مراحل بعدی ذکر شده در حدیث شریف، این نقشه را روشن‌تر می‌سازد.

ثانیاً، کیفیت قرار گرفتن آن مرد و تسلطی که در جهت آسیب‌رسانی به امام زمان علیه السلام داشته، و نیز فضای ایجاد شده برای او، که بتواند حاکم مطلق دورانش را مورد عتاب و امر و نهی قرار دهد، زاویه دیگری است که نشان می‌دهد صحنه حادثه با دقت طرح‌ریزی شده است.

ثالثاً، حضور یاران امام زمان علیه السلام به صورت پنهان در چند قدمی امام زمان علیه السلام به گونه‌ای که تنها با یک اشاره حضرت فرمان قتل مرد را دریافت کرده و به اجرا گذارند، بر دقت برنامه طراحی شده دلالت دارد.

رابعاً، انعکاس صحنه کشته شدن مرد یاغی به همه مردم، به گونه‌ای که در فرمایش امام صادق علیه السلام هراسان گشتن مردم در شرق و غرب عالم را به همراه داشته باشد، بدون بهره‌گیری از رسانه‌های مدرن امکان ندارد.

خامساً، جمع بین روایاتی که چهره‌های عطف و مهرآمیز از امام زمان علیه السلام تصویر می‌کنند و بر رحمت عام و شفقت پدرا نه آن بزرگوار تأکید دارند، با چنین روایتی، به این است که دیدن یا شنیدن چنین صحنه‌ای توسط مردم عادی به ویژه کسانی که حضرت را به عنوان رهبر حکیم کل جامعه بشری در آن دوران، به مهربانی و دوستی می‌شناسند، پیامی جز سخت‌گیری در اجرای قانون و ایجاد رعب و هراس در قانون‌ستیزان ندارد. پیامی که نتیجه‌اش محبت به توده مردم و احترام به حقوق آنان است. و این همان حکمتی است

که در بریدن دست دزدان در ملاء عام و سنگسار کردن زانیان و اعدام مفسدان و فتنه انگیزان در پیش چشم مردم مورد نظر است.

اما این که هیچ کس در شرق و غرب عالم نمی ماند مگر این که از او هراسان گردد، منظور همه کسانی هستند که هم مرام و هم گام با آن یاغی در صدد قانون شکنی و ضربه زدن به نظام توحیدی یا توطئه برای براندازی حکومت اسلامی در عصر ظهور بر آمده اند.

حقیقت حق مداری

حضرت مهدی علیه السلام به جهت گستره جهانی حکومت و پیچیدگی های چشم گیر اداره مردم دنیا، و آشنایی قابل ملاحظه عموم مردم به قوانین و راه های فرار از قانون، روشی ویژه در دادرسی و اثبات جرم مجرمان و متخلفان پیش می گیرد که قطعاً با اجازه و اراده خدای تبارک و تعالی و به عنایتی ویژه از جانب او تحقق می یابد؛ و آن بهره گیری از روش قضاوت و حکومت دو پیامبر بزرگ خدا، حضرت داوود و حضرت سلیمان علیهم السلام است که با تکیه بر فهم و دانش خود به ابعاد عناد و محاربه اشخاص و میزان تخلف و قانون شکنی آنان قضاوت و اجرای حکم می کردند. حضرت مهدی علیه السلام با بهره گیری از این فیض الهی دیگر به قوانین جزایی متداول تا آن دوران محدود نمی شود و برای اثبات جرم، محتاج بینه و شاهد نیست.^۱

۱. امام صادق علیه السلام: «یحکم بَینَ النَّاسِ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ علیهم السلام، لَا يَبْتَغِي بَيِّنَةً؛

حقیقت را می‌بیند، میزان واقعی عناد ورزی یا قانون ستیزی شخص یا گروه را بر اساس حقیقت و واقعیت می‌سنجد، تناسب قطعی حکم و جرم را در نظر می‌گیرد و قاطعانه حکم را صادر می‌کند و به موضع اجرا می‌گذارد.

تأثیر ناپذیری از مخالف‌خوانی‌ها در اجرای قانون

خدای تبارک و تعالی امت نمونه و مورد نظر خود را در قرآن، به استواری و عدم ترس از سرزنش ملامت‌کنندگان می‌ستاید.^۱

در حدیثی از امام صادق علیه السلام، در ذیل همین کلام الهی در سوره شریف مائده، امت نمونه مذکور به حضرت مهدی علیه السلام و یاران استوار او تأویل گردیده است.^۲

علاوه بر این در روایتی از امام باقر علیه السلام، به طور خاص، خود امام زمان علیه السلام به این ویژگی توصیف گشته است:

يقوم القائم عليه السلام ... ولا تأخذه في الله لومة لائم؛^۳

قائم آل محمد صلوات الله وسلامته عليه قیام می‌کند ... (در حالی که در اجرای حکم خدا) سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای در او تأثیر نمی‌گذارد.

→ مهدی علیه السلام به روش قضاوت خاندان داوود و سلیمان علیهم السلام در بین مردم قضاوت می‌فرماید به گونه‌ای که بینه و شاهد نمی‌طلبند. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۱. ﴿... ولا يخافون لومة لائم﴾. مائده، آیه ۵۴.

۲. المحجة فيما نزل في القائم الحجة، ص ۶۴.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۳۳.

این توصیف و تأکید بدان جهت است که مسلم گردد اگر چه در دوران ظهور نیز مثل همه زمان‌ها، کسانی هستند که به حضرت مهدی علیه السلام و یارانش در عدم ملاحظه، مقام و موقعیت متخلفان، و عدم مسامحه در اجرای حکم، و عدم اعتنا به رضایت یا کراهت مردم، اعتراض می‌کنند و زبان به ملامت می‌کشایند، اما ثبات موضع امام علیه السلام و یارانش بر قانون‌مداری و ضابطه‌مندی هم‌چنان خلل‌ناپذیر می‌ماند و اساس استقرار و استمرار حکومت به شمار می‌آید.

برچیده شدن بساط قانون‌گریزی^۱

همه آن‌چه در بندهای پیشین ذکر شد، زمینه ساز «قانون‌محوری» در جامعه تلقی می‌شود، به گونه‌ای که دیگر «عدول از قانون» و «سرپیچی از مقررات» در جامعه اسلامی عصر حضرت مهدی علیه السلام جای خود را به «حمایت از قانون» و «سرسپاری به ضوابط و مقررات» جامعه نخواهد داد.

زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام می‌فرماید، از همان ابتدا به تثبیت حکومت عدل می‌پردازد و طی مراحل، به تدریج جامعه را از هرگونه جور و

۱. برای این ویژگی دوران ظهور، تعبیر «ارتفاع جور» در کلام معصومین علیهم السلام به کار رفته است، که «ارتفاع» به معنای رفع شدن و از بین رفتن است و «جور» به معنای «عدول از حق» است که روی‌گردانی از حق و حق‌گریزی و نیز روی‌گردانی از قانون و قانون‌گریزی معنا می‌دهد، از آن‌رو که «جائر» کسی است که، از ملتزم شدن به قوانین شرع مقدس امتناع یا منع می‌کند (با بهره‌گیری از مفردات راغب).

تعدی و عدول از قانون می‌پیراید و پاسداری همگانی از قانون را در همه
جامعه بشری نهادینه می‌سازد.

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ؛^۱

آن زمان که قائم آل محمد سَلَّمَ قیام نماید، به عدالت حکم کند، و در

روزگار و قانون‌ستیزی از بین خواهد رفت.

اقتصاد اسلامی در دولت کریمه

ترسیم ابعاد مختلف اقتصاد اسلامی در دوران پس از ظهور، به همان اندازه که شوق آفرین و مسرت بخش است، مسئولیت آفرین و تکلیف آور است. چهره اقتصادی دولت کریمه امام زمان علیه السلام، اگر چه به مدد معجزات و عنایات ویژه پروردگار، در زیباترین شکل ممکن ترسیم گردیده است، لکن بسیاری از پیش زمینه‌ها و تعداد زیادی از عوامل آن، در همین دوران غیبت نیز قابل دستیابی و اجراست.

همتی می‌باید تا دست‌اندرکاران توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی، به ویژه سرزمین مقدس انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، به جای الگوگیری از مدل‌های غربی و تأثیرپذیری از فضای تحقیرآمیز پدید آمده به دست مستکبران، به شاخص‌های قرآنی و ولایی رو آورند، و به دغدغه‌های رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای - حفظه الله - پاسخ گویند، آنجا که درد مندانه می‌فرمودند:

اگر افکار یک ملتی وابستگی به قدرت بزرگی داشته باشد، تمام چیزهای آن ملت وابستگی پیدا می‌کند ... عمده این است که افکار شما از وابستگی به قدرت‌های بزرگ آزاد بشود. اگر افکار شما آزاد شد و باورتان آمد که ما می‌توانیم صنعت‌مند و صنعت کار باشیم، خواهید بود ... اگر کشاورزان ما باورشان این باشد که می‌توانیم در کشاورزی به جایی برسیم که صادر کنیم و وابسته به غیر نباشیم، بلکه دیگران محتاج به ما باشند، می‌توانند.^۱

اساس کار در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تحقق آرمان‌های اسلامی است. بنابراین، در یکایک کارهای برنامه‌ریزی و سیاست‌های کلان کشور در امر توسعه، این مهم باید مورد توجه قرار گیرد، و هیچ فشار سیاسی و خارجی و نیز هیچ ضرورت اجتماعی نباید موجب صرف نظر کردن از آرمان‌های اسلامی شود.^۲

بهبود اقتصاد در سایه ایمان و تقوا

اصلی‌ترین شاخص توسعه و بهبود اقتصاد از منظر اسلام، همان اصلی‌ترین رسالت انبیای الهی است. انبیا آمدند تا انسان را از خاک به خدا، از ملک به ملکوت، از لذت تن به جذبۀ جان، از خودپروری به کمال‌محوری، از دنیاجویی به آخرت‌طلبی سوق دهند.

۱. امام خمینی رحمته‌الله، در جستجوی راه امام از کلام امام، دفتر بیست و دوم، برگرفته از صفحات ۲۰۴-۲۰۶.

۲. مقام معظم رهبری - زیدعزه -، روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۷۵/۲/۲۶، ص ۳.

اگر انسان، خدا، ملکوت، جان، کمال و آخرت را نادیده بگیرد و با بهره‌گیری از تجربه بشری، به توسعه یافته‌ترین اقتصاد نیز راه یابد، باز هم حیوانی است فرجه شده! اما آن‌چه اسلام و قرآن و ولایت برای او می‌پسندند، آن است که انسان، سزاوار عنوان خلیفة اللّٰهی گردد و در این مسیر آن‌چه را که بایسته زندگانی او در این دنیا است، بیابد.

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ﴾؛^۱

اگر مردم هر سرزمین ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، باب خیرات و برکات آسمانی و زمینی را به رویشان می‌گشودیم.

انسان اگر فزونی و توسعه در برکات آسمانی (معنویات) و برکات زمینی (مادیات) را می‌طلبد، راهش آن است که «ایمان حقیقی» بیاورد و «تقوای واقعی» داشته باشد.

به نگاهی دیگر اگر توسعه و رشد «برکات مادی» چه آسمانی و چه زمینی را خواهان است، باید در راه رشد و کمال «استعدادات معنوی» (ایمان و تقوای خود) بکوشد.

با رعایت همین شاخص و با توجه به همین رویکرد است که «کفر و رزی» و «فساد انگیزی» در طرف مقابل، عامل سلب برکات، نقص نعمت‌ها و فرو افتادن به کام دشواری‌ها و تنگدستی‌ها به شمار آید، چنان‌که در قرآن کریم آمده است:

و خدای تعالی (برای نشان دادن آثار کفران نعمت و گناه) شهری را مثل زده است که در امنیت و آرامش کامل به سر می‌برد، و روزی آن به فراوانی از هر سو می‌رسید، پس (مردم آن شهر) به نعمت‌های خدا ناسپاسی و کفران نمودند، و خدا هم به سبب گناهانی که انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و ترس را به آنان چشانید.^۱

این شاخص ارائه شده در قرآن کریم، به جاودانگی و شمول خود قرآن، شمول و جاودانگی دارد و همه انسان‌ها در همه دوران‌ها را در نظر دارد. از این رو، اگر درباره دوران حضرت مهدی علیه السلام، سخن از توسعه و رشد چشمگیر کشاورزی، صنعت و اقتصاد پیش می‌آید به دلالتی آشکار، تأکید بر اوج ایمان و تقوای مردم در آن روزگار دارد.

به عبارت دیگر، چون در دوران حضرت مهدی علیه السلام سخن از عمومیت و عمق ایمان است،^۲ چون همه مردم بر اساس تقوا با یکدیگر اتحاد پیدا کرده‌اند،^۳ چون دیگر معصیت‌خدا را مرتکب نمی‌شوند،^۴ خداوند نیز درهای آسمان را می‌گشاید و به خروج دفینه‌های زمین فرمان می‌دهد.

۱. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ». نحل، آیه ۱۱۲.

۲. امام کاظم علیه السلام: «لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ؛ در شرق و غرب زمین هیچ‌کس نمی‌ماند مگر این‌که خدا را به وحدانیت می‌شناسد و می‌خواند». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۳. «أَيُّنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى؛ کجاست آن کس که بر اساس تقوا در بین مردم وحدت و اتحاد ایجاد می‌کند؟». همان، بخشی از دعای شریف ندبه.

۴. امام صادق علیه السلام: «وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ فِي أَرْضِهِ». منتخب الأثر، ص ۴۹۷ به نقل از: کافی.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَّعَمِ مِثْلَهُ قَطُّ،
تُرْسَلُ السَّمَاءُ مِدْرَارًا وَلَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتٍ؛^۱

مهدی در امت من است، امت من در زمان او بهره‌مند از نعمت‌هایی هستند که هرگز پیش از آن چنین بهره‌مند نبوده‌اند، باران به فراوانی نازل می‌گردد و زمین (رویش بسیار دارد) و هیچ گیاهی را در دل خود ذخیره نمی‌سازد.

اقتصاد تحت تأثیر معنویت

وقتی در اسلام «توسعه معنویت و کرامت انسانی» اصل قرار می‌گیرد و «توسعه اقتصادی» در خدمت «توسعه ارزش‌ها» قرار می‌گیرد، جلوه‌های بدیعی از انسانیت کمال یافته پدید می‌آید، که بهترین و بارزترین آن‌ها در عصر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام تحقق یافته، و نیز در دوران ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام واقعیت می‌یابد، ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خویشتن، بخشیدن مال، وسیله و مسکن خویش به نیازمندان در حالی که خود نیز به آن دلبستگی و نیاز وافر داشتند.^۲

انفاق از همان حداقل امکانات و نعمت‌های خداداد، در شرایطی که فقر و تنگدستی خود آنان را در معرض فشار و سختی قرار داده بود.^۳

۱. الزام الناصب، ص ۱۶۳.

۲. ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾؛ دیگران را بر خود مقدم می‌دارند اگر چه خودشان نیاز مبرم دارند. حشر، آیه ۹.

۳. ﴿وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾؛ و هرکس روزی او تنگ شده باشد باید از آن چه خدا به او داده، انفاق کند. طلاق، آیه ۷.

گریه کردن و تأثر شدید قلبی پیدا کردن، برای این‌که بر اثر فقر، از صرف اموال در تجهیز جهادگران یا آماده سازی مرکب جهت حضور خود در جنگ با دشمنان اسلام بازمانده‌اند.^۱

این‌ها چند نمونه از تجلیات کرامت و شرافت انسان‌های عصر پیامبر ﷺ بود؛ که داشتن و نداشتن‌ها، و ضعف و قوت‌های اقتصادی انسان‌های مؤمن را تحت الشعاع خویش قرار می‌داد.

نمونه‌های چشمگیری از این‌گونه تجلیات نیز در دوران حضرت مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد:

برادری اقتصادی: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند، افراد نیازمند دست در کیسه برادر خود می‌کنند و به میزان حاجت خود بر می‌دارند.^۲

حق برادری: در زمان ظهور قائم ما علیه السلام، بر مؤمنان واجب است که برادران ایمانی خود را تجهیز نمایند و وسایل لازم او را در اختیارش قرار دهند.^۳

سود ربوی: در آن زمان سود گرفتن مؤمن از برادر مؤمن خود، در بیع و تجارت، ربا شمرده می‌شود؛^۴ یعنی برادری ایمانی مردم با یکدیگر چنان

۱. ﴿تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ﴾؛ (وقتی پیامبر ﷺ فرمود: وسیله‌ای ندارم که شمارا بر آن سوار کنم و به جنگ بفرستم) برگشتند، در حالی که از دیدگانشان اشک فرو می‌ریخت از اندوه و غم این‌که چرا چیزی نمی‌یابند تا در راه جهاد الهی خرج کنند. توبه، آیه ۹۲.

۲. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ... يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ، فَيَأْخُذُ خَاجَتَهُ فَلَا يَمْنَعُهُ». اختصاص، ص ۲۴.

۳. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهِّزُوا إِخْوَانَهُمْ». وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱۵.

۴. «ذَلِكَ إِذَا ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَامَ قَائِمُنَا». همان، ج ۱۲، ص ۲۹۴.

یگانگی و کرامتی را در بین آنان ایجاد می‌کند که محاسبه سود در خرید و فروش و تجارت، خلاف قواعد شرع و اخلاق تلقی می‌شود.

اقتصاد در خدمت مردم

در یک حکومت الهی، همه همت حاکمان و مسئولان اداره جامعه، رسیدگی به نیازهای مردم و رفع مشکلات آنان است. در چنین حکومتی امکانات و توانمندی‌ها و ثروت‌ها در خدمت مردم، و برای تأمین رفاه مردم به کار گرفته می‌شود. زمانی که حضرت مهدی علیه السلام بزرگ‌ترین و قدرتمندترین حکومت الهی تاریخ بشری را در گیتی ایجاد می‌فرماید، همه زمینه‌ها برای رشد همه جانبه اقتصادی فراهم می‌آید. تا عاملی برای عزت بی‌مانند مردم جامعه باشد:

خداوند باران فراوان برای او می‌باراند (يُسْقِطُ اللَّهُ الْغَيْثَ)، زمین - به اذن خدا - گیاهانش را برای او می‌رویاند (وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا)، او با بخشش اموال، اقتصاد جامعه را تصحیح می‌فرماید (وَيُعْطِي الْمَالَ صِخَاحًا)، دام (دام پروری) زیاد می‌گردد (وَتَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ) و امت اسلام مجد و عظمت می‌یابد (وَ تَعْظُمُ الْأُمَّةُ).^۱

فراوانی ثروت و رشد فزاینده اقتصاد در آن دوران، هم‌چنان که در فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله مورد تصریح قرار گرفته است، زمینه‌ساز مجد و

۱. بخش‌هایی از فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره رویدادهای اقتصادی دوران حضرت مهدی علیه السلام به نقل از: ابویوسف شافعی، عقد الدرر، باب ۷، ص ۱۴۴.

عظمت امت اسلام است، و این خود دو پیام دارد:

۱. نقش اقتصاد به عنوان عاملی اساسی در ارتقای ارزش‌های جامعه، مورد تأکید است. اگر متصدیان امور اقتصادی جامعه افرادی غیرمتخصص و نامتعهد باشند، و زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از تخصص و استعداد انسان‌های کارآمد فراهم نیاید، بی‌تردید نظام اقتصادی ضعیف و ضربه‌پذیر و متزلزل خواهد بود و دیگر نمی‌توان به حفظ و رشد ارزش‌های معنوی و دینی امیدوار بود. اگر فرموده‌اند: نزدیک است که فقر، کفر شمرده شود^۱ و اگر بر این اساس معتقدیم که انسان فقیر در آستانه کافر شدن قرار دارد، به این معناست که چه فرد فقیر و چه جامعه مبتلا به فقر اقتصادی هر دو در معرض کفرند.

۲. وظیفه متصدیان در به کارگیری ثروت ملی و امکانات اقتصادی، در خدمت عامه مردم و ایجاد رفاه عمومی، وظیفه‌ای مهم و مؤکد است، به گونه‌ای که عزت و سر بلندی جامعه به کارکرد صحیح آنان وابسته است.

جلوه‌های رشد اقتصادی در دولت حضرت مهدی علیه السلام

۱. عمومیت یافتن بهبود وضعیت اقتصادی

آنچه در دنیای امروز به عنوان شاخص رشد یا افول وضعیت اقتصادی هر کشور، مورد نظر قرار می‌گیرد، میانگین درآمد کل افراد آن کشور است. اگر کشوری غنی و پیشرفته شمرده می‌شود، معیارش زیادتی ثروت و ذخایر ارزی آن کشور است، اگر چه بخش وسیعی از مردم آن کشور زیر خط فقر

۱. «كاد الفقر أن يكون كفراً». میزان الحکمه، ج ۷، ص ۴۹۸؛ بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۹.

به سر ببرند. به طور مثال: آمریکا با صرف نظر از این که ثروت و سرمایه های متراکم گشته اش از چه غارت ها و خیانت هایی حاصل آمده، کشوری ثروتمند به حساب می آید، اگر چه میلیون ها نفر در همین کشور در نهایت فلاکت و فقر زندگی می کنند. در کشور آمریکا و به ویژه در برخی ایالت های آن - به شهادت فیلم های مستند و گزارش های متعدد مؤسسات تحقیقاتی - چه بسیارند مردمی که شب و روزشان در گوشه و کنار پارک ها و حاشیه خیابان ها می گذرد و یا در تونل های زیر زمینی تاریک و آلوده مخصوص فاضلاب، نیازهای غذایی خود را با شکار و خوردن موش ها برطرف می سازند.

صحنه هایی مانند در آوردن جنازه مساکینی که سطل های زباله را مسکن خود قرار داده اند، یا جمع آوری هزاران کودک خیابانی که گرسنه و درمانده، طعمه باندهای فساد و فحشا و سرقت و اعتیاد شده اند، چهره بزک کرده مدعیان اقتصاد پیشرفته را کریمه جلوه می دهد.

اما از نظر اسلام و مهدویت، آنچه معیار درست پیشرفت واقعی اقتصاد در جامعه شمرده می شود، ریشه کن شدن کامل فقر و بی نیازی عمومی است، آن چنان که در مورد دوران شکوهمند حاکمیت جهانی حضرت مهدی علیه السلام تحقق می یابد:

قطعاً بر شما زمانی فرا می رسد که کسی از میان شما برای انفاق دینار و درهم خویش مستمندی را نمی یابد. چون همگی مردم به فضل خداوند به بی نیازی کامل رسیده اند.^۱

۱. امام صادق علیه السلام: «لَيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَقْتُ لَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِذِينَارِهِ وَ دِرْهَمِهِ مَوْضِعًا لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعًا بِفَضْلِ اللَّهِ». بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

در دوران حضرت مهدی علیه السلام، رشد و توسعه اقتصادی نه ابزاری برای فربه‌تر شدن سرمایه‌داران،^۱ و رفاه و آسایش گروهی از نخبگان جامعه، بلکه مقدمه‌ای برای عمومیت یافتن رفاه، و نیکو شدن وضعیت معیشتی همه افراد جامعه است:

زمانی که قیام قائم ما فرارسد، ثروت‌ها را به تساوی بین مردم تقسیم کند، و در میان بندگان خدا چه نیکان و چه بدان آنان به عدالت رفتار نماید، و (در آن زمان) اوضاع معیشت همه مردم بهبود می‌یابد.^۲

۲. آبادانی همه جای زمین

علی‌رغم تئوری‌های عرضه شده بیگانگان که بیش‌تر به انگیزه‌های سیاسی، شعار نا کافی بودن ذخایر انرژی و سرمایه‌های معیشتی زمین، برای نسل‌های رو به افزایش آینده جهان را سر می‌دهند و ایده استعماری «کنترل جمعیت» را به ویژه در کشورهای جهان سوم - که همه معادن و ذخایر

۱. طبق آخرین برآوردها ۸۲ درصد سرمایه دنیا تنها در اختیار هیجده درصد مردم دنیاست و این رقم در برخی کشورها تأسف بارتر از این نیز هست، به گونه‌ای که میلیاردی شدن چند صد نفر در کشور به گرسنگی و فقر میلیون‌ها نفر از دیگر مردم آن کشور منجر می‌شود.

۲. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يُقَسِّمُ بِالسُّوْبَةِ، وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ، وَ يُحَسِّنُ خَالَ عَامَّةِ النَّاسِ؛ اِذَا بَخَشَ خَيْرَ رَوَايَتِ رَا «وَيُحَسِّنُ خَالَ عَامَّةِ النَّاسِ» بدانیم معنایش با تناسبی که با بقیه فعل‌ها در روایات پیدا می‌کند چنین می‌شود که، حضرت مهدی علیه السلام با تقسیم مساوی اموال و رعایت عدالت اجتماعی، وضعیت معیشتی عموم مردم را نیکو می‌گرداند و بهبود می‌بخشد.

و ثروت‌هایشان باید پشتوانه اقتصادی از ما بهتران غربی باشد! - تنها راه نجات از بسحران می‌شمارند، اعتقاد اسلامی در تأیید کارشناسی‌های بی‌طرفانه، بر آن است که اگر انسان‌ها از فتنه‌های استکبار و استعمار در امان بمانند و در مسیر آبادانی همه سرزمین‌ها درست راهنمایی شوند، امکانات و ثروت‌های زمین، ده‌ها برابر جمعیت کنونی دنیا را در بهترین وجه اقتصادی، جواب‌گو خواهد بود.

زمانی که حضرت مهدی علیه السلام، حکومت اسلامی را در سراسر دنیا استقرار می‌بخشد، از همه ظرفیت‌های زیست محیطی زمین استفاده کامل به عمل می‌آید، او دغدغه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام را عملی خواهد ساخت که در قریب ۱۴۰۰ سال پیش به محیط زیست و سلامت آن می‌اندیشید و مردم را در برابر بی‌توجهی به بندگان و سرزمین‌های خدا هشدار می‌داد، و آنان را حتی در برابر رعایت حق قطعه زمین‌ها و حیوانات مسئول می‌دانست.^۱

او دانش و تکنولوژی نو و متکامل آن دوران را به خدمت خواهد گرفت تا از همه جای زمین، به عنوان اصلی‌ترین منبع سرمایه‌های مورد نیاز بشر، کامل‌ترین بهره‌ها به دست آید. کشف دفینه‌ها، استخراج معادن، استحصال انرژی، توسعه کشاورزی، رشد دامپروری، و آباد سازی همه خرابی‌های زمین، چنان ثروت و رفاهی را برای مردم دنیا فراهم می‌سازد که دیگر بساط فقر و فلاکت از بسط زمین بر چیده خواهد شد، مردم همه گونه مواد مورد

۱. «اتَّقُوا اللَّهَ فِي بِلَادِهِ وَ عِبَادِهِ، فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ». نهج البلاغه،

نیاز خود را به وفور در دسترس می‌یابند، ارزش پول کاهش می‌یابد، و دیگر همه انسان‌ها احساس بی‌نیازی خواهند کرد.^۱

در مورد آبادسازی همه جای زمین که یکی از استراتژی‌های حکومت جهانی عدل است، روایتی از امام باقر علیه السلام به دو صورت نقل گردیده است:

وَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا وَ يُعَمَّرُهُ؛^۲ هیچ خرابی و نابسامانی در زمین نمی‌ماند، مگر آن که (حضرت مهدی علیه السلام) آن را آباد می‌سازد.

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ؛^۳ هیچ خرابی و نابسامانی در زمین نمی‌ماند، مگر آن که آباد می‌شود.

اگر بپذیریم که هر دو روایت از جانب آن بزرگوار صادر گردیده‌اند، باید اولی را ناظر به نقش هدایتی و نظارتی حضرت مهدی علیه السلام در بازسازی اقتصادی برتر، با بهره‌گیری از آبادسازی همه جای زمین دانست؛ و دومی را بیانگر نقش مردم در اجرای رهنمودهای آن بزرگوار در سامان‌دهی وضعیت اقتصاد اسلامی با آبادانی زمین به شمار آورد.

در این‌که سیاست‌ها و تدابیر اقتصادی امام زمان علیه السلام در عمران و آبادانی زمین، و فراوانی بهره‌رسانی آن تأثیرگذار است، در کلامی منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

۱. «لاترى محتاجاً إلى الزكاة». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹؛ «لَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَ دِرْهَمِهِ مَوْضِعاً لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعاً بِفَضْلِ اللَّهِ». همان، ج ۵۱، ص ۱۴۶.
 ۲. منتخب الأثر، ص ۴۸۲ به نقل از: اسعاف الراغبین.
 ۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

به وسیله مهدی است که زمین آبادان می‌شود، و صفا و شادابی می‌یابد،
به وسیله اوست که نهرهای زمین جاری می‌گردد، فتنه‌ها و تجاوزات
از بین می‌رود، و خیر و برکت زمین افزایش می‌یابد.^۱

علاوه بر آن چه ذکر گردید، روایات دیگری نیز از ائمه معصومین علیهم‌السلام
نقل گردیده که در آنها، اگر چه به صراحت از آبادی همه جای زمین سخن
نگفته‌اند، اما دلالت مضمونی آنها بر همین مطلب قابل تأمل است:

و اگر قیام قائم ما تحقق یافت، آسمان بارانش را نازل خواهد کرد، و
زمین گیاهانش را خواهد رویانید، و کینه از دل‌های بندگان خدا رخت بر
خواهد بست، و حیوانات وحشی و اهلی با هم سازگاری پیدا خواهند کرد
به گونه‌ای خواهد بود که (امنیت در حدی خواهد بود) زنی فاصله بین
عراق تا شام را پیاده بییماید، قدمش را جز بر گیاهان نگذارد، و هیچ
درنده‌ای او را به وحشت نیندازد، در حالی که زینت خود را بر سر دارد.^۲
در این فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌السلام اگر چه تأکید بر امنیت است؛ لکن
آبادانی همه جای زمین در آن دوران نیز از آن فهمیده می‌شود، زیرا وقتی که

۱. امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «و تَعْمُرُ الْأَرْضُ وَ تَصْفُو وَ تَرْهُوَ بِمَهْدِيهَا، وَ تَجْرِي بِهِنَّ أَنْهَارُهَا، وَ تَعْدُمُ الْفِتَنُ
وَ الْغَارَاتُ، وَ يَكْثُرُ الْخَيْرُ وَ الْبَرَكَاتُ». منتخب‌الآثر، ص ۱۵۷ به نقل از: ينابيع الموده،
ص ۴۶۷.

۲. امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ
نَبَاتَهَا، وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَ اضْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبِهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ
الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ، لَاتَضَعُ قَدَمِيهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا
لَا يَهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ». منتخب‌الآثر، ص ۴۷۴.

زنی فاصلهٔ عراق تا شام را، که در گذشته جزء بایرترین و متروک‌ترین سرزمین‌ها به شمار می‌آمده، در حالی می‌پیماید که سر تا سرش پوشیده از گیاهان است و حتی به اندازهٔ جای یک گام، زمین خالی از زراعت وجود ندارد، دیگر سرزمین‌های دنیا به طریق اولی سر سبز و آباد خواهند بود.

۳. پایان رنج و مشقت در به دست آوردن روزی

بدانید که اگر شما آن خورشید طلوع‌کننده از مشرق را پیروی کنید، شما را به راه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ راهبری می‌کند، و از نابینایی، ناشنوایی و ناگویایی شفا می‌یابید، و از رنج و مشقت در طلب روزی، و ظلم و حق‌کشی در مورد دیگران رهایی می‌یابید، و سنگینی کمرشکن وام‌های انباشته و حقوق تضییع شده را از دوش خویش دور خواهید افکند.^۱

جهل انسان‌ها به توانایی‌های خویش و منابع اصیل تولید سرمایه، راحت‌طلبی و سستی در به کارگیری استعدادها و بهره‌گیری از امکانات، سوء مدیریت متصدیان امور اقتصادی، تجاوزات و بهره‌کشی‌های ناروای اقلیت توانمند جوامع، از سایر اقشار، ثروت‌اندوزی‌های بی‌حساب و انحصارگرایی‌های کنترل‌ناشدنی سرمایه‌داران، و زورگویی‌ها و

۱. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَاعْلَمُوا، أَنَّكُمْ إِنِ اتَّبَعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ، سَلَكَ بِكُمْ مِنْهَاجَ الرَّسُولِ، فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الْعَمَى وَالصَّمَمِ وَالْبُكْمِ، وَكُفَيْتُمْ مَوُونَةَ الطَّلَبِ وَالتَّعَسُّفِ، وَنَبَذْتُمْ الثَّقَلَ الْفَادِحَ عَنِ الْأَعْنَاقِ». بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۳ به نقل از: کافی، ج ۸، ص ۶۳. مرحوم علامه مجلسی در ذیل روایت، مراد از طالع مشرق را حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ دانسته است.

باج خواهی های طبقات حاکم، در اغلب دوران های پیش از ظهور باعث می شده است که اکثر مردم، در هر جامعه و در هر زمان، برای گذراندن زندگی و به دست آوردن لوازم اولیه معیشت خویش، دچار رنج فراوان، و متحمل حقارت و زبونی بسیار شوند.

در دوران های پیش از ظهور، کمبود کار، صعوبت اشتغال، ناکافی بودن درآمدها، گرانی و کمیابی لوازم زندگی، موجب گرفتار شدن جامعه به مفاسد اقتصادی، و رو کردن افراد به مشاغل غیر قانونی و حق کشی در مورد یکدیگر بوده است، اما دوران پرشکوه حضرت مهدی علیه السلام که فرا می رسد، مردم روزگار در سایه پیروی از مرام پیامبرانه او، از کور کورانه عمل کردن و چشم و گوش بسته اقدام نمودن نجات می یابند، و دیگر در طلب رزق و روزی خویش به رنج و مشقت دچار نمی شوند، و برای به دست آوردن مال و ثروت بیش تر، به ستم بر دیگران راضی نمی شوند.

در زمانه طلوع خورشید مشرق، راه به دست آوردن رزق فراوان برای همگان آنقدر هموار است، و همت همگان برای تحصیل روزی حلال آنقدر والاست که دیگر حقی از کسی ضایع نمی شود، و حقوق ضایع شده پیشین همگی جبران می شوند، و امها ادا می شوند و دیگر نیازی به وام گرفتن از دیگران وجود نخواهد داشت.

راهکارهای اقتصادی امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام، به عنوان فرزند و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، و کسی که سیره و سنت و اخلاق و رفتار و روش های مدیریتی و حکومتی اش همگی همسان

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، برای همه انسان‌های عصر خویش، (چه در غیبت و چه در ظهور) بهترین و والاترین الگوست.

اگر در روایات شریفه، روش‌های مدیریتی و راهکارهای اقتصادی آن بزرگوار ترسیم گردیده است، تنها برای پیشگویی وضع آینده بشر و ترسیم چهره زیبای دوران پس از ظهور نیست، معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ خواسته‌اند مدل مدیریتی مورد نظر خداوند، در بهترین عصر مورد پسند او را جهت الگوگیری مدیران و متصدیان امور اقتصادی در جوامع معتقد به مهدویت ارائه دهند.

۱. مساوات^۱

تلاش در جهت ایجاد موازنه اقتصادی بین اقشار مختلف جامعه، همسان‌سازی سطوح درآمد، برقراری تعادل در بهره‌وری از منابع سرمایه، به گونه‌ای که به تساوی بین مردم و بی‌نیازی همگانی بینجامد، از برنامه‌های اقتصادی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

حضرت با سامان‌دهی امور و ایجاد سازمانی در جهت ایجاد تعادل و حفظ مساوات اقتصادی، راهکارهای ذیل را در جامعه توحیدی عصر ظهور مقرر خواهد فرمود:

- جلوگیری از انباشته شدن بیش از حد ثروت و دارایی در نزد افراد،

۱. «وَيُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَىٰ مُحْتَاجًا إِلَىٰ الزَّكَاةِ؛ حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ میان مردم چنان مساوات اقتصادی برقرار می‌کند که دیگر نیازمند به زکات نمی‌یابی». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

- کنترل صاحبان قدرت و سرمایه، و ایجاد محدودیت‌های قانونی،
 - ایجاد تعهدات مختلف در قشر پر درآمد جامعه، برای پوشش دادن به نیازی‌های اجتماع،
 - رسیدگی به اقشار کم درآمد و مساعدت آنان در بالا بردن کارآیی‌ها و توان اقتصاد خود،
 - جلوگیری از بهره‌کشی‌های ناروا،
 - ایجاد ضمانت اجرایی در مورد حفظ حقوق عموم مردم، و رفع زمینه‌های حق‌کشی،
 - عطایای ویژه، و ایجاد فرصت‌های خاص شغلی در موارد مقتضی.
- از این رو عنایت به فرمایش‌های امیرالمؤمنین علیه السلام، راهگشا خواهد بود:

یکی از حقوق شما مردم بر حاکم اسلامی آن است که با شما به انصاف رفتار کند، و در بین شما تعدیل (در امور اقتصادی و معیشتی) ایجاد نماید.^۱

به خدا سوگند! اگر علم را از معدن آن فرامی‌گرفتید ... دیگر هیچ‌کس در تأمین هزینه زندگی افراد عائله خویش ناتوان نمی‌گشت، و هیچ مسلمان یا کسی که با مسلمانان پیمان بسته است، مورد ستم واقع نمی‌شد.^۲

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام: «وَإِنَّ حَقَّكُمْ عَلَيْهِ إِنْصَافُكُمْ وَالتَّعْدِيلُ بَيْنَكُمْ». همان، ج ۷۵،

ص ۳۵۶.

۲. «أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوَاقِبَتُسُّمُ الْعِلْمِ مِنْ مَعْدِنِهِ ... مَا غَالَ فِيكُمْ غَائِلٌ وَلَا ظَلَمَ مِنْكُمْ مُسْلِمٌ وَلَا مَغَاهِدٌ». مستدرک نهج البلاغه، ص ۳۱.

۲. تقسیم مساوی ثروت‌ها^۱

رعایت عدالت در بین مردم، جلوه‌های گوناگون و راهکارهای متفاوت دارد که قطعاً یکی از اساسی‌ترین آن‌ها تقسیم مساوی ثروت‌ها و توزیع عادلانه امکانات است. برخورداری یکسان همه مردم جامعه از سرمایه‌های طبیعی یا ذخایر بیت المال شرط عدالت است. تفاوت قائل نبودن بین اقشار مختلف و افراد جامعه در بهره‌مندسازی آنان از حقوق شهروندی و اموال عمومی، همان فرهنگی است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر آن پای فشرد و دغدغه همیشگی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بوده است.

این‌که هرکس زیر پرچم اسلام قرار می‌گیرد و به آن‌چه وظیفه مسلمانان اوست عمل می‌نماید، دارای حقی برابر با سایرین می‌شود و دیگر حتی سابقه بیش‌تر در پذیرش اسلام یا بیش‌تر بودن او در مراتب ایمان و تقوا هم نمی‌تواند ملاک تفاوت او در بهره‌وری از بیت‌المال باشد.

شما بندگان خدایید و مال، مال خداست، که باید به تساوی بین شما

تقسیم گردد، هیچ‌کس را در این زمینه بر دیگری برتری نیست.^۲

۱. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يُقَسِّمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ؛ زمانی که قائم ما قیام کند، اموال را به تساوی تقسیم نماید و در بین آفریدگان خدا به عدالت رفتار کند، چه نیکوکار باشند و چه بدکار». بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

۲. «فَأَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ وَ الْمَالُ مَالُ اللَّهِ، يُقَسَّمُ بِالسَّوِيَّةِ لَا فَضْلَ لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ». کافی، ج ۸،

با رعایت همین سیاست است که جامعه از خطر اختلاف طبقاتی نجات می‌یابد و راه بر امتیاز طلبی‌ها و فزون‌خواهی‌ها بسته می‌شود. دیگر آن‌کس که به دستگاه حکومت نزدیک‌تر است، یا مسئولیتی سنگین‌تر از دیگران بر عهده دارد، یا سابقه مبارزاتی بیش‌تر دارد، یا از استعداد و توانایی زیادتری برخوردار است، توقع و انتظار برخورداری بیش‌تر از حقوق و اموال و امکانات عمومی را ندارد و نباید داشته باشد.

با همین رویکرد است که حضرت علی علیه السلام در برابر زیاده‌خواهی برادرش عقیل، با نزدیک ساختن آهن گداخته به دست وی، مخالفت قطعی خود را با درخواست او ابراز و او را به عواقب ناپسند تبعیض در تقسیم اموال مردم متذکر می‌سازد.^۱

جالب است که در فرمایش‌های معصومان علیهم السلام، شریف‌ترین ملاک برتری که رعایت تقوای الهی است، باز هم نمی‌تواند در تفاوت قائل شدن در تقسیم اموال مؤثر باشد.

در بهره‌وری از سرمایه‌های عمومی هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد، و تقوای پیشگان نیز برتری‌شان در روز قیامت و با دریافت پاداش بهتر و ثواب فزون‌ترست و خداوند دنیا را پاداش بندگان پرهیزکارش قرار نداده است.^۲

۱. نهج البلاغه، خ ۲۲۴، شرح ماجرای فقر عقیل و درخواست بخشش گندم بیش‌تر از بیت‌المال، از زبان خود امیرالمؤمنین علیه السلام.

۲. «لأَفْضَلُ لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ وَ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ اللَّهِ غَدًا أَحْسَنُ الْجَزَاءِ وَ أَفْضَلُ الثَّوَابِ، لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ الدُّنْيَا لِلْمُتَّقِينَ أَجْرًا وَ لِاثْوَابًا». کافی، ج ۸، ص ۳۶۰.

۳. مبارزه با باج‌خواهی‌ها^۱

در جامعه توحیدی عصر حضرت مهدی علیه السلام، از بذل و بخشش‌های بی‌حساب به مقربان دستگاه حکومتی، خبری نیست، هیچ‌کس به جهت موقعیتی که در سیستم حاکمیت دارد، نه حق دارد به کسی دارایی خاص، یا زمینی از اموال بیت‌المال، یا حق بهره‌وری از آن را ببخشد، و نه حق دارد توقع چنین بخششی را از دیگران داشته باشد. آنان که در دستگاه حاکمه و زیرمجموعه‌های آن فعالیت می‌کنند، باید خود را خدمت‌گزاران جامعه بدانند، و در نهایت تلاشی که دارند باید کم‌ترین انتظارات و توقعات مادی را داشته باشند.^۲

حضرت مهدی علیه السلام «نظام اقطاعی»^۳ را ریشه‌کن می‌کند، نه تنها خود به سربازان و والیان و مأمورانش حق این‌گونه باج‌خواهی را نمی‌دهد، بلکه اگر در پیشینه تاریخ ظهور هم کسانی از این‌گونه قطعه زمین‌ها بهره‌مند بوده، از آنان باز پس می‌گیرد و به بیت‌المال باز می‌گرداند.

۱. در زمان پادشاهان گذشته و حاکمان فاسد کنونی رسم بوده و هست که وابستگان دربار قطعه زمین‌هایی را به عنوان پیش‌کش دریافت کنند تا حق السکوت آنان بر ظلم درباریان باشد.

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف متقین می‌فرماید: «أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ، وَ خَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ، وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ وَ مُعَوْنَتُهُمْ لِلْإِسْلَامِ عَظِيمَةٌ؛ لاَ غِرَانْدَامَ، كَمْ تَوَقَّعَ وَ كَمْ نِيَّازَ وَ پَارَسَايِنْدَ، در حالی که کمک و یاری آنان به اسلام، زیاد و با عظمت است». تحف‌العقول، ص ۱۵۵.

۳. نظام اقطاعی همان انحصارگرایی صاحبان قدرت است که، قطعه زمین‌ها را در انحصار خود یا اطرافیان خویش در آورند.

زمانی که قائم ما قیام نماید، نظام اقطاع از بین می‌رود و دیگر قطایعی وجود نخواهد داشت.^۱

۴. بخشش و عطا^۲

حضرت مهدی علیه السلام آن‌چنان که در روایات ترسیم گردیده، در بخشش و عطای بی‌پایان خویش، مظهر بخشندگی و عطاکنندگی پروردگار است، پروردگار کریمی که در دعای شگفت ماه رجب او را این‌گونه می‌خوانیم:

ای کسی که در هر چیزی به او امیدوار هستم، و در هر پدیده بد و ناگواری خود را از خشم او در امان می‌یابم. ای کسی که با عملی اندک، جزای فراوان می‌بخشد، ای کسی که به هر درخواست‌کننده‌ای عطا می‌کند، ای کسی که به آن‌هایی که از او درخواست نمی‌کنند، بلکه حتی به آن‌هایی که او را نمی‌شناسند، باز هم از روی مهربانی و رحمت خویش عطا می‌کند.^۳

عطایای حضرت مهدی علیه السلام، به آشنا و بیگانه، دوست و دشمن، معتقد و غیرمعتقد، عمومیت دارد. او با همین عطای خویش، زمینه‌های بیگانگی و

۱. امام صادق علیه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اَضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

۲. رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «الْمَهْدِيُّ يَكُونُ عَطَاؤُهُ هَنِئًا؛ حضرت مهدی علیه السلام عطایش گواراست». حافظ ابو نعیم، اربعین حدیث فی المهدی.

۳. «يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ آمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً». مفاتيح الجنان، اعمال ماه رجب.

دشمنی و سوء اعتقاد را از بین می‌برد، مشکلات اقتصادی توده مردم را علاج می‌فرماید و آنان را برای مفید و کارآمد بودن کمک می‌نماید.

او با همین بخشش‌ها، آثار تربیتی فراوان در جامعه ایجاد می‌کند و شوق و رغبت بیش‌تر مردم را در همکاری و همیاری آنان با دولت بر می‌انگیزاند.

نشانه مهدی علیه السلام آن است که بر کارفرمایان خویش سخت‌گیری می‌کند، مال فراوان به مردم می‌بخشد، و با بیچارگان بسیار مهربان است.^۱

مردی به نزد او می‌آید و می‌گوید: ای مهدی! مالی به من ببخش، سپس حضرت مهدی علیه السلام به آن میزان که بتواند حمل کند مال فراوان در دامنش می‌ریزد.^۲

او به مردم می‌گوید: بیا بید بگیرید این اموالی را که به جهت آن با خویشاوندان خود قطع رابطه می‌کردید، حاضر به خون‌ریزی بودید، و در راه به دست آوردن آن مرتکب حرام خدا می‌شدید. پس به مردم می‌بخشد، بخشیدنی که هرگز از هیچ‌یک از پیشینیان او سابقه نداشته است.^۳

۱. «عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعَمَالِ، جَوَاداً بِالْمَالِ، رَحِيماً بِالسَّائِكِينَ».

منتخب‌الأثر، ص ۳۱۱.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «فَيَجِيءُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي، فَيُخْشِي لَهُ فِي ثَوْبِهِ

مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ». همان، ص ۳۱۱.

۳. امام باقر علیه السلام: «فَيَقُولُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ، وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ،

وَرَكِبْتُمْ فِيهِ مَحَارِمَ اللَّهِ، فَيُعْطِي (شَيْئاً) عَطَاءً لَمْ يُعْطَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ». بحار الانوار، ج ۵۲،

ص ۳۹۰؛ غیبت نعمانی، ص ۲۳۷.

۵. سخت‌گیری نسبت به کارگزاران^۱

این طبیعت انسان است که در هنگام دست‌یابی به قدرت و موقعیت، در معرض خطر خودبینی، خودمحوری، منفعت‌طلبی، انحصارگرایی و تجاوزطلبی قرار می‌گیرد. قطعاً به هر میزان که ایمان و تقوای انسان بیش‌تر باشد، در برابر این خطرها، مصونیت بیش‌تری دارد و به هر اندازه که روحیه خداترسی و پرهیزگاری در او کم‌تر باشد، لغزش و انحرافش بیش‌تر خواهد بود و همین جاست که باید مراقبت‌ها و سخت‌گیری‌های بیرونی در مورد او شدت یابند. تجربه بشری ثابت کرده است که، اگر حکومتی، فارغ از دغدغه‌های لازم جهت کنترل کارگزاران، یا تنها به اتکای عوامل معنوی و درونی در کنترل آنان، از مراقبت و سخت‌گیری درباره تخلفاتی که از مأموران و کارگزاران حکومت سر می‌زند، غافل بماند، حس اعتماد مردم را از دست می‌دهد و از پشتیبانی آنان بی‌بهره خواهد گشت و در اداره امور حکومت و حفظ مصالح مردم ناتوان خواهد بود.

۱. درباره نظارت و سخت‌گیری امام زمان علیه السلام تعبیر «شدید علی العمال» در کنار «رحیم بالمساکین» آمده است که بیانگر سمت و سوی واحد آن دو در راستای بهبود اوضاع اقتصادی جامعه است، از این‌رو «سخت‌گیری بر کارگزاران» یک راهکار در کنترل اوضاع اقتصادی به شمار آمده به این‌که کارگزاران از سلطه و قدرت خود سوء استفاده نکنند، بیش‌تر از حق خود نخواهند، به حقوق مردم تعدی ننمایند، بر ضایع شدن حق ضعیفان ساکت ننشینند، تعادل اقتصادی داشته باشند، و عدالت اقتصادی در جامعه را پاس بدارند، و بر انجام مأموریت‌هایی که وضعیت معیشتی و رفاه مردم را بهبود می‌بخشد، کوشا باشند.

حکومت اگر بخواهد سالم بماند و سلامت جامعه را بتواند تضمین کند، در درجه اول باید عوامل حکومت و مسئولان و کارگزاران بخش‌های مختلف دولتی را کنترل و در صورت تخلف مجازات نماید.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌های متعددی که برای والیان و حاکمان نگاشته است، آن‌چنان در مورد امور جزئی مانند کیفیت لباس پوشیدن و خوردن و سخن گفتن آنان سخن گفته است که گویا بر کوچک‌ترین کارهای آنان نیز نظارت و مراقبت دارد. او در این نامه‌ها بارها درباره سوء رفتار آنان با رعیت هشدار داده و در مورد تخلفاتشان، سخت‌گیرانه به عتاب و عقاب رو نموده است.^۲

حضرت مهدی علیه السلام نیز در همه جهات با الگوگیری از قرآن کریم و سنت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه بزرگوار اسلام، نظارت و مراقبت بر کارگزاران حکومت و حسن انجام مأموریت‌ها توسط آنان را در دستور کار خویش دارد و چه بسا این‌که در روایات آمده خداوند متعال پستی‌های زمین را مرتفع و برجستگی‌های آن را هموار می‌گرداند و

۱. در همین زمینه اخباری که هر چند وقتی در رسانه‌های خبری بین‌المللی انتشار می‌یابد، قابل توجه است که در کشورهای پیشرفته مدیرکل، استاندار، وزیر و یا حتی نخست‌وزیری به جرم اختلاس یا رشوه‌گیری یا کلاه‌برداری محاکمه می‌شود؛ ولی در کمال تأسف مشاهده می‌شود که در کشورهای اسلامی، علی‌رغم این همه تأکیدات رهبران دینی، متخلفان وابسته به حکومت، نوعی مصونیت قانونی و قضایی دارند.

۲. ر.ک: نهج‌البلاغه، نامه‌های ۴۵ (خطاب به عثمان بن حنیف)، ۵۳ (خطاب به مالک اشتر)، ۵۶ (خطاب به شریح بن هانی)، ۶۰ (خطاب به کارگزاران دولت)، ۶۱ (خطاب به کمیل بن زیاد)، ۶۷ (خطاب به قثم بن عباس)، ۶۹ (خطاب به حارث همدانی) و ۷۱ (خطاب به منذر بن جارود).

دنیا را برای امام زمان علیه السلام هم چون کف دست در معرض دید او قرار می دهد،^۱ کنایه از سهولت مراقبت او درباره اوضاع سرزمین های مختلف و کیفیت انجام امور حکومتی در آنها باشد.

در روایات آمده است که میان شیعیان و امام علیه السلام نیازی به پُست و پیک وجود ندارد، وقتی امام علیه السلام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بینند و امام در جایگاه خود قرار دارد.^۲ بدیهی است که حاکمی هم چون امام زمان علیه السلام با این همه سیطره و اشرافی که بر همه نقاط تحت نفوذ حکومت خویش دارد، سلوک و رفتار کارگزارانی را که عهده دار تأمین نیازهای مردم و مأمور پاسداری از قانون در جامعه می باشند، به شدت زیر نظر دارد و در صورت بروز تخلف، با آنان به شدت برخورد می نماید.

المَهْدِيُّ شَدِيدٌ عَلَى الْعَمَالِ، رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ؛^۳

حضرت مهدی علیه السلام با عاملان حکومت و کارگزاران دولت، سخت گیر و با بیچارگان و تهیدستان، مهربان است.

۶. تعهد گرفتن از نخبگان برای ساده زیستی

مردم در کیفیت معیشت خود به رهبران جامعه نظر دارند و از سلوک و رفتار آنان تأثیر می پذیرند، اشرافی گری و خوش گذرانی سردمداران امور حکومت، اثرش بر مردم کم تر از ضایعات هجوم دشمن نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲. همان، ص ۲۳۶؛ منتخب الأثر، ص ۴۳۸.

۳. منتخب الأثر، ص ۳۱۱ به نقل از: عقد الدرر و بشارة المصطفى صلی الله علیه و آله.

عتاب آلودی که به عثمان بن حنیف فرماندار بصره نوشته است، او را برای مهمان شدن بر سر سفرهٔ طعام‌های رنگارنگ نکوهش نموده و می‌فرماید:

اگر می‌خواستم می‌توانستم از عسل مصفا و مغز گندم و بافته‌های ابریشم برای خود خوراک و لباس فراهم کنم، اما هیبهات که هوا و هوس بر من غلبه کند و حرص و طمع مرا وادار کند تا طعام‌های لذیذ را برگزینم، در حالی که ممکن است در سرزمین حجاز یا یمامه کسی باشد که حتی امید به قرص نانی نداشته باشد.^۱

با عنایت به آیات شریفهٔ قرآن که در مذمت مترفان و خوش‌گذرانان تأکید فراوان دارد و با توجه به فرمایش‌های پیشوایان مقدس اسلام، اصل ساده‌زیستی و پرهیز از خصلت اشرافیت، امری شریف و پسندیده است و از همین روست که حضرت مهدی علیه السلام اگر چه در آن دوران که حاکمیت توحیدی را بنیان می‌نهد، نعمت‌های فراوان و سرمایه‌های بی‌شمار در اختیار دارد، خود و همراهانش را متعهد به ساده‌زیستی می‌گرداند.

او برای پایدار ماندن بر اصول معیشتی پیامبرانه و عدم خروج از چارچوب ارزش‌های حکومت علوی در همان ابتدای قیام، همهٔ ۳۱۳ تن یاران گردآمده در کنار خانهٔ کعبه را به بستن پیمانی مقدس فرا می‌خواند که بندهایی از آن، متکفل تعهد به نهایت ساده‌زیستی است.

یاران متعهد شوند که لباس خز و حریر نپوشند، کمر بند از طلا نبندند، زمین را بستر خویش سازند و لباس خشن بپوشند. و به کم اکتفا کنند و

۱. نهج البلاغه، نامهٔ ۴۵.

خود متعهد می‌شود که هم‌چون آنان لباس بپوشد و بر مرکبی مانند مرکب آنان سوار گردد و به کم راضی باشد و حاجب و دربان نگیرد.^۱

۷. برقراری نظام تأمین حقوق سرانه و تقسیم منظم بیت‌المال^۲

حضرت مهدی علیه السلام با تنظیم مقرری خاص برای هر خانواده، در دو نوبت از سال، حقوق و نقدینه مشخصی را برای اداره زندگی و تأمین نیازهای طبیعی آنان در اختیارشان قرار می‌دهد، و نیز در دو نوبت از هر ماه، سهمیه‌ای معین از مواد غذایی و سایر اقلام مصرفی مورد نیاز هر خانواده را به دست عاملان حکومت، به آنان تحویل می‌دهد.^۳

در این اقدام اقتصادی چند نکته قابل توجه وجود دارد:

الف) این عطای مستمر به صورت تقسیم حقوق هر شش ماه یک بار، و توزیع سبد کالا هر دو هفته یک بار، برای همگان در همه دنیا عمومیت دارد و تعبیر «الناس» - به معنای همه مردم - در فرمایش امام باقر علیه السلام نشان می‌دهد که

۱. منتخب‌الأثر، ص ۴۶۹.

۲. امروزه نیز در برخی کشورها که اقتصاد پیشرفته و سرمایه ملی فراوان دارند، مرسوم است که سهمیه‌ای معین از بیت‌المال به‌طور منظم در اختیار همه، یا بخشی از مردم آن کشورها قرار می‌گیرد. و این البته قابل مقایسه با آن همه سرمایه سرشار و اندوخته بی‌شمار در عصر حضرت مهدی علیه السلام نیست، سرمایه و اندوخته‌ای که حق مردم است و آنچه مازاد بر هزینه‌های خدمات عمومی است باید به نحوی در اختیار آنان قرار گیرد.

۳. امام باقر علیه السلام: «وَيُعْطِي النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَيَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ».

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

این سیاست مربوط به گروه خاصی از مردم نیست و تنها اختصاص به نیازمندان ندارد، تا در آن صورت با عنوان بی‌نیازی عمومی در جامعه پس از ظهور - که در برخی روایات وارد شده است،^۱ - منافاتی داشته باشد.

ب) این حرکت هرگز به معنای تعطیلی اشتغال و کسب درآمدهای خصوصی و شخصی نیست.

هر کس در جامعه حق دارد از شغل مناسب بر خوردار باشد و متناسب با توانایی‌های خویش از درآمد لازم و امتیازات کافی بهره‌مند گردد و علاوه بر این به عنوان حقی اجتماعی، از تسهیلات و مساعدت‌های عمومی نیز استفاده کند. بله، تردیدی نیست که از کارافتادگان و ناتوانان، با همین عطایا و مستمری‌های مشخص از رفاه نسبی برخوردار خواهند شد.

ج) انفال و سرمایه‌های عمومی مانند جنگل‌ها، کوه‌ها، دریاها، رودخانه‌ها، معادن، منابع زیرزمینی، و گنجینه‌ها، پشتوانه اقتصادی هر جامعه است و هر دولتی با اتکای به همین سرمایه‌هاست که می‌تواند در ارائه خدمات به مردم و بهسازی همه جانبه کشور موفق باشد. حال اگر با لحاظ همه اولویت‌ها و با صرف سرمایه‌های عمومی در همه زمینه‌های لازم، باز هم بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای حاصله باقی ماند، بدون شک، در اختیار مردم قرار دادن آن، بهترین راه مصرف به شمار می‌آید.

۱. امام صادق علیه السلام: «لَا يَجْدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَدِرْهَمِهِ مَوْضِعًا، لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعًا بِفَضْلِ اللَّهِ؛ (در زمان حضرت مهدی علیه السلام) هیچ یک از شما جایگاهی (فقیری) برای پرداخت درهم و دینارش نمی‌یابد، زیرا همه مردم به فضل خداوند بی‌نیاز می‌شوند». همان، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

د) سازماندهی تشکیلات گسترده خدمات‌رسانی در سرتاسر دنیا در عصر حضرت مهدی علیه السلام به گونه‌ای است که اولاً، نظم ویژه توزیع هر سال دو مرتبه حقوق و هر ماه دو بار کالا را تأمین می‌نماید، و ثانیاً، ارتباط مستقیم سازمان با دستگاه رهبری را عیان می‌سازد، به شکلی که مردم در هر کجا باشند کلیه دریافتی‌ها را عطای او می‌شمارند.

۸. تقویت کشاورزی و دامداری

اصلی‌ترین نیازهای بشری از زمین و دام حاصل می‌آید، و این قاعده‌ای است که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا قیام رستاخیز ادامه داشته و دارد و پیشرفت علم و صنعت و رشد روزافزون تکنولوژی نه تنها هرگز موجب بی‌نیازی انسان از محصولات کشاورزی و دام‌پروری نمی‌شود، بلکه او را در بهره‌گیری از خاک و دام تواناتر می‌سازد.

این‌که امروزه قطب‌های صنعتی دنیا توانسته‌اند به هیولاهای کنترل‌ناشدنی سرمایه و قدرت اقتصادی تبدیل شوند، از آن روست که با استخدام صنعت و فن‌آوری پیشرفته، از طرفی، انحصارگرانه تولیدات کشاورزی و پرورش دام را توسعه بخشیده و با تولید انبوه، بازارهای جهان را تحت نفوذ و سیطره خود قرار داده‌اند؛ و از طرف دیگر، ظالمانه با سرازیر ساختن تولیدات ارزان این دو صنعت به کشورهای جهان سوم، زمینه‌های تولید سنتی محصولات کشت و دام را به شکست و نابودی کشیده‌اند.

در دوران طلایی پس از ظهور، امام زمان علیه السلام با بهره‌گیری از عوامل ذیل به تقویت و رشد عوامل تولید کشاورزی و صنعت دامداری می‌پردازند:

الف) برنامه‌ریزی‌هایی در جهت بهره‌وری از همه زمین‌های قابل کشت دنیا، با ذخیره‌سازی باران‌ها و تقسیم حساب شده آب نهرها.
ب) ترتیباتی در جهت غنی‌سازی زمین‌ها برای کشت‌های متناوب فصلی، و تبدیل زمین‌های بایر به مزارع و باغ‌های حاصل‌خیز.
ج) علمی‌سازی تولید و پیشرفت چشم‌گیر تکنولوژی کشت زمین و پرورش دام.

د) ایجاد فرهنگ صحیح اشتغال به این دو صنعت.
و) متناسب‌سازی تولید و عرضه با میزان دقیق تقاضا براساس نیازهای واقعی و عادلانه کل انسان‌ها.

تعبیر مختلفی که در روایات ویژه پس از ظهور در مورد آبادانی همه جای زمین، پوشیدگی همه سرزمین‌ها از سبزه و گیاه، فراوانی خارق‌العاده باران، جاری شدن نهرها، رویش بی‌سابقه گیاهان و ثمردهی بی‌نظیر درختان، بخشندگی زمین، کثرت دام و فراوانی خیر و برکت‌ها مورد تأکید قرار گرفته‌اند و در ابواب پیشین به مناسبت، ذکری از آنها به میان آمد، همگی مرتبط با همین سیاست اقتصادی در دوران حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام می‌باشند.

۹. مجازات متخلفان اقتصادی

دستورهای مختلف اسلام در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مجموعه‌ای متوازن، هماهنگ و همخوان را تشکیل می‌دهند که برای تأمین سعادت فرد و جامعه، بی‌تردید همه آنها باید مورد توجه قرار گیرند.

این که در جامعه‌ای با ملاحظات سیاسی و حزبی یا بانگرانی‌های حاصله از به هم خوردن سیستم ارتباطات دیپلماتیک و خروج از دایره قراردادهای به اصطلاح بین‌المللی، برخی از احکام و قوانین اسلامی مورد بی‌توجهی یا کم‌اعتنایی قرار گیرند، بی‌تردید اصل سلامت اقتصاد، سیاست و فرهنگ اسلامی جامعه را به خطر خواهد انداخت.

در جامعه‌ی امروزی، کشورهایی که به سلامت اقتصاد کشور خود می‌اندیشند، حتی از تخلف‌هایی که عالی‌ترین مقامات کشوری صورت می‌دهند، چشم‌پوشی نمی‌کنند و بدون تسامح هر فرد، در هر موقعیت و مقام را در مورد تخلفی که در امور اقتصادی مورد قبول کشور مرتکب شده است، محاکمه و مجازات می‌کنند، در حالی که در کشورهای اسلامی با جوسازی‌هایی که مخالفان داخلی و خارجی نظام‌های اسلامی انجام می‌دهند، گاهی با ملاحظات خاص، بدیهی‌ترین تخلفات و رسواترین قانون‌شکنی‌های اقتصادی از روند مجازات اسلامی دور می‌ماند و بدین ترتیب راه برای تخلفات بزرگ‌تر و ناکامی سیستم اقتصاد هموار می‌گردد.

اما در دوران حضرت مهدی علیه السلام آن زمان که اسلام ناب با همه ابعادش، معیار حکومت و سیاست و قضاوت خواهد بود، سخت‌گیری در مجازات قانون‌گريزان اقتصادی تا پایه‌ای پیش می‌رود که بنا به روایتی از امام صادق علیه السلام کسی که از روی عناد زکات اموال خویش را نمی‌پردازد و یا در مسیر پرداخت زکات توسط مردم، مانع تراشی و کارشکنی می‌کند، به اعدام محکوم می‌شود.^۱

۱. «مهدی علیه السلام مانع الزکاة را می‌کشد». همان، ص ۲۲۵.

۱۰. ایجاد امنیت

در دوران پس از ظهور امنیت در همه ابعادش، در همه دنیا حاکم خواهد گشت، و بی‌گمان این امنیت، چه در سرمایه‌گذاری نسبت به تولید و چه در روند تجارت و عرضه کالا و چه در انواع مختلف خدمات‌رسانی تأثیرگذار خواهد بود و رشد همه جانبه اقتصاد را به دنبال خواهد داشت.^۱

۱۱. مبارزه با تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری

تجمل‌گرایی در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام ریشه کن خواهد شد و هیچ‌کس به بهانه این که ثروت فراوان و رفاه کامل دارد به زندگی اشرافی روی نخواهد کرد؛ زیرا تنها ثروت‌مند بودن و در اختیار داشتن طلا و جواهر نیست که انسان را گرفتار تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری می‌نماید، بلکه سوء سریرت، عدم برخورداری از ارزش‌های اسلامی و انسانی، رقابت‌های ناروا و تبلیغات ناسالم در جامعه و گرفتار شدن در دام غفلت، لذت‌پرستی و دنیاطلبی است که انسان‌ها را به چنین ورطه‌ای می‌کشاند و همه این‌ها در عصر حاکمیت صالحان اصلاح خواهد گشت.

از نگاهی دیگر زشتی تجمل‌گرایی و ناروایی زندگی اشرافی ریشه در

۱. بحث از امنیت به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی عصر ظهور و تفصیل پیامدهای آن با تأکید به پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی از مباحث مهمی است که در مجالی گسترده‌تر به آن خواهیم پرداخت. ان شاء الله.

حرمت اسراف^۱ و تبذیر^۲ دارد، که به عنوان دو آفت اقتصادی در دوران حضرت مهدی علیه السلام ممنوعیت خواهند داشت.

این که در قرآن کریم تبذیرکنندگان برادران شیطان‌ها خوانده شده‌اند، شاید به جهت این باشد که این گروه از سرمایه‌داران، نه تنها خود همراه و همگام شیطان می‌شوند و با غرق شدن در زرق و برق مادیات و تجملات زندگی در مسیر هلاکت قدم بر می‌دارند، بلکه در فریب و گمراهی دیگران نیز سهیم گشته و یاری دهنده شیطان شمرده می‌شوند. اینان نه فقط خود به فراموشی از یاد خدا و قیامت دچار می‌شوند، بلکه اقشار دیگر جامعه را هم به دنیادوستی و اشرافی‌گری می‌کشانند.

عامل دیگر در محکومیت زندگی تجمل‌آلود رشد عقلی، کمال فکری و کرامت اخلاقی مردم در دوران پس از ظهور است که به خودی خود راه را بر چنین گرایش‌هایی می‌بندد و از آلوده شدن فرد و جامعه به چنین آفت‌هایی جلوگیری می‌کند.

از طرفی سرمایه‌گذاری‌های مفید در مسیر تعالی همه جانبه جامعه و فراهم آوردن زمینه‌های رشد آن، از صرف هزینه‌ها برای امور غیرضروری و تجملاتی باز می‌دارد.

اصولاً عصر حضرت مهدی علیه السلام، عصر انقلاب ارزش‌هاست. از این رو اگر در دوران پیش از ظهور، به جهت سوء مدیریت‌ها و خیانت‌هایی که

۱. ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾. اعراف، آیه ۳۱.

۲. ﴿وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا، إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾. اسراء، آیه ۲۷.

در سیستم فرهنگ‌سازی صورت می‌گیرد، مردم، داشتن کاخ و ویلاهای کاخ مانند را ارزش می‌شمارند و برای داشتن اتومبیل‌های بسیار گران‌قیمت، یا حتی هواپیمای اختصاصی آرزوی طولانی در سر می‌پرورانند، مردم عصر حضرت مهدی علیه السلام این جلوه‌ها را کاملاً ضد ارزشی می‌دانند و هرگز تصور آلوده شدن به چنین مظاهری را به خیال خود راه نمی‌دهند.

امروزه اگر کسی که میلیاردها تومان ثروت بادآورده و به خیانت جمع‌آوری شده‌اش را صرف تزیینات و تجملات خانه و باغ و مؤسسه تجاری می‌کند و میلیاردها تومان اموال حاصل از رباخواری، رانت‌خواری، احتکار، قاچاق، واسطه‌گری‌های اجحاف‌آمیز و باج‌خواهی‌هایش را در پارتی‌ها، جشن‌ها، عیش و نوش‌ها و سفره‌های گناه‌آلوده خارجی مصرف می‌نماید، نه تنها مجرم شناخته نمی‌شود، بلکه به عنوان میلیاردری با پرستیژ و دارای شخصیت ممکن است همه جا مورد احترام نیز قرار گیرد. اما در عصر حاکمیت توحید و عدل، اولاً، راه پولدار شدن این‌گونه افراد بسته می‌شود و ثانیاً، راه‌های خرج درآمدها ضابطه‌مند و کنترل شده است و فرصت این‌گونه تجمل‌گرایی‌ها را به کسی نمی‌دهند.

روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از راهی عبور می‌کردند؛ چشمشان به ساختمان مجلل و بزرگی که در کنار جاده ساخته شده بود، افتاد. از همراهان پرسیدند: این عمارت از کیست؟ عرض کردند: از آن یکی از انصار است. حضرت بسیار ناراحت شدند و زمانی که صاحب آن ساختمان سر رسید و سلام کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله روی از او گرداندند، و جواب سلام او را ندادند.

مرد انصاری آثار خشم را در چهره آن حضرت دید، موضوع را از یاران پرسید. گفتند: پیامبر ﷺ وقتی شنیدند که این ساختمان مال توست، این چنین ناراحت شدند. مرد انصاری رفت و همان روز برای ویران کردن آن بارگاه اقدام نمود.

روزی دیگر که حضرت رسول ﷺ از آن جا عبور کردند و دیگر آن ساختمان را ندیدند، پرسیدند: آن عمارت چه شد؟ وقتی همراهان جریان را گفتند، حضرت فرمودند: هر بنایی در روز قیامت و بال صاحب اوست و مایه بازخواست می شود، مگر آن مقداری که به آن نیازمند است.^۱

با چنین رویکرد پیامبرانه ای است که حضرت مهدی علیه السلام با دین ستیزان دنیا دوست هیچ گونه سازشی نخواهد داشت، توطئه هایشان را کشف، فساد انگیزی هایشان را ممنوع و خوش گذرانی هایشان را متوقف خواهد ساخت. اموال و ابزار سلطه آنان را ضبط، خانه ها و مؤسساتشان را بازرسی، و قصر هایشان را خراب خواهد کرد.^۲ و بدین ترتیب هم در بعد پیش گیری و هم در بعد مبارزه با تجمل گرایی و اشرافی گری، دوران حضرت مهدی علیه السلام را می توان شاخص ترین دوران تاریخ بشر دانست.

از منظر قرآن کریم هم سنت خداوند بر آن است که هرگاه بخواهد امتی را به جهت کفر و طغیان و معصیتشان عذاب نماید و به هلاکت کشاند، دست

۱. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۹۸.

۲. برگرفته از صلوات بر حضرت مهدی علیه السلام، مفاتیح الجنان.

سرمایه‌داران، سرمستان نعمت، خوش‌گذرانان، طغیانگران و شهوت‌رانان ثروتمند و مرفهان بی‌درد^۱ را باز می‌گذارد و آنان جامعه را به هر فسق و فسادى آلوده خواهند کرد و همه اصلاحگران را مطرود و همه روزنه‌های اصلاح را مسدود خواهند نمود تا جایی که وعده عذاب محقق، جامعه متلاشی و سرزمینشان زیر و زبر گردد.^۲

بنابراین، اگر در حکومتی همچون حکومت توحیدی موعود قرار باشد ریشه هرگونه فسق و فجور سوزانده شود، اصلاح در همه شئون جامعه پدید آید، مصلحان عزت یابند و با از بین رفتن هرگونه عامل عذاب، سعادت و رحمت بر امت اسلام و سرزمین اسلامی باریدن گیرد، راهی جز بریدن دست سرمایه‌داران خوش‌گذران و مرفهان طغیانگر باقی نمی‌ماند.

۱. معجم الفاظ القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۵۴؛ معانی واژه «مترفین» در این کتاب متعدد و مطابق با تعبیر مذکور است.

۲. برداشتی آزاد از آیه ۱۶ سوره اسراء.

الكتب بساتين العلماء کتابها بوستان دانشمندان

حضرت علی علیه السلام

موسسه

بوستان کتب

مؤسسه بوستان کتاب قم^۱ (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) از سال ۱۳۶۱ با هدف «تبیین و گسترش معارف دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی با چاپ و نشر کتاب در حوزه اندیشه اسلامی» با انتشار آثار اندیشمندان اسلامی کسار خود را آغاز کرد. پس از به بار نشستن تلاش‌های واحدهای گوناگون دفتر تبلیغات اسلامی^۲، انتشار تولیدات آن‌ها را - علاوه بر ادامه انتشار کارهای قبلی - نیز عهده‌دار شد. در این مؤسسه آثار «تخصصی، عمومی و کودک و نوجوان» مورد توجه است و پس از تصویب در «شورای بررسی آثار» با معیارهایی مانند: «اتقان و محتوای مناسب، نیاز جامعه به موضوع اثر، روشمند بودن تألیف، نبودن آثار مشابه در بازار کتاب و...» پذیرفته می‌شود.

۱. از ۱۳۸۰/۱/۲۸ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با نام مؤسسه بوستان کتاب قم فعالیت می‌نماید.
۲. واحدهای دفتر تبلیغات اسلامی که آثارشان را این مؤسسه منتشر می‌کند عبارتند از: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم علیه السلام مرکز آموزش مبلغین، مرکز آموزش خواهران، مؤسسه انتظار نور، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، معاونت فرهنگی و هنری، مجلات: پیام زن، حوزه، با معارف اسلامی آشنا شویم و....

موفقیتهای مؤسسه

✓ ناشر سال ۱۳۷۵، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۱ (برگزیده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)؛
 ✓ ناشر سال ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ حوزه علمیه؛
 ✓ ناشر سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ دانشجویی؛
 ✓ ناشر برگزیده نهمین و پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱؛
 ✓ ناشر سال ۱۳۷۸ استان قم؛
 ✓ اثر برگزیده در جشنواره‌های مختلف (کتاب سال کشوری، حوزه، دانشجویی، ولایت، کنگره،
 دین پژوهان و...)

موضوع آثار و تعداد آن‌ها

مؤسسه تاکنون توفیق داشته است بالغ بر ۲۳۰۰ عنوان کتاب در موضوعات ذیل منتشر نماید:

قرآن: ۲۱۹ عنوان:	معرفت‌شناسی: ۵	اجتماعی: ۹
علوم قرآن: ۱۱۵	عرفان نظری: ۲۷	زن: ۵۶
تفسیر: ۱۰۴	عرفان عملی: ۲۵	اقتصاد: ۲۷ عنوان:
حدیث و رجال: ۱۸۵ عنوان:	اخلاق و علوم تربیتی: ۳۰۱ عنوان:	علم اقتصاد: ۶
حدیث: ۱۴۵	اخلاق اسلامی: ۹۲	اقتصاد اسلامی: ۲۱
رجال: ۱۱	تعلیم و تربیت: ۲۰۱	ادیان و مذاهب: ۵ عنوان
دعا و مناجات: ۲۹	فلسفه اخلاق: ۲	زبان و ادبیات و هنر: ۲۹۴ عنوان:
فقه و حقوق: ۴۶۵ عنوان:	روانشناسی: ۵	ادبیات فارسی: ۷
احکام: ۱۷۸	تاریخ: ۲۹۶ عنوان:	ادبیات عرب: ۸۶
نماز: ۳۱	تاریخ اسلام: ۸۲	ادبیات لاتین: ۲
فقه استدلالی و نظری: ۱۴۶	اهل بیت (علیهم‌السلام): ۱۹۲	ادبیات انقلاب و مقاومت: ۲۷
فقه سیاسی: ۴۳	انبیاء: ۱۲	ادبیات داستانی: ۷۳
اصول فقه: ۲۶	اصحاب: ۳۳	قصه، حکایت، لطیفه و معما: ۶۳
حقوق: ۲۹	زندگی‌نامه و خاطرات: ۶۲	شعر: ۱۶
فلسفه فقه و حقوق: ۱۲	فلسفه تاریخ: ۲	هنر: ۱۰
کلام و عقاید: ۲۵۳ عنوان:	یادنامه: ۹	کلیات: ۱۱۹ عنوان:
کلام استدلالی: ۶۳	سفرنامه: ۴	کتابشناسی: ۶۰
کلام جدید: ۲۵	سیاسی-اجتماعی: ۲۱۸ عنوان:	فرهنگ و دائرة المعارف: ۳۱
عقاید: ۱۶۵	اندیشه و جریان‌شناسی سیاسی: ۶۹	پژوهش و آموزش: ۲۸
فلسفه و عرفان: ۱۶۷ عنوان:	جغرافیای سیاسی: ۵	مدیریت: ۱۱ عنوان
منطق: ۴	جامعه‌شناسی: ۲	هیئت و نجوم: ۴ عنوان
فلسفه اسلامی: ۷۶	فلسفه سیاسی: ۳	تبلیغ و مبلغ: ۸۱ عنوان
فلسفه غرب: ۱۰	سیاسی: ۷۴	کوناگون: ۷

خواستاران کتاب‌های مؤسسه می‌توانند از طریق وب سایت:

<http://www.bustaneketab.com>

یا فروشگاه‌ها و نمایندگی‌های فروش آثار مؤسسه و یا با مکاتبه به نشانی مؤسسه، از طریق پست، اقدام نمایند.

فروشگاه‌های مؤسسه:

- فروشگاه مرکزی، قم میدان شهدا، بوستان کتاب قم، تلفن: ۷۷۴۴۲۲۶
- فروشگاه شماره ۲، تهران خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، کوچه دوم (پشتن)، پلاک ۲۲/۳، تلفن: ۶۴۶۰۷۳۵
- فروشگاه شماره ۳، مشهد، چهارراه خسروی، ابتدای خ آزادی، مجتمع یاس، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲
- فروشگاه شماره ۴، اصفهان خ حافظ، چهارراه کرمانی، گلستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان) تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰

نمایندگی‌های فروش کتاب‌های مؤسسه در سراسر کشور:

● آذربایجان شرقی

- آذرشهر: کتابفروشی اندیشه، خ امام خمینی - روبروی خ شهید غفاری - مجتمع میلاد نور - تلفن: ۴۲۲۴۱۷۲
- بناب: کتابفروشی طباطبایی، جنب مصلی - تلفن: ۵۲۸۶۳۹
- تبریز: کتابفروشی شهید شفیق زاده، خ امام خمینی، روبروی خ تربیت - تلفن: ۵۵۶۶۹۲۳
- تبریز: انتشارات ولایت، کوی ولی عصر (عج)، خ نظامی، ۲۰ متری شیخ محمد خیابانی - تلفن: ۲۳۰۸۹۸۸
- مراغه: مرکز فرهنگی نقلین، میدان طلوع فجر - جنب مسجد کربلا - تلفن: ۲۲۳۹۰۰۰
- میانه: کتابفروشی رسالت، خ سرچشمه - تلفن: ۲۲۳۵۰۱۱

● آذربایجان غربی

- ارومیه: کتابفروشی اسراء، اول خیابان عطائی جنب زیرگذر، سرای اتحاد طبقه پائین - تلفن: ۲۲۴۰۷۷۵
- چالدران: کتابفروشی رضایی، خ ساحلی - تلفن: ۲۶۲۲۲۵۵

● اردبیل

- اردبیل: نمایندگی آموزشی و پرورش، خ امام خمینی، جنب مرکز پیش‌دانشگاهی مدرس - تلفن: ۲۲۳۱۸۵۹

● اصفهان

- اصفهان: فرهنگسرای اصفهان، خ چهارباغ، دروازه دولت - تلفن: ۲۲۰۴۰۲۹
- اصفهان: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، خ مسجد سید، سازمان تبلیغات اسلامی - تلفن: ۲۳۶۷۴۵۱
- اصفهان: کتابفروشی خدمات فرهنگی فدک، خ مسجد سید - تلفن: ۲۲۰۵۴۸۵
- اصفهان: کتابفروشی دفتر تبلیغات اسلامی، خ حافظ، چهارراه کرمانی - تلفن: ۲۲۲۵۲۰۶

○ اصفهان: انتشارات خاتم الانبیاء، خ حافظ، مقابل کرمانی، کوی خلیفه سلطانی - تلفن: ۲۲۱۳۰۵۰ - ۰۹۱۳۳۱۰۸۶۴۷

○ اصفهان: انتشارات امام عصر (عج)، خ چهار باغ، پایین تر از کوچه رشتی ها، کوچه حکیم داود، پلاک ۴۹ - تلفن: ۲۲۰۴۹۳۳

○ اصفهان: انتشارات ثامن الائمه علیه السلام، خ چهار باغ خواجو، جنب مسجد بقیه... - تلفن: ۲۲۲۳۵۲۹

○ خوانسار: انتشارات ارمغان قلم، خ امام خمینی، جنب بانک ملی مرکزی - تلفن: ۲۲۲۳۳۳۸-۲۲۲۳۳۳۶

○ کاشان: کتابفروشی یزدانخواه، بازار - تلفن: ۲۴۸۵۹

● بوشهر

○ بوشهر: نشر موعود اسلام، خ لیان، تلفن: ۲۵۲۴۹۳۳

○ بوشهر: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، میدان امام خمینی علیه السلام، سازمان تبلیغات اسلامی - تلفن: ۵۵۵۸۲۵۱-۲

● تهران

○ تهران: محصولات فرهنگی عصر ظهور، خ افسریه، خ ۱۵ متری دوم، نبش خ ۲۰ - تلفن: ۳۱۴۷۲۲۰ و ۰۹۱۲۳۶۰۵۸۹۶

○ تهران: کتابفروشی دفتر نشر فرهنگ اسلامی، خ انقلاب، خ اردیبهشت، بازارچه کتاب - تلفن: ۶۴۶۹۶۸۵

○ تهران: مؤسسه فرهنگی علامه شعرانی میدان شهر ری، ابتدای جاده قم، جنب مسجد امام رضا علیه السلام - تلفن: ۵۹۰۶۷۲۹

○ تهران: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، خ بهارستان، روبروی بیمارستان طرفه - تلفن: ۷۵۲۱۹۷۵

○ تهران: انتشارات حکمت، خ انقلاب، ابتدای خ ابوریحان، شماره ۳ - تلفن: ۶۴۱۵۸۷۹

○ تهران: پخش شفیع، خ انقلاب، خ اردیبهشت، ساختمان اردیبهشت، پلاک ۲۲۷ - تلفن: ۶۴۹۴۶۵۴

○ تهران: کتابفروشی مؤسسه کتاب مرجع، خ فلسطین، شماره ۱۲۸ - تلفن: ۸۹۶۱۳۰۲

○ تهران: پخش آثار، خ انقلاب، خ شهدای ژاندارمری، پلاک ۱۸۵ - تلفن: ۶۴۶۰۲۳۳

○ تهران: مؤسسه فرهنگی کتاب عفت، خ پیروزی، چهارراه کوکاکولا، خ نبرد، خ داودآبادی غربی - تلفن: ۳۷۹۸۶۷۸

○ تهران: مؤسسه شبکه اندیشه، میدان انقلاب، ابتدای خ آزادی، نبش خیابان کاوه، پلاک ۲۰۴، واحد ۶ - تلفن: ۶۹۲۵۱۲۷۶۹۱۴۷۶۵

○ رباط کریم: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، تلفن: ۴۲۲۷۶۹۶

○ کرج: مؤسسه فرهنگی هنری خامس آل عبا، میدان کرج، اول بلوار شهید چمران، بن بست رضائی - تلفن: ۲۲۴۸۴۸۶

● خراسان

○ مشهد: مجتمع یاس (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان)، چهارراه خسروی، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲

- مشهد: انتشارات وحی، خ آزادی، بازار غدیر، -تلفن: ۲۲۵۰۲۰۱
- بجنورد: فروشگاه گنجینه اطلاعات، خ شریعتی جنوبی، پلاک ۷۱ -تلفن: ۲۲۲۳۷۷۲-۲۲۳۱۵۶۹۲
- نیشابور: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، خ شریعتی -تلفن: ۲۱۴۷۵۶

● خوزستان

- اندیمشک: فروشگاه عترت، ستاد اقامه نماز اندیمشک -تلفن: ۲۴۴۱۱
- اندیمشک: فروشگاه فرهنگی طلوع غدیر، خ امام خمینی، جنب بانک ملی مرکزی -تلفن ۲۷۷۷۹
- اندیمشک: کتابفروشی رحمانی، خ امام خمینی، پاساژ جوانان، طبقه زیر زمین، آقای شیرمحمد رحمانی -

تلفن: ۲۰۹۷۲

- اهواز: نمایشگاه و فروشگاه رشد، خ حافظ، بین سیروس و نادری -تلفن: ۲۲۱۶۳۴۵
- اهواز: کتابسرای اشراق، خ نادری -نبش خ حافظ -طبقه زیر زمین -تلفن: ۲۲۲۸۶۸۱
- دزفول: نمایشگاه کتاب معراج، خ شریعتی، بین فردوسی و خیام -تلفن: ۵۲۵۱۳۷۵
- دزفول: کتابفروشی همشهری، خ شریعتی، نبش بوعلی، کتابسرای همشهری -تلفن: ۲۲۲۶۲۵۹
- دزفول: واحد فرهنگی فروشگاه کتاب حرم، حرم مطهر حضرت سبزه قبا -تلفن: ۲۲۲۲۴۹۲

● زنجان

- زنجان: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، خ امام، جنب بانک صادرات -تلفن: ۲۲۲۹۵۷۱
- زنجان: مجتمع فرهنگی قرآنی باقرالعلوم علیه السلام، خ امام خمینی، آستانه مبارکه امامزاده حضرت سیدابراهیم -

تلفن: ۲۲۲۲۴۸۲

- زنجان: کتابفروشی مسجد سید، سبزه میدان، مسجد سید(جامع) -تلفن: ۲۲۲۵۵۷۷

● سمنان

- شاهرود: مرکز فرهنگی میقات، خ شهید صدوقی، نبش کرچه مدرسه قلعه -تلفن: ۲۲۳۰۲۳۱
- شاهرود: مسجد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خ امام خمینی، بلوار ابن سینا -تلفن: ۲۲۲۲۹۵۰

● سیستان و بلوچستان

- زاهدان: مجتمع فرهنگی نبی اکرم صلی الله علیه و آله، تقاطع خیابان مصطفی خمینی علیه السلام و طالقانی -تلفن: ۲۲۲۰۴۴۳

● فارس

- شیراز: کتابفروشی دارالکتب شهید مطهری، خ زند -تلفن: ۲۲۵۹۰۲۳
- شیراز: دفتر مشاوره فرهنگی وفاق، بلوار زند، روبروی خیام، کوچه شهرداری سابق، بن بست سوم،

پلاک ۱۳۱ -تلفن: ۲۲۲۲۳۰۷

● قزوین

- قزوین: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، خ شهدا، جنب شیخ الاسلام -تلفن: ۲۲۹۰۱۹

○ قزوین: فروشگاه کانون توحید، خ میدان آزادی (سبزه میدان)، روبروی اداره پست - تلفن: ۲۲۲۲۸۷۷-۲۸۱-۰

● کرمان

○ کرمان: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، خ مطهری، جنب بیمارستان راضیه فیروز - تلفن: ۲۲۶۹۱۷۱-۴

○ کرمان: کتابفروشی نور صادق، خ ابو حله، روبروی بانک رفاه، پلاک ۲۹۲ - تلفن: ۲۲۶۰۸۵۱-۲۲۱۹۷۲۱

○ بسم: کتابفروشی کوثر، رستم آباد، سه راه رستم آباد - تلفن: ۴۲۲۰۴۰۹

● کرمانشاه

○ کرمانشاه: خانه کتاب، میدان ارشاد، ساختمان جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه - تلفن: ۸۲۲۲۲۰۱-۳

○ کرمانشاه: کتابفروشی شمس، میدان آزادی، پاساژ قصر، طبقه دوم - تلفن: ۸۲۲۵۱۰۶

○ کرمانشاه: کتابفروشی رضا پایروند، بازار وکیل الدوله - تلفن: ۷۲۲۷۵۶۲

● کردستان

○ سنندج: مرکز بزرگ اسلامی، خ امام خمینی، روبروی استانداری - تلفن: ۲۲۵۲۰۱۲

○ سنندج: کتابفروشی امام محمد غزالی، پاساژ عزتی - تلفن: ۲۲۵۶۱۰۰

● گلستان

○ گرگان: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی (شهید حقانی)، میدان وحدت - تلفن: ۲۲۲۱۲۲۷

● گیلان

○ رشت: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، خ مطهری - تلفن: ۳۲۲۲۲۶۲

○ زیباکنار: مرکز آموزشی سیدالشهدا، یادگان سیدالشهدا - تلفن: ۲۵۹۵

● لرستان

○ خرم آباد: مجمع فرهنگی بقیه الله، خ آیت الله کمالوند، جنب سینما استقلال، طبقه زیرین سازمان تبلیغات -

تلفن: ۴۴۷۷۲۸

● مازندران

○ ساری: کتابفروشی رسالت، خ انقلاب، بعد از سه راه قارن، جنب سازمان تبلیغات - تلفن: ۲۲۲۲۷۴۳

○ بابل: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، جنب مسجد جامع - تلفن: ۲۲۲۰۴۲۱-۴

○ بهشهر: کتابفروشی تربیت، بلوار شهید هاشمی نژاد، چهار راه فراش محله - تلفن: ۵۲۲۰۸۲۶

○ بابل: مؤسسه فرهنگی هنری حدیث مهتاب، خ امام خمینی، چهار سوق، مجتمع تجاری خاتم الانبیاء -

تلفن: ۲۲۹۵۲۷۱ و ۲۲۹۵۲۱۹

○ چالوس: کتابفروشی و محصولات فرهنگی بقیه الله، مصلی بقیه الله - تلفن: ۲۲۲۶۷۳۶

● مرکزی

○ دلیجان: مرکز فرهنگی شهید مطهری، خ طالقانی - تلفن: ۴۲۲۳۶۲۴

● هرمزگان

- بندرعباس: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، جنب شهرداری مرکز - تلفن: ۲۲۴۰۵۹۹
- بندرعباس: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، بلوار شهید چمران، جنب استانداری، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان - تلفن: ۳۳۳۶۰۰۷ و ۰۹۱۷۳۶۱۲۳۲۷

● همدان

- همدان: کتابفروشی آیت الله مدنی، میدان دانشگاه - تلفن: ۱۴ - ۸۲۶۰۲۱۱
- همدان: محصولات فرهنگی مذهبی انتشارات مفتون، خ شریعتی، حد فاصل چهارراه خواجه رشیدی، میدان شریعتی، - تلفن: ۲۵۲۰۵۹۶
- تویسرکان: نشر آینه، خ باهنر، ۱۲ متری اندرزگو - تلفن: ۴۲۲۲۷۵۱
- ملایر: فروشگاه کتاب سروش، خ سعدی، خ شهید مؤمنی - تلفن: ۲۲۱۶۸۵۰

● یزد

- یسزد: انتشارات و کتابفروشی نیکوروش، ابتدای خ امام خمینی، قبل از کوچه مسجد برخوردار - تلفن: ۶۲۶۴۶۹۹
- یزد: کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، بلوار شهید پاک‌نژاد، روبروی پمپ بنزین - تلفن: ۷۲۵۱۰۰۹
- اردکان: کتابسرای آل‌البیت علیهم‌السلام، خ شهید رجایی، روبروی حمام سادات - تلفن: ۷۲۲۹۱۴۶ و ۰۹۱۱۳۵۲۹۱۳۲

مؤسسه بوستان کتاب قم

(انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

تابستان ۱۳۸۳

مؤسسه برای واگذاری نمایندگی آثار خود به کتاب فروشی‌ها و مراکز پخش - خصوصاً در شهرهای فاقد نمایندگی - آماده همکاری و انعقاد قرارداد است.

Bahārītarīn Faṣḥe Ensān

[A glance at Imām Mahdī in Shiite belief]

by

Hasan Mahdaviyān

Buṣṭān-e ketāb-e Qom, press

(The center of publication of the office of Islamic
Propagation of the Islamic Seminary of Qum.)

Qum, IR, IRAN. P. O. Box: 37185.917

phon no: + 98251 7742155 Fax: + 98251 7742154

http: //www.bustaneketab.com

E-mail: bustan@ bustaneketab.com